

کتابخانه رستار

@ArtLibrary

فرهنگ روس

معرفی ایرانشناسان روس - بخش دوم

(قرن بیستم)



ترجمه و تدوین : فرزانه شفیعی ، مهدیه تاری

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ روس

معرفی ایرانشناسان روس - بخش دوم

(قرن بیستم)

معرفی ایران‌شناسان روس – بخش دوم (قرن بیستم)

ترجمه و تدوین: فرزانه شفیعی، مهدیه تاری
صفحه بندی و گرافیک: امین امینیان

نشانی: مسکو، ۱۱۷۰۴۹، خیابان گیلاروفسکایا، شماره ۵۵
ساختمان رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران
تلفن: (۳۰/۳۱/۳۲) ۹۸۸۵۲۲۹-۴۹۵-۰۰۷

نمابر: ۹۸۸۵۲۲۸-۴۹۵-۰۰۷

پست الکترونیکی: ccir@list.ru

نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

- سخن نخست ۷
- واسیلی ایوانویچ آبایف ۹
- فئودر باریسویچ راستوپچین ۱۶
- شفیکا احمدبکونا کویباگارا ۱۹
- وسیوالد فئودرویچ میلر ۲۱
- میخائیل نیکلایویچ باگالیوبوف ۲۲
- حبیب اوغلی علی یف ۳۰
- آناتولی ایوانویچ ارسلان بیکف ۳۶
- کیرا نیکلایونا یرمینا ۴۲
- علی اصغرزاده آجار علی اوغلی ۴۴
- عصمت الله عبدالله یویچ عبدالله یف ۴۵
- ولادیمیر ایگورویچ ساژین ۴۶
- محمد مبارز علی اوغلی علی زاده ۴۸
- آیک یغیازارویچ گولامیریان ۴۹
- ولادیمیر باریسویچ ایوانف ۵۰

- میخائیل سرگیوویچ پلوفین ۵۵
- دانیل سیمیونویچ کمیساروف ۶۲
- الگ فنودورویچ اکیموشکین ۶۴
- الکسی الکساندرویچ خیسماطولین ۶۵
- الکساندر آناتولیویچ زنکین ۷۰
- ایوان میخایلوویچ کامینسکی ۷۱
- نینا میخائیلوونا مامدووا ۷۴
- ولادیمیر ایوانویچ یورتایف ۷۶
- یکاترینا سرگئییونا میزینا ۷۸
- الکساندر ایوانویچ پالیشوک ۷۹
- آلینا سرگئییونا فیودوراوا ۸۰
- گنادی پتروویچ آودییف ۸۱
- لودمیلایوگنییونا آودیویا ۸۵
- چالیسوا ناتالیا یوریونا ۹۰
- الکساندر آناتولیویچ ورتینیکوف ۹۵
- عبدلله فیروزه عبادلایوا ۹۷

- ۹۸..... یلنا گلادکوا
- ۱۰۲..... لانا مجیدونا راوندی فدایی
- ۱۰۳..... پاول ویکتوریچ بشارین
- ۱۰۷..... مصاحبه با تنی چند
- ۱۰۷..... از ایرانشناسان
- ۱۰۸..... خانم مارینا لوونا ریسنر
- ۱۱۶..... "نینا میخایلوونا مامدوا"
- ۱۲۷..... سیویل طالپووا، ایرانشناس برجسته روس
- ۱۴۵..... خانم یلنا کنستانتینوا مالچانوا

سخن نخست

نگاه و اندیشه غربیان در تمام طول تاریخ همیشه متوجه شرق و شرقیان بوده است. واژه شرق و شرق شناسی را از چندین منظر می توان به نظاره نشست.

در میان محققان و نویسندگانی که در این باره پژوهش هایی به انجام رسانده اند همیشه اختلاف نظرهایی در خصوص مسائل مربوط به پدیده شرق شناسی وجود دارد.

دهخدا در لغت نامه می نویسد: « پژوهش های علمی دانشمندان غربی درباره ملل، تمدن، مذاهب، ادبیات و تاریخ مشرق زمین را شرق شناسی می گویند، بر این اساس شرق شناسان نیز دانشمند باختری است که در فرهنگ و تمدن خاوریان به تحقیق و تفحص می پردازد.»

شرق شناسی به نوبه خود شاخه های متعددی را در بر می گیرد که از جمله آن می توان به ایران شناسی اشاره داشت. ایران شناسی، مطالعه فرهنگ و تاریخ ایران زمین را می گویند. در حقیقت ایران شناسی شاخه منظمی از دانش است که به مطالعه دانش فرهنگی ایران از زمان باستان تا حال می پردازد (شامل ایران شناسی کهن و ایران شناسی نو). این فرهنگ شامل تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران کهن و ایران نو می شود. علاوه بر این در این شاخه به مطالعه زبان های ایرانی نیز پرداخته می شود.

از آنجا که فهرست محققین این رشته تحقیقاتی بسیار گسترده می باشد، در جلد اول تنها به معرفی آن دسته از افرادی پرداختیم که تا قرن ۱۹ فعالیت داشتند و در این جلد شما را با محققین قرن ۲۰ به بعد آشنا می نمایم.

واسیلی ایوانوویچ آبایف^۱



ایرانشناس و زبان شناس برجسته روس،
متخصص در زبان اوستیایی

آبایف در ۱۵ اکتبر سال ۱۹۰۰ م. در قریه کابی واقع در استان تفلیس متولد شد. اصل و نسب وی به منطقه اوستیا می رسد. آبایف در سال ۱۹۶۲ م. دکترای زبانشناسی خود را

گرفته و در سال ۱۹۶۹ م. به درجه پرفسوری رسید. وی همچنین کارشناس ارشد انستیتوی زبانشناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و عضو اصلی جامعه پادشاهی آسیایی در آکادمی انگلستان بود. سال ۱۹۸۱ م. به عنوان فعال برجسته علوم در گرجستان و اوستیای شمالی برگزیده شده و نشان دولتی اتحاد جماهیر شوروی را دریافت کرد. وی همچنین عضو افتخاری برخی از آکادمی‌های زبان خارجی و جوامع علمی بود. آثار وی در زمینه قوم شناسی اوستیا و ایران، آثار فولکلور اوستیا، ایرانشناسی و زبانشناسی همگانی می باشد. آبایف همچنین آثاری ادبی در رابطه با شعر «شوتا روستاولی» و «شوالیه در پوست ببر» دارد.

^۱ Vassili Ivanovich Abayev

این شرقشناس برجسته، دانشکده علوم اجتماعی وابسته به دانشگاه لنینگراد را در سال ۱۹۲۵ م. به پایان رسانده و در انستیتوی تاریخ - باستانشناسی قفقاز وابسته به آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی طی سال های ۱۹۲۸ م. تا ۱۹۳۰ م. مشغول به فعالیت بود. از سال ۱۹۳۰ م.، در انستیتوی یافتیچسکی (بعدها تبدیل به انستیتوی زبان و اندیشه «مارر» شد) به کار علمی می پرداخت و از سال ۱۹۵۰ م. در انستیتوی زبان شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی واقع در مسکو خدمات علمی خود را ادامه داد. کار وی در سال های آغازین به شدت تحت تاثیر اندیشه های ن.یا. مارر قرار داشت. اما در ادامه جریان فعالیت های وی به سمت زبان شناسی مقایسه ای - تاریخی سنتی پیش رفت. این مساله نیز قابل ذکر است که آبایف عضو افتخاری جامعه ایرانشناسی اروپا (در ایتالیا) و عضو افتخاری آکادمی علوم طبیعی روسیه نیز بوده است.

در سال های جنگ بزرگ میهنی، آبایف در انستیتوی اوستیای شمالی و اوستیای جنوبی به خدمات خود ادامه داده و از سال ۱۹۴۴ م. مدیریت گروه زبانشناسی انستیتوی تربیت مدرس اوستیای شمالی را به دست گرفت.

وی تحقیقات خود را تحت عنوان «حماسه نارتو»^۲ (۱۹۴۵ م.)، «زبان اوستیایی و فولکلور» (۱۹۴۹ م.) منتشر کرد. یکی از کارهای اصلی آبایف تدوین «فرهنگ لغت تاریخی - قوم شناسی زبان اوستیایی» در پنج جلد بود (۹۰-۱۹۵۸ م.)؛ در این فرهنگ وابستگی های قومی و تاریخ اقشار مختلف اوستیایی و همچنین

^۲ Nartov

ارتباطات خارجی زبان اوستیایی با زبان های هندواروپایی و غیرهندواروپایی توصیف شده است.

این ایران‌شناس برجسته همچنین تحقیقاتی در خصوص مسایل کلی زبان و روش های بررسی زبان شناسی («زبان به عنوان ایدئولوژی و زبان به عنوان تکنیک» (۱۹۳۴م.)، «مفهوم معانی ایدئولوژیک» (۱۹۴۸م.)، «زبان سکایی اروپا» (۱۹۶۵م.)) انجام داده است.

در آثار اولیه وی طی سال های ۱۹۳۰م. تا حد زیادی تحت تاثیر ایده های «مارر» به تفکیک دو جنبه مختلف زبان پرداخت: «تکنیک» و «ایدئولوژی». در مقاله ای که سال ۱۹۶۴م. به تحریر درآورد، به عنوان یک زبان شناس سنت گرا، ایدئولوژی ساختارگرایی موجود در غرب و روسیه را به شدت مورد انتقاد قرار داده و به تکرار استانداردهای ایدئولوژی حاکم در شوروی پرداخت، ضمن اینکه ایده ساختارگرایی را نیز به «غیرانسانی بودن» محکوم می ساخت.

آبایف در ۱۲ مارس ۲۰۱۱م در شهر مسکو چشم از جهان فروبست. وی را در باغ کلیسای اوستیا در منطقه ولادی قفقاز نزدیک مقبره شاه اوستیایی «کوست خیتاگوروف» به خاک سپردند.

نشان های افتخار:

نشان افتخار «خدمت به میهن» از نوع درجه ۳ (در تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۰م.) - به خاطر سهم ارزنده وی در توسعه علوم میهنی، آموزش نیروهای متخصص و همچنین به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد وی

نشان افتخار «خدمت به میهن» درجه ۴ (در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۹۵م.) - به خاطر خدمت به دولت، موفقیت ها و دستاوردهای وی در علم

نشان سرخ مربوط به فعالیت های علمی

دو مرتبه مفتخر به دریافت نشان ک. خیتاگوروا

فعال برجسته علوم گرجستان و اوستیای شمالی

اهم آثار آبایف:

حماسه اوستیا، انتشار توسط آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۳۹م. همراه با ضمیمه: ریتم در گفتار اوستیایی؛

زبان های ایرانی، انتشار در سال ۱۹۴۵م.؛

زبان اوستیایی و فولکلور، انتشار توسط آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۹م.؛

فرهنگ روسی - اوستیایی شامل ۲۵۰۰۰ واژه، همراه با ضمیمه دستوری، منتشر شده در سال ۱۹۵۰م.؛

زندگی سکایی ها و اصلاحات زرتشت، انتشار در سال ۱۹۵۶م.؛

مسایل زبان شناسی، انتشار در سال ۱۹۵۸م.؛

دستور زبان اوستیایی، انتشار در سال ۱۹۵۸م.؛

فرهنگ تاریخی - قوم شناسی زبان اوستیایی، انتشار توسط آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۵۸م.؛

تاریخ تحقیقات در زبان های ایرانی، انتشار توسط آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۶۲م.؛ شامل مقالاتی در خصوص زبان شناسی قیاسی - تاریخی ایران، تاریخ تحقیقات زبان اوستیایی در روسیه و اتحاد جماهیر شوروی؛

بررسی دستور زبان اوستیایی: آواشناسی و دستور زبان اورجونیکیدزه، انتشار در سال ۱۹۶۳ م؛

اقوام اروپایی سکایی، در بستر شرق و غرب، انتشار در سال ۱۹۶۵ م؛
در خصوص ریشه شناسی اسامی ایران باستان، انتشار در سال ۱۹۶۵ م. در مسکو؛

توسعه زبان های ادبی اقوام ایرانی در اتحاد جماهیر شوروی، قوانین توسعه زبان های ادبی اقوام اتحاد جماهیر شوروی در دوره شوروی / جریان های اصلی در توسعه داخلی زبان های ایرانی، عبری و قفقازی، انتشار در سال ۱۹۶۹ م؛
علم اشتقاق اسامی ایرانی: تاریخ دولت ایران و فرهنگ این منطقه، انتشار در سال ۱۹۷۱ م؛

فرهنگ تاریخی - ریشه شناسی زبان اوستیایی، انتشار در سال ۱۹۷۳ م؛

کسنیا دمیتریونا ایلینا^۳ (۱۹۰۰م. - ۱۹۴۱م.)



ایران شناس و زبان شناس

وی در خانواده‌های اشرافی در ابول پالوتسکی در ایالت ویتبسکی دیده به جهان گشود. دبیرستان را در سنت پترزبورگ به اتمام رساند و در سال ۱۹۱۸م. در دانشکده فیزیک و مهندسی سومین دانشگاه پرم پذیرفته شد، اما در ژانویه سال

۱۹۱۹م. مجبور شد دانشگاه را ترک کرده و مشغول به کار شود. در سال های ۱۹۲۰م. تا ۱۹۲۲م. دانشجوی دانشکده لغت شناسی دانشگاه دولتی تاریخ هنرگردید. سالهای ۱۹۲۲م. تا ۱۹۲۶م. را به تحصیل در دانشکده زبان های زنده شرقی لنینگراد مشغول بود و همزمان زبان فارسی را در دانشگاه دولتی لنینگراد به ریاست رماسکیویچ ، فریمان، برتلس می آموخت. از ژوئن سال ۱۹۲۶م. به عنوان یادگیری ، سپس آزمایشی و از می ۱۹۲۷م. به عنوان عضو هیات علمی همکاری می کرد. از سال ۱۹۳۰م. به عنوان متخصص گروه فارسی دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی فعالیت خود را آغاز کرد. او تسلط کامل به زبان های فارسی و فرانسه داشت و به زبان های عربی ، انگلیسی، آلمانی کتاب می خواند. در دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی بر روی موضوعات دست نوشته ها کار می کرد و کاتالوگ های ادبیات شناسی را تنظیم نموده و به چاپ کتاب نیز اقدام نمود. او به کار بر روی فرهنگ

^۳ Kseniya Dmitriyevna Ilina

لغت پهلوی- هندی نیمه تمام کارل گرمانویچ زالمان مشغول بود و همینطور در نگارش فرهنگ لغت تاجیکی- روسی همکاری داشت. ایلینا اسنادی را در خصوص روابط خیوه و بخارا با روسیه در قرن هفده آماده و منتشر کرد. به توصیف و شناسایی موضوعات داستان های فارسی و شاهنامه فردوسی پرداخت. ۲۷ ژوئن سال ۱۹۳۰م. ابرمان، شوهر وی که عرب شناس و ایران شناس نیز بود دستگیر شد، او به اتهامی کاذب به اعدام محکوم شده بود اما در ژوئن سال ۱۹۳۳م. از اردوگاه کار اجباری بازگشت. ۱۰ دسامبر سال ۱۹۳۳م. او به همراه ابرمان دستگیر شد. شوهرش به کولیم فرستاده شد و خود بر اساس پرونده شماره ۵۸-۱۱، ۱۰ کمیته مرکزی اتحاد جماهیر شوروی متهم شناخته شده و از ۲۵ فوریه سال ۱۹۳۴م. به ۳ سال کار در اردوگاه کار اجباری محکوم گردید. از ۱۲ مارس سال ۱۹۳۴م. در اردوگاه کار اجباری بالتیک بود و موفق شد با همسرش در تبعید در شهر آریل، جایی که با امکانات محدود به فعالیت علمی خود مشغول بودند ارتباط برقرار کند. در سال ۱۹۳۷م. ابرمان بر حسب اتفاق کشته شد. در خصوص ادامه زندگی ایلینا تنها می توان گفت که اول سپتامبر سال ۱۹۴۱م. در دادگاه نظامی کمیساریای خلق امور داخلی منطقه کورسک بر اساس پرونده شماره ۵۸-۱۰ محکوم شناخته شده و بر اساس شواهد تیر باران شد. (گواهی ای در خصوص صحت این اتفاق بایگانی نشده است).

فئودر باریسویچ راستوپچین^۴ (۱۹۰۴م. - ۱۹۳۷م.)



ایران شناس، کرد شناس و ترکیه شناس

وی در مسکو در خانواده ای اشرافی چشم به جهان گشود. از ۱۴ سالگی به صورت داوطلبانه به ارتش سرخ پیوست (۱۹۱۸م. - ۱۹۲۱م.) و در جنگ میهنی نیز شرکت کرد. پس از خروج از ارتش مدرسه متوسطه را در دانشکده شرق شناسی مسکو به اتمام رساند (۱۹۲۲م. -

۱۹۲۶م.). راستوپچین به تدریس در دانشگاه کارگری حزب کمونیست شوروی مشغول شد و با مجله "انقلاب شرق" این دانشگاه نیز همکاری داشت. در نوامبر سال ۱۹۳۱م. به لنینگراد رفت و در گروه پارس-ایران دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی به تدریس پرداخت. او در مجموعه کار در خصوص توصیف دستنوشته های فارسی و همچنین فرهنگ لغت تاجیکی-روسی همکاری داشت، اما اهمیت ویژه آن این بود که با مدیریت یوگنی ادواردویچ برتلس از روی اسناد فارسی مجموعه شیخ های جویبار که منبع مهمی از لحاظ تاریخ آسیای میانه محسوب می شد تکمیل شد (این متن ها پس از بازداشت راستوپچین بدون آوردن نامی از او چاپ شد). او همچنین شاهنامه فردوسی را که منبع مهمی از لحاظ تاریخ قرون وسطی کردها بود آماده کرد. پس از کشته شدن سرگی میرونویچ کیروف بر اساس تصمیم انجمن توسعه

^۴ Feodor Baricovich Rastoopchin

دفاع تحت نظارت کمیته دفاع از اتحاد جماهیر شوروی از ۲۹ مارس سال ۱۹۳۵م. به ۵ سال تبعید به قزاقستان محکوم شد. در ژانویه سال ۱۹۳۶م. ترجمه را به زبان قدیمی بخارایی انجام داد، بعد از ۲ ماه بر اساس قرارداد همکاری خود را با موزه ملی بخارا آغاز کرد. در اینجا در واقع در چرلاک کار نگارش "فرمان های خان های کوبایی" را به اتمام رساند و در آرشیو نخست وزیر پیشین دولت امپراطوری بخارا اسناد نایابی در خصوص بردگی در بخارا مشاهده کرده و به چاپشان اقدام نمود. در سال ۱۹۳۶م. اداره محلی تحت نامه ای رسمی او را فراخوانده و تمامی حقوق او را محدود نمود. در آرشیو این اداره نامه احضاریه او بایگانی شده است، در آغاز سال ۱۹۳۷م. با تلاش بسیار خواستار تجدید نظر در این تصمیم و اعاده حیثیت شد. ۱۱ فوریه سال ۱۹۳۷ دستگیر و به مسکو فرستاده شد. در بازپرسی ها به شرکت درسازمان تروریستی "اردن تامپلیروف" اعتراف کرد. سازمانی که در آغاز سال ۱۹۳۵م. در لنینگراد به استخدام آن در آمد. ۲۹ ژوئن سال ۱۹۳۷م. به دستور دادگاه عالی نظامی به اعدام محکوم شد. در این روز تیر باران شد. در سال ۱۹۹۱ از او اعاده حیثیت گردید.

تالیفات :

فهرست کتابشناسی در باره پارس، مسکو ۱۹۲۸م.

ترکیه بر اساس نشریات مرجع و سالنامه، ۱۹۲۹م.

کشورهای شرق، کتاب راهنما، با ویرایش پاستوخف، خداروا، اشمونگانرا، مسکو ، ۱۹۲۹م.

بیوگرافی در باره مسائل کردها، ۱۹۹۳م.

مقاله درباره قیام کردهای ترکیه در سال های ۱۹۲۴م. - ۱۹۲۶م. ، تاشکند ، ۱۹۳۱م.

فرمان ها و مدارک رسمی خان های کوبایی قرن ۱۸-۱۹، ۱۹۳۷م.

از آرشیو شیخ جویباری، موضوعاتی در خصوص ارتباطات ارضی و تجاری ، آسیای مرکزی در قرن ۱۶، ۱۹۳۸م.

ایوانوف، ارباب شیخ های جویبار، تاریخ اراضی فئودالی در آسیای مرکزی قرن ۱۶ و ۱۷، مسکو ۱۹۵۴م.

شفیکا احمدبکونا کویباگاروا^۵ (۱۹۰۶م.-۱۹۹۴م.)



این ایران شناس و ترکیه شناس در شهر بیشکک در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. اصلیت او قزاق بود. در مدرسه تاتار-روسی تحصیل کرد. در سال ۱۹۲۴م. برای تحصیل به دانشگاه دولتی آسیای میانه رفت و به مدت ۱ سال را در آنجا گذراند. سپس در بخش زنان کمیته چیمکنتسکی و کمیته آکتیوبنسکی وابسته به کمیته

مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی مشغول به کار شد. او دانشکده شرق شناسی لنینگراد در رشته مکالمه به زبان آسیای میانه به اتمام رساند (۱۹۲۶م.-۳۱م.). در سال ۱۹۲۸م. طی سفری کاری به قرقیزستان رفت (تحت ریاست رودنکو). از سال ۱۹۲۸م. عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی گردید. از سال ۱۹۳۱م. استاد آکادمی علوم اتحادیه جماهیر شوروی در قزاقستان بود. در سالهای ۱۹۳۴م. تا ۱۹۳۶م. به عنوان اقتصاد دان ارتباطات اداری منطقه لنینگراد کار می کرد. در فوریه و اگوست سال ۱۹۳۶م. بر اساس قرارداد در دانشکده تاریخ آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی فعالیت داشت. پس از دستگیری شوهرش به نام گروزدوا در می سال ۱۹۳۶م. از

^۵ Shafika Ahmedbekovna Koybagarova

میهنش خارج شد و به تدریس تاریخ در دانشکده فنی مهندسی فرونز پرداخت. در سال ۱۹۳۷م. دستگیر شد. ۹ اکتبر سال ۱۹۳۷م. انجمن توسعه دفاع از اتحاد جماهیر شوروی تحت نظارت وزارت دفاع وقت او را به ۵ سال زندان در اردوگاه کار اجباری محکوم کرد. او مدتی را در اردوگاه های تمسک و منطقه نواسییرسک گذراند. ۲۴ سپتامبر سال ۱۹۴۲م. از اردوگاه آزاد و به منطقه سمیپلاتینسکی تبعید شد. از اواسط سال ۱۹۵۰م. در لنینگراد بود. کارهای چاپ شده او مشخص نیستند.

وسیوالد فئودروویچ میلر^۶

شرق‌شناس، باستان‌شناس و زبان‌شناس

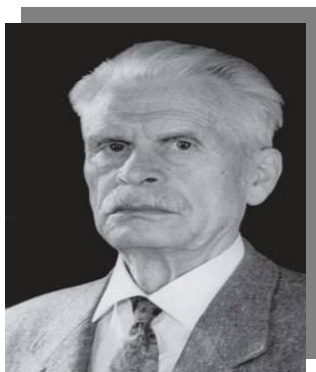


فسیوالد فئودروویچ میلر دانشمند و زبان‌شناس و باستان‌شناس معروف روسی است که در سال ۱۹۱۳ در خانواده شاعر و مترجمی معروف روسی در مسکو دیده به جهان گشود. وی در زمان حیات خود مدیر مدرسه تاریخ در رشته فرهنگ مردم، سازمان‌دهنده علوم و یکی از بنیان‌گذاران شرق‌شناسی در کشور روسیه بود. در سال ۱۸۷۰ تحصیلات خود را در دانشگاه مسکو

به پایان رساند، جایی که بعدها به عنوان پروفیسور مشغول به کار شد. از سال ۱۹۱۱ به عضویت هیئت آکادمی شهر سنت پترزبورگ درآمد. علاقه شدید او به زبان‌های هندوایرانی وی را به سوی مطالعه زبان و فرهنگ اوستیای، بازماندگان قوم سکایی فراخواند. در جریان پنج سفر خود به جمهوری اوستیا که طی سال‌های متمادی انجام گرفت (سال‌های ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۳ و ۱۸۸۶ م.) وی را به طور کامل و اساسی با زبان و فرهنگ و آداب و رسوم این قوم آشنا ساخت. پس از این سفر توانست در مورد فولکلور این قوم شروع به نوشتن کند. میلر برنامه جامع و کاملی برای خود تعریف می‌کند و این چنین می‌نویسد: انتشار سلسله پژوهش‌ها و تحقیقات با هدف آموزش زبان، داستان‌های حماسی، باورهای دینی و عامی مردم اوستا، و این که چه سرنوشتی را پشت سر گذاشته‌اند، چه مدارک و اسناد تاریخی از آنها در تاریخ به جای مانده است، مسائلی هستند که سعی کرده‌ام به آن‌ها پاسخ دهم.

^۶ Vsevolod Fyodorovich Miller

میخائیل نیکلایوویچ باگالیووف^۷



میخائیل باگالیووف پروفیسور و متخصص تاریخ زبان های ایرانی از جمله فارسی باستان، تاریخ سغدی، خوارزمی، افغانی و استاد افتخاری دانشکده شرقی را به حق بایستی در شمار میهن پرستان دانشگاه سنت پترزبورگ آورد. وی شصت سال از عمر خویش را (از سال ۱۹۴۵م. که تحصیلات خود را به پایان رساند) در راه ایرانشناسی گذاشت. در

تمام این سال ها به فعالیت های علمی و تدریسی در دانشکده شرقی سنت پترزبورگ مشغول بود. باگالیووف را می توان متخصصی بزرگ در سطح جهان دانست. پژوهش های مقایسه ای - تاریخی بسیاری در حوزه زبان های ایرانی انجام داده و در دانشکده شرقی به تدریس زبان های ایرانی معاصر و باستان از جمله زبان فارسی، تاجیکی، افغانی، اوستیایی، فارسی پهلوی، سغدی، فارسی باستان، اوستایی، تئوری و تاریخ دستور زبان های ایرانی، فارسی کلاسیک و شعرسرایی معاصر می پرداخت. به کرات جهت تدریس به دانشگاه های خارج از کشور و موسسات عالی علمی دعوت شده است.

طی دهه هشتاد (۱۹۹۱-۱۹۸۱م.) ریاست گروه زبان فارسی را بر عهده گرفته و سی و پنج سال (۱۹۹۵-۱۹۶۰م.) بی وقفه ریاست دانشکده شرقی را بر عهده داشت. در این دوره به لطف خلاقیت و مدیریت درست باگالیووف، و به خاطر

^۷ Mikhail Nikolaevich Bogolubov

اعتبار و درک عمیق وی از اهداف واقعی گذشتگان و موسسان دانشکده، سنت ایران‌شناسان ماقبل وی در شرق شناسی پترزبورگ حفظ شد. حتی می‌توان گفت که در این سال‌ها دانشگاه از اعتبار و قدرت بیشتری نیز برخوردار شده و خط مشی جدیدی در علم شرق‌شناسی ایجاد کرد. این دانشگاه در مدت مدیریت باگالیووف نسلی از دانشمندان توانمند و مستعد و اساتیدی زبده در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، تاریخ و فرهنگ اقوام آسیا و آفریقا را تربیت کرد.

تاریخ دانشکده شرقی لحظاتی فراموش نشدنی را از دوران وی به خاطر دارد، زمانی که به خاطر صداقت و جدیت وی، و به لطف درک اهداف واقعی و اندیشه تأسیس دانشگاه و همچنین خرد و تجربه حاصل از زندگی در مکتب سنت پترزبورگی شرق شناسی، در برابر هر نوع مشکلات سیاسی و اجتماعی، دانشگاه از گزند حوادث اطراف حفظ شد. در انتخاب راه زندگی و خط سیر علمی وی و همچنین شیوه نگاه وی به موضوعات علمی، بی‌شک ریشه‌های دینی خانواده وی بی‌تأثیر نبوده‌اند. باگالیووف سال ۱۹۱۸م. در خانواده برجسته مذهبی در کیف متولد شد. پدرش نویسنده‌ای مذهبی و پروفیسور دانشگاه ولادیمیر مقدس بود. پدر نیکلای میخایلوویچ باگالیووف (۱۸۷۲-۱۹۳۴م.) که در کلیسای دانشگاه نیز خدمت می‌کرد، خود از خانواده روحانیون کلیسای نیژگارودسکی بود. طبق سنت خانواده، فرزندان با نهایت دقت و طبق آیین دینی تربیت می‌شدند. تأثیر شغل پدر در شکل گرفتن علاقه به زبان شناسی و پژوهش زبان‌ها، از جمله زبان‌های شرقی در نیکلای باگالیووف کاملاً آشکار بود. نیکلای همچنین در کتاب

«فلسفه دین» (۱۹۱۵م.) بخشی را به بررسی اعتقادات زرتشت، پیامبر ایران باستان اختصاص داده است.

برادران بزرگتر وی نیز در سرنوشت وی نقش کمی نداشته اند. آنان در سال ۱۹۳۶م. به نیکلای توصیه کردند که وارد بخش ایران در دانشکده شرقی دانشگاه لنینگراد شود. در آن زمان هنوز موضوعات زبان‌شناسی، تاریخ و شرق شناسی به صورت تفکیک شده تدریس نمی شدند. برادر بزرگتر وی نیکلای نیکلایوویچ (۱۹۹۲-۱۹۰۹م.) ریاضی دانی معروف و برادر کوچکترش الکسی (۲۰۰۴-۱۹۱۱) در حوزه ریاضیات و فیزیک استادی زبده و نامدار بود.

سال ۱۹۴۱م. پس از پایان تحصیلات در محضر اساتید برجسته ای چون فریمان^۸، زاروبینا^۹، کراچکوفسکی^{۱۰} و بلیایف^{۱۱} و سایرین به ارتش فراخوانده شد. وظیفه وی در جنگ، تدریس زبان فارسی در مدرسه عالی ارتش سرخ بود که از سال ۱۹۴۴م. در دانشگاه مسکو آغاز شد. در سال ۱۹۴۵م. وی همزمان با ورود به دوره دکتری، عضو آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی شد. باگالیووف یک بار دیگر به دانشگاه لنینگراد نزد فریمان بازگشت تا در دانشگاه خدمت کند.

از همان دوران دانشجویی زمینه پژوهشی مورد علاقه میخائیل نیکلایوویچ زبان شناسی مقایسه ای - تاریخی در رابطه با پژوهش نسخه های به جای مانده از

^۸ Freiman A.A.

^۹ Zarubina I.I.

^{۱۰} Krachkovski I.U.

^{۱۱} Beliaev V.I.

دوران ایران باستان بود. وی مسیر پژوهش‌های استادانش را ادامه می‌داد. در سال ۱۹۴۸م. دوره دکتری را به پایان رسانده و سال ۱۹۵۶م. دوره فوق دکتری.

باگالیوبوف با ادامه کار اساتید خود، کم‌کم جذب همین کار شده و در بحر پژوهش فرو رفت. دوره دکتری را در سال ۱۹۴۸م و فوق دکتری را در سال ۱۹۵۶م. به پایان برد. وی در رساله خود تا حد زیادی بر متون به جای مانده از دوران سغدی تکیه کرده بود.

پس از آن وی در کار پژوهش و انتشار اسناد کوه مغ^{۱۲} که در سال ۱۹۳۳م. در تاجیکستان پیدا شده بود، شرکت جست. همزمان با کار در این پروژه، به توصیف زبان یغناپی (یا سغدی نو Neo-Sogdian)^{۱۳} و زبان سغدی زمان معاصر می‌پرداخت، ضمن اینکه از مطالب تحقیقی خود در این پژوهش‌ها

^{۱۲} در بهار ۱۹۳۳م. دست‌نوشته‌هایی به زبان سغدی و نیز سندی به زبان عربی در تاجیکستان در منطقه‌ای به نام کوه مغ پیدا شد. مفاهیم علمی منابع کشف شده در منطقه سغد باستان در تاجیکستان بر غنای زبان‌شناسی ایرانی و تاریخ آسیای مرکزی افزود. این منابع در تاریخ علم نخستین اسناد خطی در نوع خود هستند؛ سغدی بودن زبان این مدارک تاییدی بر صحت نظریات پیشین پیرامون زبان مدارک یافت شده در چین است

^{۱۳} زبانی ایرانی است که اقلیتی از سکنه دره یغناپ در سرزمین تاجیکستان میان کوه‌های زرافشان و حصار، بدان سخن می‌رانند. این زبان بازمانده زبان سغدی قدیم است. زبان یغناپی از زبانهای ایرانی شاخه شمال شرقی ست و با زبانهای آسی و پشتو و زبان‌های پامیری نزدیکی‌هایی دارد. [۱] این زبان به لحاظ قدمت و ملاحظات زبانشناختی بااهمیت می‌باشد.

استفاده می کرد. علاوه بر این، وی اقدام به انتشار چندین مطلب در خصوص زبان خوارزمی کرد. پس از آن، باگالیوبوف به پژوهش در سایر زبان های مرده ایرانی که آن زمان دیگر به کار نمی رفتند، پرداخت. علاقه به تاریخ نوشتار آرامی ها که در خاور نزدیک بیش از سایر نقاط رواج داشته و توسط ایرانیان به مغولستان و منچوری نیز راه پیدا کرده است، باگالیوبوف را به سوی توسعه میراث نوشتاری اقوام سامی پیش برد.

باگالیوبوف در پرونده علمی خود بیش از پانصد کار علمی در چند شاخه ایرانشناسی، هندشناسی و پژوهش در خصوص سامی ها دارد. تحقیقات وی راه های زیادی را در حوزه پژوهش متون به جای مانده از زبان های ایرانی قدیم، سیستم های مختلف نوشتار زبان های ایرانی، دستور زبان تاریخی و زبان های اقوام ایرانی، دین و اسطوره شناسی ایران باستان، زبان ها و روابط فرهنگی بین اقوام ایرانی، ارقام هند و اروپایی و سامی برای دیگر ایرانشناسان و تاریخ شناسان باز کرده است. بسیاری از تالیفات و پژوهش های وی تنها برای ایرانشناسان حایز اهمیت هستند، اما برای زبانشناسی هندواروپایی و همچنین افرادی که به بررسی تاریخ، اقوام، مطالب فرهنگی و دینی آسیای میانه، نزدیک و آسیای جنوبی می پردازند، چندان قابل توجه نیست.

باگالیوبوف سال های زیادی معاون بخش ادبیات و زبان آکادمی علوم روسیه و عضو خارجی آکادمی علوم گرجستان بود. رساله های بسیاری در دانشکده شرقی با مشاوره او انجام گرفتند و همیشه سرشار از انرژی در فعالیت های شورای کارشناسان بنیاد علوم انسانی شرکت داشت.

مدال ها و جوایزی که از روسیه و سایر کشورها دریافت کرده، نشان گر خدمات ارزنده میخائیل نیکلایوویچ در توسعه شرق شناسی دانشگاه هستند. سال ۲۰۰۶م. به دستور رییس جمهور روسیه عنوان افتخاری «کارشناس شایسته مدرسه عالی فدراسیون روسیه» را دریافت کرد. از طرف جمهوری اسلامی ایران نیز وی را به عنوان «چهره ماندگار» معرفی کردند. در سال ۱۹۷۵م. وی مفتخر به دریافت نشان سرخ و در سال ۱۹۸۱م. نشان دوستی ملل شده است.

از سال ۲۰۰۷م.، نام او را در فهرست رسمی دانشمندان برجسته وارد کردند. مکتب تحقیقات مقایسه ای- تاریخی زبان های آسیای و افریقایی به سرپرستی باگالیووف در میان مکاتب علمی - تدریسی سنت پترزبورگ وارد شد.

اهم تالیفات :

جملات اسلامی و حروف ربط // خبرنامه اکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی. بخش ادبیات و زبان. ۱۹۴۸م. شماره ۴؛

ادات در زبان خوارزمی // دانشگاه زبانشناسی، سال ۱۹۶۱م. شماره ۳۰۵؛

جملات دارای صفات فعلی فاعلی در زبان تاجیکی // دانشگاه زبان شناسی، سال ۱۹۶۲م.، شماره ۳۰۶؛

ضمایر در زبان خوارزمی // خلاصه متن در انستیتوی اقوام آسیا وابسته به آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، سال ۱۹۶۳م.، شماره ۶۷؛

در خصوص برخی ویژگی های متون عربی - خوارزمی // اقوام اسیا و افريقا، شماره ۴، مسکو، سال ۱۹۶۴م؛

اسناد سغدی بدست آمده از کوه مغ، مطالعه و ترجمه توسط باگالیووف و سمیرنوف، مسکو، سال ۱۹۶۳؛

زبان یاگنوبی // زبان های اقوام اتحاد جماهیر شوروی. زبان های هندواروپایی، مسکو، سال ۱۹۶۶م؛

اسناد آرامی ها از آورو مان // خبرنامه لنینگراد، سال ۱۹۶۷م، شماره ۲؛
کتیبه های آرامی ها در مطالب بدست آمده در پرسپولیس // خبرنامه اکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، سال ۱۹۷۳م، شماره ۲؛

نسخه آرامی از دوزبانه های آرامی - لیدیایی ۱۴ // مسایل زبانشناسی، سال ۱۹۷۴، شماره ۶؛

واژه سازی در ایران باستان // خبرنامه اکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، سری ادبیات و زبان، سال ۱۹۷۸م، شماره ۱؛

عید ویژه در خوارزم باستان // خبرنامه اکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، سری ادبیات و زبان، سال ۱۹۸۵م، شماره ۳؛

تقویم خوارزمیان در مکتب بیرونی // مسایل زبانشناسی، سال ۱۹۸۵، شماره ۳؛

^{۱۴} زبان لیدیایی، از زبان های مرده خانواده زبانی زبان های هندواروپایی و از شاخه زبان های آناتولی آن است. گویشوران این زبان در لیدیا در آناتولی غربی که امروزه در خاک ترکیه جای گرفته است، بوده اند.

آواهای کمکی برای صدهایی که در تلفظشان هوا از بینی خارج می شود در ساختار آوایی زبان اوستایی // بخش شرق شناسی پترزبورگ، سال ۱۹۹۷م؛
 ریشه شناسی دو کلمه // نمایه فرهنگستان، تهران سال ۲۰۰۰م، به زبان فارسی؛
 صرف زبان ساکسی // مقاله به مناسبت هفتاد سالگی پروفسور گرتسنبرگ، سنت پترزبورگ، سال ۲۰۰۵م؛

نیایش زرتشتی ها با نام «آشم ووخو» // مسایل زبان شناسی، سال ۲۰۰۶م؛
 تاریخ آواشناسی زبان اوستا // سنت پترزبورگ، مقاله به مناسبت هفتاد و پنج سالگی پروفسور گرونبرگ (۱۹۹۵-۱۹۳۰م)، سنت پترزبورگ، سال ۲۰۰۶م؛
 جمشید در شاهنامه و ییما در زرتشت // سال ۲۰۰۶م؛
 زرتشت در خصوص گام نر و روح // مدنیت آریایی در متون فرهنگی زرتشت، دوشنبه، سال ۲۰۰۶م؛

از دستور زبان تاریخی زبان های ایرانی // مسایل زبان شناسی، سال ۲۰۰۷، شماره ۴؛

«مینا»ی افغانی و «مهر» فارسی به معنای «عشق» // مسایل زبان شناسی، سال ۲۰۰۸م؛

حبیب اوغلی علی یف^{۱۰}

مورخ و شرقشناس برجسته روس.

وی در سال ۱۹۲۴م. در شهر باکو در جمهوری آذربایجان چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را در دانشگاه دولتی آذربایجان در رشته تاریخ به پایان رسانده و موفق به اخذ درجه دکتری و پروفسوری در رشته تاریخ میهنی شد.

در مجموع، طی عمر پربار خود در حدود ۱۶۰ مقاله علمی منتشر کرده است و علاوه بر این، هشتاد مقاله علمی نیز در خارج از مرزهای کشور به چاپ رسانده است.

حبیب اوغلی علی یف را می توان پایه گذار مکتب علمی در تاریخ باستان آذربایجان نامید. وی اولین کسی بود که در مطالعات تاریخی منابع مکتوب آشور، بابل، ایران و برخی مناطق دیگر مشرق زمین تحول ایجاد کرد.

اهم آثار وی عبارتند از:

تاریخ مادها، انتشار در سال ۱۹۶۰ م. در باکو (به زبان روسی)؛

شرح تاریخ آتروپاتن ها، انتشار در سال ۱۹۸۹م. در باکو؛

منطقه قره باغ: تاریخ و حقایق. حوادث «علم»، انتشار در سال ۱۹۸۹م.؛

تاریخ آذربایجان، انتشار در سال ۱۹۹۳ م. در باکو (به زبان آذری)؛

تاریخ آذربایجان، انتشار در سال ۱۹۹۵م. در باکو (به زبان روسی)؛

^{۱۰} Habib Oghli Aleev

تاریخ آتورپاتاگان (به زبان فارسی، انتشار در ایران)؛
 اولین جلد مجموعه هفت جلدی «تاریخ آذربایجان»؛
 برخی مسایل تاریخ باستان قبایل ماد - «آثار مربوط به انستیتو تاریخ و فلسفه،
 انتشار در سال ۱۹۵۴م. در باکو؛
 سرمدی ها و آلان ها در راه ایران: تاریخ دولت ایران و فرهنگ این منطقه، انتشار
 در سال ۱۹۷۱م. در مسکو؛
 حبیب الله عضو شورای ویراستاری مجله «خبرنامه تاریخ باستان» در روسیه نیز
 بوده است.
 از سال ۱۹۴۳م. وی مدیریت انستیتوی تاریخ «باکیخانوف» وابسته به آکادمی
 علوم آذربایجان را پذیرفت.

گئورگی پتروویچ یژوف^{۱۶}



۲۶ آوریل سال ۱۹۲۵ در شهر لنینگراد در خانواده ای نظامی دیده به جهان گشود.

در پایان ژوئن سال ۱۹۴۱ همراه با خانواده به مسکو آمد و در ژانویه سال ۱۹۴۲ به صورت داوطلبانه وارد ارتش

شد ، ابتدا در نیروی دریایی قفقاز و سپس در اولین ارتش پریبالتیک خدمت می کرد . وی صاحب ۱۸ جایزه دولتی است.

پس از جنگ دانشکده شرق شناسی مسکو را در رشته " زبان فارسی " به پایان رساند و مدرک "صلاحیت مترجمی در ایران" را بدست آورد و در اکتبر سال ۱۹۵۱ برای کار در بانک ایران-روسیه در تهران به عنوان مترجم ارشد عازم ایران شد . در سال ۱۹۵۵ از ایران بازگشت و در بانک دولتی اتحاد جماهیر شوروی مشغول به کار شد.

در سال ۱۹۵۷ برای کار به کمیته دولتی هیات وزیران اتحاد جماهیر شوروی برای روابط اقتصاد خارجی رفت و تا اواسط سال ۱۹۸۱ مشغول به کار بود. وظایف وی شامل کار در افغانستان و ایران (آنالیز شرایط اقتصادی ، تعیین

^{۱۶} Georgi Petrovich Ejov

مبالغ کمک های خارجی، کارهای لازم برای اجرای طرح ها، بررسی درخواست ها، آماده کردن تفاهیم نامه ها و قراردادهای بود.

از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ در سفارت اتحاد جماهیر شوروی واقع در کابل فعالیت می کرد، سپس در پست سابق خود در مسکو بازگشت ، در آغاز سال ۱۹۶۸ دوباره برای ماموریت به کابل رفت ، در آنجا بر روی برنامه های همکاری شوروی و افغانستان کار می کرد.

همراه با گروهی از کارشناسان شوروی در ایجاد طرح های ۵ ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی افغانستان شرکت داشت و به همین مناسبت مدال مخصوص " کمک در برنامه ریزی " را دریافت کرد.

در زمان زندگیش در افغانستان ، مجبور شد به تقاضای طرف افغانی زبان روسی را به کارمندان سازمان چاپ به ریاست آقای سهیل آموزش دهد. در بین بسیاری از دانشجویانش ، نویسندگان مشهور افغانی مانند ژواک، پایه گذار تئاتر " پوهانی نانداری " عبدالرشید لطیفی حضور داشتند. او در یادگیری زبان روسی به کارمندان وزارت برنامه ریزی نیز کمک می کرد مانند : عبدالحی، عزیز، علی احمد خرمی، محمد خان جلالیاری.

پس از بازگشت به مسکو در سمت قبلی خود مشغول به کار شد ، در سال ۱۹۷۷ برای ماموریت به ایران به عنوان مشاور امور اقتصادی سفارت اعزام گردید. در ایران تا تابستان ۱۹۸۱ کار می کرد و سپس پیشنهاد تدریس موضوعات

اقتصادی در خصوص ایران و افغانستان در دانشکده کشورهای آسیا و آفریقای دانشگاه دولتی مسکو را دریافت کرد و آن را پذیرفت و تا حال حاضر در این سمت مشغول به کار است.

در سال ۱۹۶۸ از پایان نامه دکترای خود در باره اولین برنامه پنج ساله در افغانستان دفاع کرد. در سال ۱۹۷۶ برای ارائه مقاله در خصوص اقتصاد افغانستان به دانشکده کشورهای آسیایی و آفریقایی و دانشکده دولتی ارتباطات بین المللی مسکو دعوت شد. در سال ۱۹۸۷ عنوان استادی را به دست آورد ، در سال ۲۰۰۷ استاد افتخاری دانشگاه دولتی مسکو گردید. از سال ۱۹۸۱ چندین سال به صورت پاره وقت در دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحادیه جماهیر شوروی فعالیت می کرد و در دانشکده مطالعات علوم شرقی دولتی ارتباطات بین المللی مسکو دانشکده و دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه دوره های اقتصاد ایران ، افغانستان و جغرافیای افغانستان و غیره را تدریس می نمود.

او چندین بار در کنفرانس های مختلف ، سمینارها و میز گرد ها درباره افغانستان و ایران شرکت داشت، در نهاد های مختلف سخنرانی می کرد و با رسانه های ارتباط جمعی نیز همکاری داشت. به طور فعال در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در زمینه مهاجران شرکت می کرد. وی یکی از بنیانگذاران انجمن ایران شناسان بود و تا پایان سال ۲۰۱۰ با عنوان رئیس این سازمان مشغول فعالیت بود.

وی بیش از ۵۰۰ مقاله و نوشته در خصوص مسائل ایران ، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی دارد ، از جمله :

مشکلات منابع آب در آسیای مرکزی ، قفقاز و آسیای مرکزی در مرحله کنونی، دانشگاه دولتی مسکو، ۲۰۰۲

بورس اوراق بهادار تهران و بازار سهام در ایران ، دانشگاه دولتی مسکو، منابع آبی و مسائل امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، شرق نزدیک و مدرنیته، مسکو، ۲۰۰۴

منابع آبی و تعادل آب در جمهوری اسلامی ایران، مقاله در کنگره بین المللی شرق شناسی ، مسکو ۲۰۰۴ ،

چندین ویژگی روند جمعیت شناختی در ایران در سالهای اخیر. زنان و شرایط جمعیت شناختی در ایران، نقش و وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، دانشکده شرق شناسی اکادمی علوم روسیه ، ۲۰۰۶

موضوعاتی برای مطالعه ایران و قفقاز، مرکز آمار ایران، مجموعه ایران - افغانستان، دانشکده کشورهای آسیایی و آفریقایی دانشگاه دولتی بازرگانی مسکو، ۲۰۰۶ از صفحه ۳۰۳ تا ۳۰۶ شرح وقایع ارتباطات ایران - افغانستان، مجموعه " نقش و جایگاه ایران در منطقه " دانشکده شرق شناسی اکادمی علوم روسیه ، ۲۰۰۷

ایران ، اواسط قرن ۲۰ (گزیده ای از خاطرات شهود) شرق شناسی اورال ، شماره ۳، ۲۰۰۸ سیستم پولی دوره قاجار در ایران ، ایران، تاریخ ، اقتصاد ، فرهنگ، دانشکده شرق شناسی اکادمی علوم روسیه، ۲۰۰۹

خاطراتی در خصوص انقلاب ایران ، ۳۰ سالگی جمهوری اسلامی ایران ، دانشکده شرق شناسی اکادمی علوم روسیه، ۲۰۱۰

جامعه ایران در آستانه انقلاب (یادداشت های شاهدان عینی) ایران- اسلاو، شماره ۲، ۲۰۱۰

در حال حاضر کتاب جغرافیای ایران وی آماده چاپ است.

آناتولی ایوانوویچ ارسلان بیکف^{۱۷}



ارسلان بیکف روز ۹ دسامبر سال ۱۹۲۵م. در تاشکند چشم به جهان گشود. در سال ۱۹۴۳م. مدرسه نظامی را به پایان رسانده و سال ۱۹۴۵م. تحصیلات خود را در دانشکده نظامی با موفقیت تمام کرد. پس از آن عازم جبهه اوکراین شد. اواخر جنگ در گروهان

عازم خط مبارزه با آلمان و سپس چک اسلواکی و اتریش قهرمانانه حضور یافت. آناتولی ایوانوویچ از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳م. در مدرسه نظامی زبان های خارجه که تحت نظارت دانشکده شرقی قرار داشت به تحصیل پرداخته و با درجه عالی تحصیلات خود را به پایان برد. وی همچنین در رشته خبرنگاری دانشگاه دولتی مسکو به صورت غیر حضوری تحصیل کرده است. پس از اتمام تحصیلات به عنوان مترجم نظامی کار حرفه ای خود را آغاز می کند. کار در حرفه مترجمی موجبات اعزام و حضور دوساله وی در افغانستان و حضور شش ماهه در ایران را برای وی فراهم می سازد. با تصمیم دولت برای کاهش نیروهای نظامی خود، آناتولی را در بخش ذخیره قرار می دهند. پس از آن رادیوی دولتی مسکو از وی جهت همکاری در بخش ویرایش اخبار فارسی و همچنین خبرنگار این رادیو دعوت به کار می کند. دانش فوق العاده وی در زمینه زبان فارسی، فرهنگ و ادبیات ایران کمک کرد تا گزارش هایی بی نظیر و مباحثاتی پر محتوا با

^{۱۷} Anatoli Ivanovich Arcalanbeikov

نمایندگان جامعه ایران داشته باشد. دوران خدمت وی در رادیو به قدری تاثیر گذار بود که هیچ دوره ای را از نظر تعداد مخاطبین رادیو نمی توان با آن مقایسه کرد. سال ۱۹۵۹م. آناتولی مجدداً به ارتش فراخوانده شد. این بار وی را به عنوان استاد زبان فارسی در گروه زبان های شرقی گماردند.

از همین زمان دوران تدریس و فعالیت های علمی وی آغاز می شود. در این حرفه از سمت استاد ساده زبان راهش را آغاز کرده و خود را به ریاست گروه زبان های خاورمیانه رساند. وی همزمان با شغل تدریس، به مطالعات خود ادامه داده و به درجه پروفیسوری علوم زبانشناسی رسید.

علاقه وی به کار نظامی و تدریس زبان موجب شد که ارسال بیکف تبدیل به متخصص بی بدیل نظامی در مسایل زبان شناسی و عبارات نظامی شود. تسلط کافی وی به واژه های نظامی در زبان فارسی و دری بسیار مورد توجه قرار گرفت. وی فرهنگ دوسویه فارسی - روسی نوشته علیف (مسکو، ۱۹۷۲م.) را نقد کرده و در پروژه اعمال اصلاحات لازم بر واژه های تخصصی به زبان دری شرکت جست. در این پروژه مولفین دیگری هم حضور داشتند. یکی از دروسی که هنگام ارایه در کلاس های درس نیاز به ابتکار داشت، درس «ترجمه همگانی از نظر تئوری و تجربی» بود. او کارهای زیادی برای تهیه یک کتاب آموزشی ادبیات جهت آموزش ترجمه انجام داد. جای دارد که در اینجا از کتاب کمک آموزشی دیگر وی در خصوص ترجمه نظامی به زبان فارسی نام برد.

برخی تالیفات وی از قرار زیر هستند:

«کتاب آموزشی برای ترجمه نظامی (زبان فارسی کابلی)»، چاپ مسکو، سال ۱۹۶۹م. / کار مشترک با باریشنيکوف؛

«کتاب کمک آموزشی ترجمه عمومی برای دانشجویان سال سوم» (زبان فارسی) چاپ مسکو، ۱۹۷۶م.؛

«کتاب کمک آموزشی ترجمه اجتماعی - سیاسی برای دانشجویان سال چهارم» (زبان فارسی)، چاپ مسکو، ۱۹۷۶م.؛

«کتاب کمک آموزشی ترجمه اجتماعی - سیاسی برای دانشجویان سال سوم تا پنجم» (زبان فارسی)، چاپ مسکو، ۱۹۷۷م.؛

«ترجمه اجتماعی - سیاسی زبان فارسی. برای دانشجویان سال های سوم تا پنجم»، مسکو، ۱۹۸۳م. // کار مشترک با باریشنيکوف، کاستین، زابرالوف؛

«ترجمه عمومی زبان فارسی. برای دانشجویان سال چهارم» // کار مشترک با بارانوف، مسکو، ۲۰۰۸؛

تمامی کتاب های ذکر شده توسط انتشارات «دانشکده نظامی و دانشگاه نظامی مسکو» به چاپ رسیده اند. با وجود کار بی وقفه وی در زمینه ترجمه، نمی توان گفت که حوزه علایق وی منحصر به این حوزه می شود. تجربه تدریس زبان روسی توجه وی را به دستور زبان و به خصوص مسایل موجود در بخش هایی از قبیل «وجه فعل» و نحوه تدریس آن به دانشجویان جلب کرد. تحقیقات وی در این حوزه تحت عنوان «وجه فعلی در زبان معاصر فارسی و زبان دری افغانستان» موضوع رساله دکتری وی را در دانشکده زبانشناسی تشکیل می داد. استاد راهنمای وی پروفسور یوری آرانویچ روبینچیک شرق شناس و زبان شناس

برجسته روس بود. آن‌ها تحقیقات در خصوص وجه فعلی را به صورت «وظیفه وجه فعلی در مقایسه با زبان روسی و نحوه معنا کردن افعال لازم و متعدی» بررسی کردند. علاوه بر این، هدف این دو دانشمند زبان‌شناس از تحقیقات مذکور، نحوه تدریس وجه فعلی زبان فارسی در کلاس‌های درس دانشجویان روس زبان بود.

یکی دیگر از آثار قابل توجه ارسلان بیکف، کتاب کمک آموزشی «تاریخ زبان فارسی» می‌باشد که سال ۱۹۸۷م. توسط انستیتوی نظامی به چاپ رسید. وی چاپ اول کتاب را به دانشجویان رشته زبان‌شناسی اختصاص داده بود، اما در چاپ‌های بعدی با کار بیشتر روی کتاب، مباحث آن را گسترده‌تر کرده و مطالب زیادی به آن افزود. کتاب بعدها به صورت الکترونیکی درآمد.

در سال ۱۹۸۲م. پس از احیای گروه زبان‌های شرق میانه (خاور میانه) ارسلان بیکف مجدداً مدیریت این بخش را پذیرفت. وی در این گروه خدمات بی‌شمار ی به شرق‌شناسی روسیه کرد. ارسلان بیکف با استفاده از شرایط موجود گروه علمی - تحقیقی به راه انداخت که بیش از ده زبان مختلف در آن تدریس می‌شد. او حتی توانست شرایطی را ایجاد کند که افراد توانایی‌های خود را شکوفا ساخته و به نوآوری بپردازند. اساتید گروه با شدت و اشتیاق برای بهتر ساختن فضای آموزشی تلاش می‌کردند و شیوه تدریس را با علم روز هماهنگ ساخته و در تکمیل آن می‌کوشیدند. در نتیجه این تلاش‌های مجموعه‌ای به نام «شیوه خاص تدریس زبان فارسی» تهیه شد که از آن «کتاب آموزشی و کمک آموزشی

برای آموزش کوتاه مدت زبان دری به دست آمد. موضوع رساله های دانشجویان در گروه با نهایت دقت انتخاب شده و غالبا به مسایل روز زبان و شیوه تدریس اختصاص داشتند.

او در کار خود بسیار جدی اما عادل بود. این دانشمند زبان شناس با خدمات بیشمار خود به خوبی توانست سنت های به جای مانده از لازار پیسیکوف اولین مدیر گروه ایران شناسی را حفظ نماید.

این دانشمند بیش از سی سال در دانشگاه نظامی به خدمت پرداخت. طی ۴۸ سال تدریس در دانشگاه های مختلف، بیش از ۶۰ کار علمی و ۱۲ کتاب کمک آموزشی تدوین و تالیف کرد.

ارسلان بیکف به دلیل حضور در خط مقدم جنگ بزرگ میهنی و خدمات شایسته نظامی به میهن، مفتخر به دریافت نشان سرخ شد. وی همچنین به خاطر دستاوردهای باارزش علمی در زمینه تدریس و همچنین پرورش کادر متخصص در دانشگاه محل خدمت نشان افتخار میهنی را از حکومت وقت دریافت کرده است.

ارسلان بیکوف دانشمندی مستعد، متخصصی بی نظیر، استادی سختکوش، با دقت و شخصی متواضع و خوش برخورد می باشد. این خصایص موجب شدند که نام وی برای همیشه در اذهان باقی بماند.

جوی ایوسیفونا ادلمان^{۱۸}



جوی ایوسیفونا ادلمان در ۲۹ دسامبر سال ۱۹۳۰ م. در مسکو چشم به جهان گشود. در سال ۱۹۴۸ م. دبیرستان را به اتمام رساند و به رشته زبان شناسی ایرانی در دانشگاه دولتی مسکو به نام لامانوسوف، وارد شد. این رشته در بخش شرق شناسی دانشکده زبان شناسی (در آن زمان دانشگاه کشورهای آسیایی و آفریقایی وجود داشت) بود. در سال ۱۹۵۳ م. دانشگاه را به پایان رساند. از سال ۱۹۵۳ م. تا ۱۹۵۷ م. در دانشکده زبان و ادبیات آکادمی علوم تاجیکستان کار می کرد: در ابتدا به عنوان کمک استاد و سپس (از ۱۹۵۴ م.) پژوهشگر جوان مشغول به کار شد. از سال ۱۹۵۸ م. در بخش زبان های ایرانی دانشکده زبان شناسی (در گذشته آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و در حال حاضر آکادمی علوم روسیه فدراتیو) ابتدا در سمت پژوهشگر و سپس از سال ۱۹۷۱ م. پژوهشگر ارشد، از سال ۱۹۸۶ م. پژوهشگر برجسته، از سال ۱۹۹۲ م. پژوهشگر اصلی فعالیت می کرد. موضوع پایان نامه اش در دوره دکترای زبان شناسی "زبان ایزگولیمسکی" و در دوره فوق دکترای "مسائل آواشناسی زبان های ایرانی بود". از سال ۲۰۰۷ به عنوان پرفسوری نائل گردید.

تا به امروز ۲۷۶ عنوان کار علمی چاپ از وی شده است که از این بین ۲۹ جزوه و مقاله و بسیاری از این پژوهش ها به شکل مجموعه کار ارائه گردیده است.

^{۱۸} Joy Isifovna Edelman

کیرا نیکلایونا یرمینا^{۱۹}

ایران شناس و زبان شناس.

وی در سال ۱۹۲۹م. در شهر ریازان چشم به جهان گشود. از سال ۱۹۴۶م. دانشجوی بخش ایران شناسی دانشکده شرق شناسی مسکو بود، او موفق شد ۲ دوره را پشت سر بگذراند. در ۱۷ جولای سال ۱۹۴۸م. دستگیر شد. توسط گروه توسعه دفاع تحت نظر وزارت دفاع اتحاد جماهیر شوروی از اول دسامبر سال ۱۹۴۸م. به ۵ سال حبس در اردوگاه کار اجباری که در شهر اینت قرار داشت محکوم گردید. در می سال ۱۹۵۳م. آزاد شد. یرمینا دانشکده زبان های شرقی دانشگاه دولتی مسکو را به اتمام رساند (۱۹۵۶م.-۶۱م.). در سالهای ۱۹۶۱م. تا ۱۹۸۹م. در دانشکده ملل آسیایی/ دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی (مسکو) در گروه فرهنگ لغت فارسی- روسی فعالیت می کرد. او در سال ۱۹۷۳م. استاد زبان شناسی نیز بود.

تالیفات او شامل:

لغات وام گرفته از واژگان اروپایی در ادبیات معاصر فارسی، سال ۱۹۷۳م؛
انتقال نام های روسی به ایران، تحقیق در خصوص زبان های شرقی، سال ۱۹۷۳م؛

چندین مسئله در خصوص انتقال آوایی لغات وام گرفته اروپایی به زبان ادبی معاصر فارسی؛

^{۱۹} Kira Nikolayevna Yermina

مسائل مربوط به ارتباطات زبانی، سال ۱۹۷۵ م؛
موقعیت کنونی زبان های شرقی در اتحاد جماهیر شوروی، مسائل تئوریک زبان
شناسی شرقی، سال ۱۹۷۷ م؛
در خصوص مشکلات ارتباطات آوایی : (اروپایی شدن در زبان فارسی) سال
۱۹۸۰ م؛
آموزش لغات پیوندی فارسی- عربی در زبان فارسی معاصر، سال ۱۹۸۷ م.

علی اصغرزاده آجار علی اوغلی^{۲۰}

مورخ

در خصوص بیوگرافی وی اطلاعات کاملی در دست نیست

اهم آثار

رساله دوره دکتری: کتیبه های بجای مانده از معماری آذربایجان (قرون دهم تا هفدهم)؛

یادداشت هایی در خصوص کتیبه های خانقی ها، انتشار در سال ۱۹۴۲ م. در باکو؛

کتیبه های یادبود معماری آذربایجان در عصر نظامی، انتشار در سال ۱۹۴۷ م. در باکو؛

مقاله در خصوص «کتیبه های مقبره یوسف ابن کوساییر و مومنه خاتون؛ دو کتیبه مربوط به دوران شیروان شاه ابراهیم دربندی، به زبان آذربایجانی؛ مقاله «یادداشت های علمی انستیتوی خاورشناسی»، انتشار در سال ۱۹۵۹ م. در باکو؛

مقاله «کتیبه های مقبره خلیفه علی و محمد مومیننا، در خصوص سفارش دهنده و معمار دروازه های شرقی کاخ شیروان در باکو، انتشار در باکو؛

^{۲۰} Ali asghar Ajar ali oghli

عصمت الله عبدالله یویچ عبدالله یف^{۲۱}

عصمت الله عبدالله یویچ عبدالله یف ، محقق ادبیات و کارمند ارشد انستیتوی شرقشناسی «ابوریحان بیرونی» وابسته به آکادمی علوم روسیه در جمهوری ازبکستان:

اهم آثار وی:

اشعار دوران سامانی به زبان عربی در بخارا (قرن دهم)، انتشار در سال ۱۹۶۳ م. در تاشکند؛

ابوالحسنات اللحام – شاعر هجو نویس دوره سامانی، انتشار در سال ۱۹۶۱ م. در تاشکند؛

منبع اصلی زندگی ادبی آسیای میانه – «مسایل زبان و ادبیات ازبکی»، انتشار در سال ۱۹۶۱ م. در تاشکند؛

ارتباط متقابل آثار منظوم در زبان های عربی و تاجیکی در دوران سامانی، انتشار در سال ۱۹۶۱ م. در تاشکند؛

دانشمندان سمرقند، انتشار در سال ۱۹۶۹ م. توسط عبدالله یف و حکمت الله یف؛
زندگی ابو منصور السعلیبی، دانشمند برجسته آسیای میانه در قرون ده تا یازده، انتشار در سال ۱۹۷۲ م. در تاشکند؛

فکاهی های ملانصرالدین، ترجمه از زبان عربی، انتشار در سال ۱۹۷۲ م. در تاشکند؛

^{۲۱} Ismatola

ولادیمیر ایگورویچ ساژین^{۲۲}



دکترای تاریخ ، پروفیسور ، شرق شناس، کارشناس مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی، مذهبی و قومی ایران معاصر، افغانستان، مسائل منطقه ای خاور نزدیک و خاور میانه و همچنین آسیای مرکزی و قفقاز

وی در سال ۱۹۴۷ در مسکو چشم به جهان گشود. فارغ التحصیل دانشکده زبان های شرقی از دانشگاه دولتی مسکو (در حال حاضر - دانشکده کشورهای آسیایی و آفریقایی) می باشد. دوره دکترا را در دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی به اتمام رساند. از پایان نامه خود با موضوع " جنگ ایران - عراق (۱۹۸۰م. - ۱۹۸۸م.) (جنبه های تاریخی، ایدئولوژیکی، نظامی - اعتقادی. تاثیر جنگ بر روی ساخت و سازهای جنگی و توسعه دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران) دفاع کرد و مدرک دکترای تاریخ را دریافت نمود.

در وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی ، آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و روسیه (دانشکده شرق شناسی) کار می کرد و در مدارس مسکو نیز تدریس می کرد.

^{۲۲} Vladimir Igorovuch Cajin

سازین در حال حاضر کارشناس ارشد دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم بوده و به عنوان مقاله نویس سیاسی در رادیو دولتی صدای روسیه مشغول به کار است. وی کارشناس دانشکده خاور نزدیک نیز می باشد.

او به خارج از کشور از جمله ایران و افغانستان برای ماموریت های کاری طولانی مدت اعزام شد.

سازین فعالانه به کارهای علمی- تحقیقاتی در بخش خاور میانه و خاور نزدیک دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم روسیه می پردازد.

سازین از ارتباطات کاری و علمی با سازمان های علمی و پژوهشی ایران ، اتحادیه اروپا، آمریکا وچین حمایت می کند. او مکررا در کنفرانس های بین المللی در خصوص مسائل ایران ، افغانستان ، تمامی کشورهای خاور نزدیک ، امنیت بین المللی و عدم اشاعه سلاح های هسته ای : در مسکو، بروکسل، واشنگتن، پکن، روم، ژنو، وین شرکت داشت.

وی کارهای بیشماری دارد که در نشریه های علمی و دوره ای چاپ شده اند.

محمد مبارز علی اوغلی علی زاده^{۲۳}

ایران شناس روس

اهم آثار:

رساله دوره دکتری: نظامی گنجوی، انتشار در سال ۱۹۴۷ م. در باکو؛
شرح آثار ف. آخوندوف، انتشار در سال ۱۹۳۸ م.؛
نظامی و عصر ما، انتشار در سال ۱۹۴۷ م. در باکو؛
اولین انتقال روسیه و ادبیات دموکراتیک فارسی، «یادداشت های علمی دانشگاه
دولتی آذربایجان»، انتشار در سال ۱۹۵۵ م. در باکو؛
نظامی گنجوی: تاریخ ادبیات آذربایجان، انتشار در سال ۱۹۶۰ م. در باکو (به زبان
آذری)؛
سیمین بهبهانی در خصوص جایگاه شاعر در جامعه - یادداشت های علمی
انستیتو دولتی آذربایجان؛ ادبیات و زبان، انتشار در سال ۱۹۶۳ م. در باکو؛

^{۲۳} Mohammad Mobarez Ali oghli Alizade

آیک یغیازاریچ گولامیریان^{۲۴}

مورخ - پژوهشگر حوزه ارمنستان و ایران‌شناس.

وی در منطقه تاخ شاتاخسکی واقع در استان وانسکی در ترکیه دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را طی سال‌های (۱۹۲۶-۳۰ م.) در دانشگاه دولتی ایروان به پایان رساند. به طور همزمان فراگیری زبان فارسی را در دانشگاه آغاز کرد. از ماه ژانویه سال ۱۹۳۰ م. تا اکتبر همان سال مدیریت گروه ادبیات ارمنی این دانشگاه را بر عهده داشت. در ماه اکتبر سال ۱۹۳۰ م. کلپ دوستی ملل ارمنستان را در لنینگراد اداره می‌کرد. موضوع پایان‌نامه دکتری وی «فرایند تجزیه فتودالیسم در ارمنستان طی قرون سیزده تا چهارده و نقش زمین‌داری صومعه و کلیسا» بود. در ژانویه سال ۱۹۳۴ م. دوره دکتری را به پایان رسانده و به عنوان کارشناس علمی به خدمت گرفته شد. از دیگر موضوعات مورد توجه و کاری وی «نهضت قرون هفت تا دوازده در ارمنستان» بود. پس از دفاع از پایان‌نامه در اول اکتبر ۱۹۳۶، درجه وی بالاتر رفته و عنوان کارشناس ارشد را گرفت. چهارم فوریه سال ۱۹۳۸ م. به خاطر برخی فعالیت‌های غیرهمگام با حکومت وقت دستگیر شد. زندگی کوتاه وی فرصت چندانی برای بروز استعدادهای وی فراهم نکرد و نهایتاً، روز ۱۶ اکتبر سال ۱۹۳۸ م. پس از تفهیم حکم به اشد مجازات محکوم شده و تیر باران شد.

^{۲۴} Gulamirian Aik Egiazarovich

ولادیمیر باریسویچ ایوانف^{۲۰}



در ژانویه سال ۱۹۴۸ متولد شد. در سال ۱۹۶۶ دیپلم دبیرستان را گرفت و در همین سال وارد انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقا وابسته به دانشگاه دولتی مسکو به نام لومونوسوف گردید. در سال ۱۹۷۱ فارغ التحصیل و وارد دوره دکترای این دانشگاه شد. در سال ۱۹۷۶ از پایان نامه دکتری با عنوان «خصوصیات صوتی تکیه فارسی» دفاع کرد. از سال ۱۹۷۴ در گروه آموزشی فقه اللغة ایرانی زبان و دستور زبان فارسی تدریس می‌کند. در حال حاضر مدیر گروه این رشته است.

وی چندین بار از ایران دیدن کرده است که از جمله آن ها ۵ بار مترجم نمایشگاه بین المللی بوده است. علاوه بر آن در همایش‌های علمی نیز شرکت داشته است. وی چندین بار به تاجیکستان رفت تا تفاوت تلفظ و آهنگ فارسی و تاجیکی را مورد پژوهش قرار دهد. بدین منظور در آزمایشگاه آواشناسی

^{۲۰} Vladimir Barisovich Ivanov

دانشگاه دولتی ملی و انستیتوی زبان و ادبیات فرهنگستان علوم در شهر دوشنبه کار می‌کرد.

بری مدت کوتاهی در افغانستان به عنوان مترجم وزارت علوم بود. بعدها بر روی تلفظ افغان‌ها پژوهش‌هایی انجام داد.

ایوانوف در سال ۱۹۸۲ از ایالت متحده آمریکا دیدن کرد، تا در آزمایشگاه‌های آواشناسی آنجا کار کند. موضوع پژوهش وی در ایالات متحده مقایسه تلفظ ایرانیان و افغان‌ها بود. تجربیاتی که در آن زمان به دست آورد، برای کار کامپیوتری کردن پژوهش‌های زبان‌های خانواده زبان‌های ایرانی خیلی مفید بود.

از سال ۱۹۹۰ به موازات کار اصلی با انستیتوی زبان فرهنگستان علوم همکاری داشت و با پژوهشگران آن انسیتو در سفرهای علمی به پامیر و چین همراهی کرد. وی معمولاً در طی آن مسافرت‌ها سخنان گویشوران زبان‌ها و لهجه‌های خانواده زبان‌های ایرانی را مورد تحقیق قرار می‌داد.

اهم انتشارات و تالیفات:

تکیه‌گذاری در زبان فارسی (تجربه تحقیقات و آزمایشات) // خبرنامه دانشگاه دولتی مسکو، سری شرق‌شناسی، شماره ۲، سال ۱۹۷۲م؛

برخی نتایج تحقیقات تجربی در تکیه گذاری عبارات زبان فارسی // «کنفرانس کارشناسان جوان و دانشجویان، انستیتوی شرقشناسی، مسکو، ۱۹۷۴م؛ بررسی تارهای صوتی در هنگام تکیه گذاری زبان فارسی // کنفرانس کارشناسان جوان و دانشجویان، مسکو، ۱۹۷۵م؛ بررسی تارهای صوتی در هنگام تکیه گذاری زبان فارسی // بولتن آکادمی علوم روسیه «ادبیات جدید شوروی در خصوص زبانشناسی»، شماره ۹، سال ۱۹۷۵م؛ عناصر تونیک تکیه در زبان فارسی // خبرنامه دانشگاه دولتی مسکو، سری شرقشناسی، شماره ۲، سال ۱۹۷۷م؛ تجربه تحلیل برخی آواهای زبان فارسی // کنفرانس علمی روسیه «مسایل زبان های ایرانی» باکو، ۱۹۷۹م؛ پژوهش تجربی تکیه گذاری در عبارات زبان فارسی // خبرنامه دانشگاه دولتی مسکو، سری شرقشناسی، شماره ۳، سال ۱۹۸۰م؛ خصوصیات آکوستیک در واکه های زبان فارسی // خبرنامه دانشگاه دولتی مسکو، سری شرقشناسی، شماره ۱، سال ۱۹۸۲م؛ طیف های واکه در زبان دری // هشتمین کنفرانس ملی روسیه «مشکلات زبانشناسی در زبان های ایرانی»، شهر دوشنبه، سال ۱۹۸۲م؛ کنفرانس «زبان های آسیای جنوبی» // خبرنامه دانشگاه دولتی مسکو، شماره ۲، سال ۱۹۸۳م؛ ساختار عروضی کلمات در زبان های ایرانی // سومین سمپوزیوم بین المللی در مسایل منطقه ای زبان های آسیایی و آفریقایی، مسکو، ۱۹۸۳م؛

تلفظ واکه های زبان فارسی و روسی در افراد دوزبانه // خبرنامه دانشگاه دولتی مسکو، شماره ۲، سال ۱۹۸۳ م؛

دوره زبان فارسی (کتاب سال اول)، دانشگاه دولتی مسکو، سال ۱۹۸۳ م؛
مقایسه گفتار در زبان های فارسی و تاجیکی // علوم زبان‌شناسی، شماره ۵، مسکو، ۱۹۸۷ م؛

تکیه در زبان دری (تحلیل) // مسایل ساختار زبان های ایرانی، مجموعه مقالات، دانشگاه دولتی مسکو، سال ۱۹۸۸ م؛

مونوگرافی «الگوسازی جریان انتقال اطلاعات در دیپازون صوتی» // علوم اجتماعی در اتحاد جماهیر شوروی، مسکو، ۱۹۸۹ م؛

زبان فارسی (کتاب آموزشی برای دانشجویان سال دوم)، مسکو، سال ۱۹۹۰ م؛
تداوم و عدم ثبات واکه ها در زبان های فارسی و دری // خبرنامه دانشگاه دولتی مسکو، شماره ۳، سال ۱۹۹۰ م؛

میزان رعایت آداب معاشرت در متافارسی // «تحلیل منطقی زبان. زبان گفتار». انستیتوی زبان‌شناسی آکادمی علم روسیه، مسکو، سال ۱۹۹۴ م؛

مرزهای گفتار در زبان فارسی، تاجیکی و دری؛ // مسایل زبان شناسی، شماره ۳، مسکو، سال ۱۹۹۵ م؛

Dari Genesis: Closer to Persian than to Tajik. // Proceedings of the International Congress of Phonetic Sciences, Stockholm, ۱۹۹۵.

Dari Genesis: Closer to Persian than to Tajik (abstract). // Soroush, № ۷۷۰, Tehran, January ۱۹۹۶, p. ۱۴۳.

واکه های آکوستیک و تکیه در زبان های فارسی و دری. دانشگاه دولتی مسکو، سال ۱۹۹۶ م؛

Prosodic divergence of Persian, Dari and Tajik (тезисы доклада на английском языке). // Oriental studies in the ۲۰th century: Achievements and Prospects, Abstracts of the papers of CIS scholars for the ۳۵th ICANAS (Budapest, July ۷-۱۲, ۱۹۹۷), Москва, ۱۹۹۷. ۰, ۱

انشعاب های تاریخی در زبان هایی که از نظر خانوادگی نزدیک به هم هستند // چهارمین کنفرانس بین المللی زبان های خاور دور و آسیای جنوب شرقی آسیا و غرب آفریقا، سال ۱۹۹۷ م؛

میخائیل سرگیوویچ پلوین^{۲۶}

پروفسور، و مدیر گروه دانشگاه زبان‌شناسی فارسی در دانشگاه زبان های شرقی سنت پترزبورگ.

سوابق تحصیلی:

دارای مدرک اتمام دوره‌ی آموزش مدیریت پروژه (ANSI PMI PMBOKGUIE) از انستیتوی مدیریت پروژه، شهر سنت پترزبورگ؛ سال ۲۰۰۶ م.؛

دارای مدرک کارشناسی حقوق فقهی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ م.؛

دریافت دکترای دانشکده‌ی شرقشناسی در رشته‌ی ادبیات ملل آسیا و آفریقا از دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ م.؛

دریافت مدرک کارشناسی در رشته‌ی زبان و ادبیات شرقی، زبان‌شناسی ایران از دانشکده‌ی شرقشناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸ م.؛

مدارج علمی:

پرفسور رشته‌ی زبان‌شناسی، موضوع رساله: «شعر افغان در اوایل و اواسط قرن ۱۷» دانشکده‌ی شرقشناسی، دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سال ۲۰۰۳ م.؛

^{۲۶} Mikail Cergeevich pelevin

دکتر در رشته‌ی زبان‌شناسی، موضوع رساله: «غزلیات خوشحال خان خٹک» (در سال‌های ۱۶۱۳ تا ۱۶۸۹ م.)؛ دانشکده‌ی شرق‌شناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سال ۱۹۹۲ م.؛

فعالیت‌های علمی و دروسی که ایشان در دانشگاه تدریس می‌کند:

زبان افغانی (پشتو)، کلاسیک و معاصر

ادبیات پشتو در قرون (۱۸ تا ۱۶)

زبان فارسی معاصر و کلاسیک

تاریخ ادبیات کلاسیک زبان فارسی

تاریخ و فرهنگ قبایل افغان

گرایش‌های شناسی زبان فارسی

حقوق اسلامی، دکترین قانونگذاری کلاسیک و معاصر ایران و افغانستان

آثار علمی

کتاب:

شعر افغان در اوایل و اواسط قرن ۱۷، دانشکده‌ی شرق‌شناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، ۲۰۰۵ م.، ۳۲۵ صفحه؛

اشعار خوشحال خان خطک، ۱۶۱۳ تا ۱۶۸۹م.، سرآغاز شعر ملی افغانستان دانشکده‌ی شرقشناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سال ۲۰۰۱م.، ۲۸۶ صفحه؛

ترجمه مجموعه قوانین جزائی اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، با ویراستاری آ. ی. آخانی، مقدمه ی. ن. والاکووا و ترجمه ی. س. پلوینا، ناشر (مرکز حقوقی «پرس»)، سال ۲۰۰۸م.، ۳۴۳ صفحه؛

مقالات:

ادبیات پشتو در قرون ۱۷ و ۱۸، مجله تحقیقات زبان‌شناسی. شرقشناسی. شماره ۲۸، دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سال ۲۰۰۸م.؛

اشعار پشتو به منزله شکل اولیه به نگارش در نیامده قوانین پشتو نوالی رحمت نامه مجموعه مقالات هفتادمین سالگرد رحیموف ر. ر. ویراستار م. ی. رضوان دانشکده انسان‌شناسی و خدانشناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، ۲۰۰۸م.؛

اطلاعاتی پیرامون زمان شکل‌گیری نگارش افغانی // همایش بین‌المللی مسائل و دورنمای مطالعات شرقشناسی و آفریقاشناسی، در دانشگاه های سنت پترزبورگ، روسیه و اروپا، ۲ تا ۶ آوریل ۲۰۰۶م.، مجموعه مقالات. سنت پترزبورگ، ۲۰۰۸م.؛

اوزان اشعار اولیه پشتو // زبان‌شناسی و رده‌شناسی زبان های هندی و ایرانی. مجموعه مقالات ۷۵مین سالگرد بزرگداشت پرفسور گرونبرگ ا. ل.، ۱۹۳۰ تا ۱۹۹۵م.، ویراستار باگالیوواف م. ن. سنت پترزبورگ، ۲۰۰۶

آداب و رسوم و آیین مذهبی افغان ها در قرون ۱۶ و ۱۷ (برگرفته از منابع به زبان پشتو) تحقیقات پیرامون قوانین حقوقی مردم شناسی، ویراستار ناوویکوا ن. ی.، ناشر "استراته گیا"، ۲۰۰۶

در باب فعالیت های ادبی شاعران عارف افغان در قرن ۱۷ // مجله ی مطالعات شرقشناسی و زبانشناسی، شماره ۲۶، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۵

ترویج اسلام و بسط و گسترش نگارش در افغانستان در قرون ۱۶ و ۱۷ انگیزه های اخروی در اولین اشعار مذهبی افغانستان، مجله وستنیک، دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، شماره ی ۹، سال ۲۰۰۵

قطعاتی از اشعار مذهبی - تربیتی قرن ۱۷ // مجله ی یادواره های کتبی شرق، شماره ۱ (۲) ۲۰۰۵

اشعار اولیه ی شاعران افغان در موگال هند // همایش بین المللی مطالعات آسیا و شمال آفریقا. خلاصه مقالات، شماره ۲، مسکو سال ۲۰۰۴

حقایق زندگی در اشعارعرفانی شاعر افغانی قرن ۱۷ // مجله وستنیک، دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، شماره ۲، سال ۲۰۰۲

بنیان گذاران نگارش زبان افغانی، سنت پترزبورگ، سال ۲۰۰۲
عارف افغانی قرن ۱۶ "بایزید انصاری"، مجله وستنیک، دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، شماره ۲، سال ۲۰۰۰

گرایشات و پیشرفت در ادبیات زبان پشتو قرن ۱۷ // ۳۶مین کنگره ی مطالعات آسیا و آفریقای شمالی شرقشناسان، مسکو، سال ۲۰۰۰

حقوق خانواده و انحصار وراثت در جمهوری اسلامی ایران، ناشر دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سال ۱۹۹۸، ۷۹ صفحه

گویش بندری جنوب ایران، // کشورها و ملل شرق هندوکش شرقی. سنت پترزبورگ، سال ۱۹۹۸

رستم روسی // مجله مردم شناسی، شماره ی ۱۱، سنت پترزبورگ، شماره ۱۱، سال ۱۹۹۷

زندگینامه " معلم مقدس " برگرفته از تألیفات آخوند درویزی، مجله شرقشناسی سنت پترزبورگ، شماره ۹، سال ۱۹۹۷م؛

نسخه های خطی کتاب های زبان پشتو، دستاوردهای اخیر، // مطالعات شرقشناسی در قرن ۲۱، دستاوردها و دورنماها / خلاصه مقالات ۳۵مین کنگره ی مطالعات آسیا و آفریقای شمالی شرقشناسان پیرامون کشورهای مستقل مشترک المنافع، بوداپست (۷- ۱۲ جولای ۱۹۹۷. شماره ی ۲، مسکو ۱۹۹۷م؛ انحصار وراثت در ایران، مجله بین المللی حقوق فردی، شماره ی ۱، سری ۱۵، سال ۱۹۹۷م؛

نمایش تعزیه در ایران معاصر، مجله ی مردم شناسی؛ شماره ی ۸ و ۹، سنت پترزبورگ، سال ۱۹۹۵م؛

قبایل افغان در اشعار خوشحال خان خٹاک، مجله ی وستنیک، دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، سری ۲، شماره ی ۴، سال ۱۹۹۴م؛

نسخه های خطی به زبان پشتو (افغان) کتابخانه ی برلین // مجله ی شرقشناسی سنت پترزبورگ، شماره ۶، سال ۱۹۹۴م؛

زینایدا نیکلایونا واراژیکینا^{۲۷}



دکترای علوم تاریخ

آثار و تالیفات

تاریخ قرقیزستان و قرقیزها (چاپ دوم) به
 سرویراستاری ک.م. مالدابایف. ترجمه از زبان
 عربی، فارسی، اویغوری و تاجیکی توسط ف.
 آکیموشکین، واراژیکینا، کلیشتارنوا،

لیسارفسکی، پاکروفسکی، رومادین، سلاح الدینوا، استارکوا. چاپ بیشکک در
 سال ۲۰۰۲م؛

تاریخ شرقشناسی روسیه از اواسط قرن نوزده تا سال ۱۹۱۷م.. گروه ویراستاری
 متشکل از آ.آ. ویگاسین، آن. خاخوف، پ.م. شاستیتکو. انتشارات «ادبیات شرق»
 وابسته به آکادمی علوم روسیه در سال ۱۹۹۷م؛

واراژیکینا زن. کتاب مکتب شاعران اصفهان و زندگی ادبی ایران در دوران قبل از
 مغول (قرون دوازده و اوایل سیزده). سر ویراستار آکیموشکین. انتشارات «ناوکا»
 در سال ۱۹۸۴م؛

واراژیکینا. توصیف نسخه های خطی فارسی و تاجیکی انستیتوی شرقشناسی
 چاپ هفتم. ادبیات هنری فارسی (قرن دهم – اوایل قرن سیزده). سرویراستار
 آن. بالدیرف انتشارات «ناوکا» در سال ۱۹۸۰م؛

^{۲۷} Zinaida Nikolaevna Varajdikina

واراژیکینا کتاب «تحفه الملوک» - مجموعه احکام اخلاقی قرون وسطی // آثار مکتوب شرق / تحقیقات تاریخی - زبان‌شناسی. سالنامه ۱۹۷۳. انتشارات «ناوکا» سال ۱۹۷۹م؛

واراژیکینا. چند بیت دیگر از آثار رودکی // آثار مکتوب شرق / تحقیقات تاریخی - زبان‌شناسی. سالنامه ۱۹۷۲م. انتشارات «ناوکا» سال ۱۹۷۷م؛

واراژیکینا. توجه به دیوان استاد ابوالفرج رونی // آثار مکتوب شرق / تحقیقات تاریخی - زبان‌شناسی. سالنامه ۱۹۷۰م. انتشارات «ناوکا» سال ۱۹۷۴م؛

واراژیکینا کتاب «تحفه الملوک» - مجموعه احکام اخلاقی قرون وسطی // آثار مکتوب شرق / تحقیقات تاریخی - زبان‌شناسی. سالنامه ۱۹۷۳م. انتشارات «ناوکا» سال ۱۹۷۹م؛

واراژیکینا. چند بیت دیگر از آثار رودکی // آثار مکتوب شرق / تحقیقات تاریخی - زبان‌شناسی. سالنامه ۱۹۷۲م. انتشارات «ناوکا» سال ۱۹۷۷م؛

واراژیکینا. توجه به دیوان استاد ابوالفرج رونی // آثار مکتوب شرق / تحقیقات تاریخی - زبان‌شناسی. سالنامه ۱۹۷۰م. انتشارات «ناوکا» سال ۱۹۷۴م؛

واراژیکینا. خطوط منتشر نشده آثار انوری // آثار مکتوب شرق / تحقیقات تاریخی - زبان‌شناسی. سالنامه ۱۹۶۸م. انتشارات «ناوکا» سال ۱۹۷۰م؛

دانیل سیمینوویچ کمیساروف^{۲۸}

کمیساروف، دانشمند بزرگ ایران شناس و مترجم روس در سال ۱۹۰۷ م. در ترکمنستان چشم به جهان گذاشت. در دوران جوانی در جنگ اتحادیه شوروی با باسماچی ها داوطلبانه حضور یافت. او در وزارت امور خارجه خدمت می کرد و در زمان جنگ دوم جهانی سخنگوی سفارت اتحاد جماهیر شوروی در ایران بود. وی را جهت مشاوره علمی در فیلم «تهران - ۴۳» دعوت کردند، اما به گفته شخص وی، به دلیل مناسب نبودن سوژه، از کار در پروژه خودداری کرده است. از سال ۱۹۴۶ م. در اداره امور خارجه ی مسکو مشغول به فعالیت شد. سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ م. را در زندان و اردوگاه کار اجباری بسر برده است.

از سال ۱۹۵۴ م. وی به عنوان کارشناس علمی انستیتوی شرقشناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و متخصص زبانشناسی فعالیت خود را آغاز کرد. در میان آثار وی می توان به مجموعه مقالات «شرحی بر نثر معاصر فارسی» (۱۹۶۰ م.) و «راه های توسعه ادبیات جدید و جدیدتر فارسی» (۱۹۸۲ م.)، دو کتاب در خصوص صادق هدایت (۱۹۶۷ و ۲۰۰۱ م.)، کتاب «مرحله جدید در هنر نقاشی ایران: کمال الملک (صده های نوزده و بیست)» (۲۰۰۴ م.) و همچنین تالیفات تاریخی «جزیره طلای سفید: آغاز تحولات اجتماعی در تاجیکستان و جنگ با باسماچی ها» (۱۹۸۳ و ۱۹۸۶) نام برد. کمیساروف مجموعه «لطیفه های مردمی فارسی» را از زبان فارسی ترجمه و با تفسیر علمی منتشر کرده است (۱۹۹۰ م.)؛ از میان سایر ترجمه های وی می توان به داستان

^{۲۸} Daniel Cimionovich Komisarov

جمال میر صادقی «بادها، خبر از تغییر فصل می دهند» (۱۹۸۹م). نام برد. او همچنین مدیریت کار ویراستاری مجموعه «مسایل تاریخ ادبیات شرق: فولکلور، کلاسیک، معاصر» (۱۹۷۹م) را نیز بر عهده داشته است. کمیساروف همچنین بخش هایی در خصوص ادبیات فارسی قرن نوزدهم و بیستم در کتاب چند جلدی «تاریخ ادبیات جهان» نوشته است (چاپ مسکو، انتشارات «ناوکا» ۱۹۹۴-۱۹۸۳م).

الگ فنودورویچ اکیموشکین^{۲۹}



رئیس گروه خاورمیانه و گروه کردشناسی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ وابسته به آکادمی علوم روسیه، دکترای علوم زبان شناسی. در سال ۱۹۷۰ م. از رساله دوره دکتری خود تحت عنوان «شرق وقایع تاریخی» شاه محمود پسر میرزا فاضل خوراسه با موفقیت دفاع کرد.

حوزه فعالیت های علمی به منبع شناسی زبان فارسی، متن شناسی، تاریخ ایران باستان، کتاب نسخه های خطی، صوفی گری ایرانی، تاریخ آسیای میانه و ترکستان شرقی مربوط می شود.

وی بیش از دویست اثر مختلف تالیف کرده است که از میان آنها می توان به مینیاتورهای ایرانی سده های چهارده تا هفده (۱۹۶۸ م. کار مشترک با الکساندر ایوانف)، شاه محمود خوراسه (شرح وقایع تاریخی با تفسیر) چاپ مسکو در سال ۱۹۷۶ م. و کاتالوگ مجموعه نسخه های خطی ایران در انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم روسیه در سال ۱۹۹۴ م. اشاره داشت.

^{۲۹} Alek Feodorovich Akimoshkin

الکسی الکساندروویچ خیسما تولین^{۳۰}



متولد ۲ آوریل سال ۱۹۶۶م. در شهر سوردلوکس (یکاترینبورگ کنونی) می باشد. در سال ۱۹۸۴ م. مدرسه شبانه تربیت بدنی را در شهر لنینگراد به پایان رساند. این مدرسه امروز آموزشگاه پرورش نیروهای ذخیره المپیک نامیده می شود. وی در رشته شنا به درجه عالی رسید و تا سال ۱۹۸۴ م. عضو تیم ملی شنای اتحاد جماهیر شوروی بود.

در سال ۱۹۸۴م. وارد دانشکده دولتی شرقشناسی در لنینگراد شده و به تحصیل در رشته تاریخ افغانستان پرداخت. در سال ۱۹۹۱م.، موفق به کسب دیپلم با بالاترین نمره شد.

وی از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵م.، در دوره دکتری انستیتوی شرقشناسی دانشگاه سنت پترزبورگ وابسته به آکادمی علوم روسیه مشغول به تحصیل بود و در رشته «تاریخ شناسی، منبع شناسی و شیوه های بررسی تاریخی موفق به کسب مدرک دکتری شد.

^{۳۰} Aleksei Aleksandrovich Khismatullin

در سال ۱۹۹۷م، زیر نظر مستقیم آکیموشکین^{۳۱} و پروزوروف^{۳۲} از تز خود با عنوان «صوفیزم عمل گرایانه در فرقه نقشبندیه (بر مبنای منابع خطی قرون دوازده تا هجده) دفاع کرد».

خیسماتولین چندین مرتبه به عنوان مترجم زبان فارسی با هیات های مختلف روسی به ایران سفر کرده است.

از آوریل سال ۱۹۹۷م. تا به امروز وی در گروه خاور میانه انستیتوی شرقشناسی دانشگاه سنت پترزبورگ وابسته به آکادمی علوم روسیه مشغول به فعالیت است. از سال ۲۰۰۹م، نیز که این دانشگاه به انستیتوی نسخه های خطی شرقی آکادمی علوم روسیه تغییر نام داد، وی همچون یک همکار قدیمی به کار خود ادامه می دهد.

غالب تحقیقات وی در حوزه های زیر می باشند:

اسلام شناسی؛ تصوف اسلامی (صوفی گری) در آسیای مرکزی / میانه؛ تاریخ نگاری قرون وسطی و منبع شناسی در آسیای مرکزی / میانه و ایران؛ ایران شناسی دوره اسلامی؛ متن شناسی اسلامی و بررسی متون ترجمه شده.

اهم آثار وی عبارتند از:

^{۳۱} Akimushkin

^{۳۲} Prozorov

مونوگرافی و ترجمه:

- ابوحمید محمد غزالی طوسی. کیمیای سعادت، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۷ م؛
 رومی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی / دفتر اول، کار گروهی همراه با
 آکیموشکین، اییونسین، نوریك، یاستربوا، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۷ م؛
 ابوحمید محمد غزالی طوسی «کیمیای سعادت»، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۲ م؛
 صوفی گری در آسیای میانه (تحقیقات در خارج از کشور). یادبود فریتس مایر
 (۱۹۹۸-۱۹۱۲ م)، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۱ م؛
 ابوحمید محمد غزالی طوسی / صوفی گری کلاسیک «کیمیای سعادت»، سنت
 پترزبورگ، ۲۰۰۱ م؛
 صوفی گری، سنت پترزبورگ، ۱۹۹۹ م؛
 مرگ و مراسم خاکسپاری در اسلام و زرتشت (تالیف مشترک با کروکوا)، سنت
 پترزبورگ، ۱۹۹۷ م؛
 آیین صوفیان (بر اساس فرقه نقشبندیه)، سنت پترزبورگ ۱۹۹۶ م؛
 مقالات و انتشارات:

The Art of Medieval Counterfeiting: the Siyar al-muluk (the Siyasat-nama) by Nizam al-Mulk and the "Full" Version of the Nasihat al-muluk by al-Ghaza St. Petersburg: Thesa, ۲۰۰۸

منابع مختلف علمی مسلمانان در سده های دهم تا پانزدهم، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۸ م؛

To Forge A Book In The Medieval Ages: Nezam al-Molk's Siyar al-Moluk (Siyasat-Nama) // The Journal of Persianate Studies / Ed. by S. Arjomand ۲۰۰۸;

امام غزالی و انواع آثار علمی // مجله ایران و اسلاویکا، ۲۰۰۷م.، شماره ۱ و ۲، صفحه ۴۱-۴۹؛

The notion of terrorism: irhab in traditional Islamic thought and its significance today // Pluralisme et reconnaissance, Paris: IIIT France, ۲۰۰۸. P. ۲۷۱-۲۷۶;

شرح تاریخ ایرانشناسی دوره اسلامی در سنت پترزبورگ و قازان. بخش اول // مسایل اساسی فرهنگ شناسی، در چهار جلد، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۸م.؛
البصیر، الجذبه، العلم، اللدونی، کیمیای سعادت، النصیب، التصرف، خواجگان // اسلام در سرزمین روسیه دوره امپراطوری، دایره المعارف، انتشارات «ادبیات شرق» آکادمی علوم روسیه، ۲۰۰۶م.؛

«The Alchemy of Happiness»: Al-Ghazali's Kimiya and the origins of the Khwajagan-Naqshbandiyya Principles // Insights into Classical Arabic Literature and Islam, ۲۰۰۵;

دانش الهی (علم اللدنی، ابو حمید)، مسکو، ۲۰۰۴م.؛
زمان و مکان در صوفی گری: نقطه نظرات م. پارسی // درک زمان و مکان در فرهنگ آسیای میانه. مجموعه مقالات کنفرانس های بین المللی، سازمان IFEAC ۳۳ در سال ۲۰۰۰م.؛

Books and Periodicals on Persianate Societies Published in Russia // Studies on Persianate Societies. Vol. ۲ (۲۰۰۴/۱۳۸۳). P. ۲۱۱-۲۱۷;

Books published in Russia // Studies on Persianate Societies. Vol. ۱. (۲۰۰۳/۱۳۸۲). P. ۱۳۹-۱۴۶;

Some notes on the Kimiya-yi Sa'adat («The Elixir of Happiness») by Abu Hamid al-Ghazali at-Tusi // Studies in Arabic and Islam. Proceedings of the ۱۹th Congress Union Europeenne des Arabisants et Islamisants Halle (Saale) ۱۹۹۸;

حکمت صوفیان، ترجمه از زبان فارسی، کار گروهی، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۱ م؛
ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم الکوفی، کتاب الخراج، ترجمه توسط الکساندر ادواردویچ شمیدت، آماده کردن برای چاپ توسط خیسماتولین، سنت پترزبورگ، ۲۰۰۱ م؛

در خصوص نقدی بر شرقشناسی پترزبورگ // مجله «خبرنامه انستیتوی شرقی، سنت پترزبورگ، ۱۹۹۸ م؛

سخنی چند در خصوص تالیفات «کیمیای سعادت» محمد غزالی // کشورها و اقوام شرقی، سنت پترزبورگ، ۱۹۹۸ م؛

عرفان عملی در فرقه نقشبندیه: صوتی، سنت پترزبورگ، ۱۹۹۵ م؛

الکساندر آناتولیویچ زنکین^{۳۴}

الکساندر آناتولیویچ زنکین در تاریخ یازدهم ماه ژوئن سال ۱۹۶۲ م. در جمهوری خودمختار ماری‌آل فدراسیون روسیه چشم به جهان گشود و ملیت وی به ماری-آل‌ها، مردمی از منطقه میانی کرانه رود ولگا که به یکی از زیرشاخه‌های زبان اوریال تکلم می‌کنند، برمی‌گردد. در سال ۱۹۸۴ م. تحصیلات خود را در انستیتوی صنعت چاپ مسکو در رشته مهندسی و تکنولوژی سیستم چاپ به پایان رساند و سپس به عنوان سرمهندس در اتحادیه چاپ و نشر ماری‌آل (شهر یوشکار-آلا) مشغول به کار شد. وی همچنین رئیس شورای این اتحادیه بود که به چاپ و انتشار کتاب با تیراژ صدهزار نسخه می‌پرداخت. زنکین، رئیس کل مؤسسات زنجیره‌ای صنعتی بود. در حال حاضر در سمت رئیس قسمت ویراستاری شرکت سهامی نشر و چاپ «کتب درسی مسکو - سی‌دی پرس» در شهر مسکو مشغول به خدمت است. وی مقالات متعددی را در مطبوعات و نیز هفت کتاب به چاپ رسانیده است که از میان آن‌ها می‌توان به «زاسیم لاورنتیف» (یوشکار-آلا، ۱۹۹۳)، «هنر کتاب ماری‌آل» (یوشکار-آلا، ۱۹۹۶)، و همچنین، مجموعه چهار جلدی کتاب فلسفی و ادبی «سرنوشت نوابغ» (یوشکار-آلا، ۲۰۰۷-۲۰۰۲) که درباره زندگی نیکلای واسیلیویچ گوگول، فتودور میخائیلویچ داستایفسکی و لف تالستوی، بزرگ مردان ادبیات روسیه و جهان است، اشاره کرد.

^{۳۴} Aleksandr Anatolevich Zenkin

ایوان میخایلوویچ کامینسکی^{۳۰}

ایوان میخایلوویچ کامینسکی سال ۱۹۶۸م. تحصیلات خود را در گروه زبان‌شناسی ایرانی دانشکده شرق شناسی لنینگراد (سنت پترزبورگ امروز) به پایان رساند. وی در این دانشگاه زبان های فارسی، اوستایی، اوستیایی و خوارزمی را در محضر استاد ساکالوف و زبان های افغانی، فارسی میانه، فارسی باستان و سغدی را نزد آکادمیسین معروف باگالیووف، زبان تاجیکی را نزد استاد روزنفلد، عربی را در محضر تاغیرجانوف، زبان یونانی باستان را نزد داواتورا و زبان لاتین را با استاد شیبالین آموخت. علاوه بر این، در کلاس های درس ادبیات فارسی استاد بالدیرف شرکت می کرد. وی همچنین برای آشنایی با فرهنگ ایرانی در کلاس های لئونید گوزالیان شرکت می جست. کامینسکی در کلاس های دانش دگرگونی صدا و زبان‌شناسی اسکاندیناوی که میخایل ایوانویچ استبلین – کامینسکی (۱۹۸۱-۱۹۰۳م.) پدر وی تدریس می کرد نیز حضور پیدا می کرد.

^{۳۰} Ivan Mikhaylovich Kaminski

سال ۱۹۶۷م. به عنوان مدرس زبان روسی در مدرسه روستای واخان (منطقه ایشکامیشسکی، جمهوری خودمختار بدخشان در تاجیکستان) مشغول به تدریس شد. وی مطالب زیادی در خصوص زبان واخانی، فولکلور و مردم شناسی جمع آوری کرد. سال ۱۹۷۱م. با نظارت پروفسور لیوشتسا از رساله دکتری خود تحت عنوان «آواشناسی تاریخی زبان واخانی» دفاع نمود.

از سال ۱۹۶۴م. در ماموریت های علمی باستان شناسی و قوم شناسی زبانی در تاجیکستان (زرافشان: ۱۹۶۴-۱۹۷۵م، ۱۹۸۴، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷م)، در پامیر (۱۹۶۹-۱۹۶۵م، ۱۹۷۲، ۱۹۷۶م)، در ترکمنستان (۱۹۷۵م، ۱۹۷۶م)، در جنوب اورال (۱۹۹۵م) حضور داشت.

از سال ۱۹۶۸م. در ماموریت های علمی مشارکت می کرد و کارهایی را همراه با ل. گرونبرگ ۳۶ تالیف کردند (۱۹۶۵-۱۹۳۰م).

در سال های ۱۹۸۱-۱۹۷۱م. کارشناس علمی جوان انستیتوی شرق شناسی بود. از سال ۱۹۸۱م. استاد ارشد دانشکده شرق شناسی شد که البته از سال ۱۹۷۲م. در این دانشکده به تدریس می پرداخت.

سال ۱۹۸۴م. از رساله فوق دکتری خود با عنوان «واژه های مربوط به کار زمین در زبان های پامیری به صورت پژوهش مقایسه ای - تاریخی» در انستیتوی زبان شناسی مسکو دفاع کرد.

از سال ۱۹۸۴م. استاد گروه زبانشناسی دانشکده شرقی، سال ۱۹۸۷م. استاد این دانشکده و از سال ۱۹۹۱م. رییس گروه زبانشناسی ایران شد.

^{۳۶} L. Grunbrg

سال ۱۹۹۵م. به عنوان مدیر دانشکده شرقی دانشگاه سنت پترزبورگ برگزیده شد. وی کلاس های زبان فارسی کلاسیک، زبان اوستایی، فارسی میانه و باستان، شرحی بر زبان‌شناسی ایرانی و دوره های ویژه زبان های پامیری و فولکلور را بر عهده داشت.

سال ۱۹۹۷م. عضو اکادمی علوم روسیه در بخش ادبیات و زبان شد. وی بیش از صد اثر برجسته به انضمام ترجمه متون و اشعار از خود به جای گذاشته است.

نینا میخائیلوونا مامدووا^{۳۷}



نینا میخائیلوونا مامدووا که دارندهٔ مدرک دکترای اقتصاد (از سال ۱۹۷۱ م.) است، در شهر مسکو دیده به جهان گشود و در همان جا تحصیلات خود را تا مقطع دکتری ادامه داد. از سال ۱۹۶۹ م. در انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه مشغول به فعالیت است و از سال ۱۹۹۷ م. نیز ریاست بخش ایران را بر عهده دارد. خانم مامدووا در زمینه اقتصاد، تاریخ اقتصادی و تاریخ نوین ایران تخصص دارد. ایشان همچنین چندین اثر مونوگرافی با نام «کئوپراسیون در ایران» (۱۹۷۳)، «تمرکز تولید و سرمایه در ایران» (۱۹۸۲)، «تشکیلات اقتصادی شهری در ایران» (۱۹۸۸)، «ایران در قرن ۲۰، نقش دولت در توسعه اقتصادی» (۱۹۹۷)، «ویژگی‌های توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان معاصر (ایران و ترکیه)» (۲۰۰۶، کار مشترک) دارند.

خانم مامدووا بیش از ۲۰۰ مقاله علمی، بخش‌هایی از مونوگرافی‌های گروهی و مطالب تحلیلی برای مراجع تصمیم‌گیری به رشته تحریر درآورده و به چاپ رسانیده است.

^{۳۷} Nina Mikhailovna Mamedova

برخی از این مقالات برای چاپ در نشریات خارج از کشور تنظیم شده‌اند. وی مدیر مسئول ۲۰ اثر مونوگرافی و مجموعه مقالات و عضو تعدادی هیأت ویراستاری است.

وی از سال ۱۹۸۹ م. در انستیتوی روابط بین‌الملل دولتی مسکو در زمینه اقتصاد ایران، ترکیه و افغانستان مشغول به تدریس است و در تألیف کتب درسی و کتابچه‌های راهنما در زمینه اقتصاد این کشورها و همچنین آسیای میانه و ماورا قفقاز شرکت دارد.

ولادیمیر ایوانوویچ یورتایف^{۳۸}



ولادیمیر ایوانوویچ یورتایف در تاریخ اول ماه می سال ۱۹۵۸ م. در شهر مسکو در خانواده‌ای کارمند به دنیا آمد. در سال ۱۹۸۱ تحصیلات خود را در انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقا وابسته به دانشگاه دولتی مسکو به پایان برد و در سال ۱۹۸۵ مدرک دکترای تاریخ را دریافت کرد. تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه کیس وسترن (کلیولند آمریکا، ۱۹۹۶) به پایان رساند. طی سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۱ م. کارمند علمی آکادمی علوم شوروی سابق بود. از سال ۲۰۰۷ م. دانشیار گروه تئوری و تاریخ روابط بین‌المللی و از سال ۲۰۰۳ نیز دانشیار گروه تاریخ عمومی دانشگاه دوستی ملل روسیه می‌باشد. و از سال ۲۰۰۸ به عنوان مدیر مرکز علمی و آموزشی پژوهش‌های افریقا در دانشگاه دوستی ملل روسیه مشغول به فعالیت است. در نشست بین‌المللی دانشمندان با نام «علم، فن و جهان» در سال ۱۹۸۶ در مسکو، اولین میزگرد شراکت استراتژیک ایران و روسیه در سال ۱۹۹۵ در تهران، سومین کنفرانس بین‌المللی اروپا و آسیا در زمینه

^{۳۸} Vladimir Ivanovich Urtayev

حمل و نقل (سنت‌پتربورگ، ۲۰۰۳)، پنجمین و ششمین کنفرانس ایران‌شناسی اروپا (راونا، ۲۰۰۳ و وین، ۲۰۰۷)، نشست اقتصادی بین‌المللی بخارست با نام «اروپای جدید در گفتگوی غرب و شرق: هم‌گرایی و توسعه» (بخارست، ۲۰۰۴)، ششمین کنفرانس بین‌المللی آفریقاشناسی سراسر روسیه (مسکو، ۲۰۰۸)، هفتمین نشست اقتصادی پتربورگ (سنت‌پتربورگ، ۲۰۰۸) و در مجموع در بیش از ۳۰ کنفرانس و همایش (در روسیه، ایران، ترکیه، رومانی، آلمان، امریکا، بریتانیا، کشورهای مشترک‌المنافع، چین و سوریه) شرکت کرده است. آقای یورتایف عضو پیوسته انجمن اروپایی ایران‌شناسان است و به زبان‌های فارسی، دری و انگلیسی تسلط کامل دارد و با زبان‌های عربی و پشتو هم‌آشناست. وی بیش از ۶۰ کار علمی انتشار داده است.

یکاترینا سرگئی یونا میزینا^{۳۹}

یکاترینا سرگئی یونا میزینا در سال ۱۹۸۴ م. به دنیا آمد. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ م. در دانشگاه دولتی علوم انسانی در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل بوده است. از سال ۲۰۰۵ دانشجوی گروه اندیشه‌های سیاسی و فلسفی شرق بود که در آن با توجه به گرایش تحصیلی خود فرهنگ و فلسفه اسلام و زبان‌های عربی و فارسی را آموخته است. از سال ۲۰۰۷ نیز دانشجوی مقطع دکترای همین گروه در دانشگاه دولتی علوم انسانی است و در حال انجام رساله دکتری خود زیر نظر پروفسور م.ت. استپانیانتس است. مدت چهار سال است که روی موضوع تقویت و استحکام سیاسی کشورهای مسلمان مطالعه و بررسی می‌کند. بر اساس همین موضوع پایان‌نامه دوره کارشناسی خود را با نام «کشورهای جهان اسلام به منزله عامل روابط بین‌المللی» و همچنین دانشنامه دوره کارشناسی ارشد را با نام «نقش عامل اسلامی در روابط بین‌المللی: سیاست خارجی روسیه در منطقه مسلمان» به انجام رسانده است. ایران در قالب موضوع گسترده دیگری با نام «زمینه‌های فرهنگی استحکام سیاسی جهان مسلمان» مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این مبحث مقاله‌ای با نام «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آگاهی و هوشیاری اجتماعی مسلمانان جهان» نوشته شده است که در مجموعه مقالات «سی سال انقلاب اسلامی در ایران» به چاپ رسیده است.

^{۳۹} Ekaterina Cergeevna Mizina

الکساندر ایوانوویچ پالیشوک^{۴۰}



الکساندر ایوانوویچ پالیشوک در ۲۰ فوریه سال ۱۹۴۴ م. در مسکو متولد شد. تحصیلات او در زمینه ترجمه زبان‌های فارسی و انگلیسی است. در آغاز سال‌های هفتاد قرن ۲۰ در افغانستان به عنوان مترجم مشغول به کار بود. در سال ۱۹۸۰ م. پس از دفاع از رساله خود درباره تاریخ افغانستان در قرن ۱۹ م. موفق به کسب درجه دکترای تاریخ شد. او فعالیت‌های خود را با فعالیت‌های علمی و تدریس پیوند داد. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در انستیتوی علوم اجتماعی همکاری داشت.

طی دهها سال تدریس زبان فارسی در مراکز آموزشی مسکو، به طور همزمان تحقیق و پژوهش درباره مسائل تاریخی و معاصر ایران را انجام می‌داد. در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ نیز به عنوان کارشناس ارشد اتاق بازرگانی روسیه در جمهوری اسلامی ایران و عضو اتاق بازرگانی ایران و روسیه بود. در حال حاضر در دانشگاه زبان‌شناسی دولتی مسکو به تدریس زبان فارسی و تاریخ و جغرافیای ایران مشغول است. به طور همزمان همکار علمی بخش ایران در قسمت خاور نزدیک و میانه انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه است. از نوامبر سال ۲۰۰۶ م. ریاست انجمن دوستی ایران و روسیه را بر عهده دارد. وی معاون سردبیر مجله «ایران امروز» است. نامبرده همواره مقالاتی درباره مسائل معاصر ایران (حمل و نقل، بازرگانی خارجی، مسائل جنسی، زندگی اجتماعی و اقتصادی و غیره) به

^{۴۰} Aleksandr Ivanovich Polishuk

چاپ می‌رساند و همچنین در کنفرانس‌ها و سمینارها و میزگردهای مختلف و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مربوط به ایران شرکت می‌کند.

آلینا سرگئی‌یونا فیودوراوا^{۴۱}

آلینا سرگئی‌یونا فیودوراوا در ۱۲ می سال ۱۹۸۳ م. در شهر لنینگراد به دنیا آمد. او هشت سال در ایران در شهر تهران بسر برده است و تحصیلات خود را در دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه دولتی مسکو و سپس در دوره دکترا در انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه ادامه داد. زمینه مورد علاقه وی تحقیق و مطالعه در زمینه ارتباط متقابل دین و سیاست و مفاهیم دولت اسلامی و دموکراسی الهی است. او همچنین چندین مقاله در زمینه پیدایش و گسترش دموکراسی و تشکیل جریان‌های دموکراتیک در ایران معاصر نگاشته است.

^{۴۱} Alina Cergeevna Fedorovna

گنادی پتروویچ آودییف^{۴۲}



گنادی پتروویچ آودییف در ۸ ژوئن ۱۹۴۰ م. به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۹ م. تحصیلات خود را در گروه فارسی انستیتوی زبان‌های شرقی دانشگاه دولتی مسکو به نام لامانوسف به پایان برد. در سال ۱۹۸۹ م. از رساله دکتری خود «درباره زندگی و شخصیت آیت‌الله طالقانی» دفاع کرد. در حال حاضر پروفیسور انستیتوی تمدن‌های جهانی، رایزن و مشاور در کشورهای مسلمان‌نشین شرق، نائب رئیس دومای دولتی و متخصص روحانیت شیعه ایران است که رساله دوره پروفیسورای خود را به آن اختصاص داده است.

وی همچنین چندین سال به عنوان مترجم زبان فارسی در کارخانه متالورژی اصفهان و سپس طی سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۷۹ م. در تهران به عنوان دیپلمات فعالیت داشته است. وی همچنین در کشورهای افغانستان و پاکستان به عنوان دیپلمات اشتغال داشته است. آودییف آخرین بار در سال ۲۰۰۵ م. در کنفرانس بین‌المللی یادبود امام خمینی به دعوت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی

^{۴۲} Genadi Petrovich Avdeev

ایران شرکت جست. وی پیوسته در همه کنفرانس‌ها، سمینارها و دیدارهایی که از سوی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو و نیز انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه برگزار می‌شود، شرکت می‌کند. او سرپرست دایمی میزگردهای دومای دولتی فدراسیون روسیه در زمینه مسائل اسلام، روابط ایران و روسیه و تاریخ معاصر ایران است.

همسر ایشان خانم لودمیلا یوگنی‌یونا آودیووا نیز روزنامه‌نگار، ادیب و شاعر و عضو اتحادیه نویسندگان روسیه است. آقای آودیف دهها مقاله علمی، مونوگرافی و کتاب را به رشته تحریر درآورده است:

آودیف گ. پ.، «بیست و پنجمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و مسئله امنیت منطقه‌ای» // ژنات، ۲۰۰۴، شماره ۵، صص. ۱۰۷-۱۰۵.

آودیف گ. پ.، «مبارزه ایدئولوژیکی در ایران معاصر» // اسلام و توسعه اجتماعی در آغاز قرن ۲۱ (مجموعه مقالات) // مسکو: انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه. انتشارات «کرافت»، ۲۰۰۵، صص. ۴۴۲-۴۳۲.

آودیف گ. پ.، «مفاهیم اصلی سیاسی و دینی ایدئولوژی رسمی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷» (مجموعه مقالات) // مسکو: آکادمی دیپلماتیک شوروی سابق، ۱۹۸۳، صص. ۴۳-۲۷.

آودیف گ. پ.، «روحانیت شیعه و تضاد ایران و امریکا» // ایران: سنت فرهنگی و تاریخی و سیر توسعه (مجموعه مقالات) // مسکو، دانشگاه علوم انسانی روسیه، ۲۰۰۶، صص. ۴۱-۳۹.

آودیف گ.پ. و علی‌یف س.م.، «تاریخ ایران، قرن ۲۰» // مسکو، شرق «آرینس»، ۲۰۰۷، شماره ۵، صص. ۱۸۶-۱۸۱.

آودیف گ.پ.، «آیت‌الله محمود طالقانی، مراحل اصلی زندگی و فعالیت/ مسائل روز کشورهای خاور نزدیک و میانه (مجموعه مقالات)، مسکو، انتشارات «ناوکا»، ۱۹۸۶، صص. ۴۷-۴۵.

آودیف گ.پ.، «امام خمینی، سمبل ایران گذشته و آینده» / پژوهشنامه تحقیقات علمی در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ / مسکو، آکادمی علوم نظامی فدراسیون روسیه، ۲۰۰۳، شماره ۵، صص. ۱۰۲-۹۶.

آودیف گ.پ.، «انقلاب اسلامی ایران و روابط ایران و فلسطین»، بیست و پنج سال انقلاب اسلامی در ایران (مجموعه مقالات) / مسکو، انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه، ۲۰۰۵، صص. ۱۴۸-۱۳۳.

آودیف گ.پ.، «روابط بین پارلمانی روسیه و ایران: سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶» / روسیه، جهان اسلام: واپس‌گرایی تاریخی و گرایش‌های معاصر (مجموعه مقالات)، مسکو، انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه، ۲۰۰۸، صص. ۷۸-۴۷.

آودیف گ.پ.، «جشن رمضان در ایران معاصر» / ایران، تاریخ و عصر حاضر (مجموعه مقالات)، مسکو، انتشارات «ناوکا»، ۱۹۸۳، صص. ۶۲-۴۶.

آودیف گ.پ.، «کشورشناسی ایران»، کتاب درسی، قسمت دوم، مسکو، دانشگاه نظامی، ۲۰۰۷، صص. ۳۲۰.

آودیف گ.پ.، «کشورشناسی ایران»، کتاب درسی، قسمت اول، مسکو، دانشگاه نظامی، ۲۰۰۵، ص. ۴۴۲.

آودیف گ.پ.، «نقش روحانیت شیعه ایران در ساختن دولت اسلامی (۲۰۰۹-۱۹۷۹)» // سی سال انقلاب اسلامی در ایران، مسکو، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه (مجموعه مقالات)، ۲۰۰۹، صص. ۱۸۴-۱۷۰.

لودمیلایوگنی یونا آودیووا^{۴۳}

لودمیلایوگنی یونا آودیووا ادیب، فرهنگ‌شناس، شاعر و روزنامه‌نگار بین‌المللی در تاریخ ۲ اکتبر سال ۱۹۴۳ م. در مسکو به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را با کسب درجه عالی به پایان برد و در سال ۱۹۶۶ با عنوان دانشجوی ممتاز و نمونه از دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه دولتی مسکو به نام لمانوسف فارغ‌التحصیل شد. وی همچنین از دانشکده‌های تاریخ هنر، تاریخ تئاتر و زیباشناسی روسی از دانشگاه فرهنگ تئاتر انجمن تئاتر روسیه فارغ‌التحصیل شده است. در دوران دانشجویی با همسر آینده خود، گنادی پتروویچ آودیف آشنا شد که در آن زمان در گروه زبان فارسی دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه دولتی مسکو (که اکنون انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقا نام دارد) تحصیل می‌کرد. وی به دلیل ارجاع محل کار همسرش به ایران در سال ۱۹۷۰ م. برای ماموریتی طولانی مدت به اصفهان رفتند و ایشان در آنجا به تدریس زبان روسی و مطالعه و تحقیق تاریخ، هنر و فرهنگ ایران مشغول بود. پس از بازگشت به مسکو در سال ۱۹۷۲ م. به عنوان مدیر مسئول و خبرنگار چندین نشریه در مسکو کار می‌کرد و با بخش خاور میانه و نزدیک در رادیو و تلویزیون ملی روسیه، با آژانس خبری «نواستی»^{۴۴} و تعدادی مجله معتبر همکاری داشت. علاوه بر این، لودمیلایو آودیووا عضو انجمن ارتباطات فرهنگی با ایران - وابسته به انجمن دوستی

^{۴۳} Ludmila Evgenievna Avdieva

^{۴۴} Novosti

اتحادیه شوروی- بوده است. وی که بیش از ۲۰ سال از زندگی خود را به کار روزنامه‌نگاری اختصاص داده، صدها مقاله، رپورتاژ، مصاحبه، مطالب علمی، فرهنگ‌شناسی و خبری از جمله درباره ایران به چاپ رسانیده است. برای بار دوم به اتفاق همسر جهت انجام مأموریت کاری به ایران سفر کرد که با سال‌های انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ م. مصادف شد. در آن زمان به عنوان استاد زبان روسی و رئیس کتابخانه انجمن ایرانی ارتباطات فرهنگی با شوروی سابق در تهران مشغول به کار بود و در ضمن به حرفه روزنامه‌نگاری هم ادامه می‌داد.

سال‌های زندگی در ایران و حوادث تاریخی که لودمیلا آودیووا خود از نزدیک شاهد آن‌ها بود مسیر فعالیت‌های علمی و خلاقانه وی را در آینده تعیین کرد که سهم عمده‌ای از مقالات بی‌شمار ایشان به انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، هنر تئاتر ایران، نقاشی، سینما، موسیقی، شخصیت‌های برجسته هنر، فرهنگ و ادبیات ایران اختصاص یافته است.

آخرین بار لودمیلا آودیووا در سال ۲۰۰۵ م. برای شرکت در کنفرانس به مناسبت شانزدهمین سالگرد وفات امام خمینی، بنیانگذار کبیر ایران، به تهران رفت و کتاب ایشان با نام «راهی به سوی آزادی» که به زبان فارسی ترجمه شده است، به این موضوع اختصاص یافته است.

در حال حاضر لودمیلا آودیووا عضو اتحادیه نویسندگان روسیه، کمیته ادیبان مسکو، شورای خبرنگاران روسیه، فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران، مؤسسه خیریه شورای بنیاد فرهنگی مسکو، نامزد و برنده جوایز بسیاری از رقابت‌های

مسکو و بین‌المللی و جشنواره‌های شعر و هنر، در فستیوال‌های «وداخناونیه»^{۴۵} (مؤسسه خیریه شورای بنیاد فرهنگی مسکو)، «آفتارسکایا پسنتیا»^{۴۶}، «بریس»^{۴۷} و «فیلانتروپ»^{۴۸} و به خصوص، جشنواره بین‌المللی شعر بیوگلو استامبول در سال ۲۰۰۸ است که در آنجا موفق به دریافت نشان یادبود ناظم حکمت به خاطر کتاب شعرش درباره ترکیه با نام «دیدن نور» گردید. وی همچنین موفق به کسب مدال‌ها و نشان‌های مختلف، از جمله، مدال «سالگرد ۲۰۰ سالگی پوشکین»، «مجاهد روشنگری»، «به خاطر ودیعه در راه دوستی ملت‌ها»، «به خاطر وفاداری به وظیفه و میهن»، دارنده دیپلم وزارت فرهنگ «به خاطر معنویت، میهن‌پرستی» و غیره شده است. وی به دلیل فعالیت‌های بسیار و سخنرانی‌ها و شرکت در برنامه‌های متعدد از سازمان‌های مختلف مانند فدراسیون صلح، بنیاد فرهنگ، اتحادیه زنان و غیره موفق به کسب دیپلم‌های افتخار و جوایز متعدد شده است. پیوسته در کنفرانس‌ها و میزگردهای انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه، دومای روسیه، انستیتوی تمدن‌های جهان شرکت می‌کند که در آن‌ها به ارایه سخنرانی در زمینه مسائل فرهنگی و روابط ایران و روسیه می‌پردازد.

خانم لودمیلا آودیووا بیش از ۲۰ کتاب غزل، شعر برای کودکان، تریلوژی «مردم را از هم جدا نکن، جنگ»، مجموعه شعر «گلنمای شرق» را به رشته تحریر

^{۴۵} Vdokhnovenie

^{۴۶} Aftorskaya pesnia

^{۴۷} Bris

^{۴۸} Filontrop

درآورده است. وی در مجموعه آخر خود تأثرات خویش را از کشورهایی که در آن‌ها زیسته، کار کرده و فعالیت اجتماعی خود را پیوند داده (ایران، افغانستان، پاکستان، نپال، هند و غیره) آورده است. او ریاست تعدادی کارگاه ادبی را بر عهده دارد و گردآورنده چندین مجموعه شعر با عناوین «بر بال‌های پگاس»، «دسته گل عشق» و «درخشش آفتاب» و عضو هیات تحریریه مجموعه «روسیچ» است. آثار لودمیلا آودیووا به زبان‌های فارسی، دری، پشتو، عربی، ترکی، انگلیسی و نپالی ترجمه شده‌اند. استودیوی ایرنا (به تهیه‌کنندگی آقای قاسمی) در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ با خانم لودمیلا آودیووا مصاحبه انجام داده است. مقالات متعدد او با موضوع ایران در مجلات پایتخت با نام‌های «تئاتر»، «هنر سینما»، «علم و دین»، «فرهنگ و زندگی»، «ادبیات کودکان» و غیره و همچنین در تألیفات گروهی در انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه و در مجموعه‌های ادبی به چاپ رسیده است. فهرست کارهای منتشر شده ایشان در فهرستی که سالانه در روسیه به چاپ می‌رسد، منتشر گردیده است.

آثار شعر ایشان که به ایران تعلق یافته و در انتشارات «گومانیتری» به چاپ رسیده است عبارتند از:

«روح را به ایران تقدیم می‌کنم» (بیش از ۱۰۰ شعر، رباعیات، ترجمه)، ۲۰۰۱.

«باغ‌های بهاری ایران» (قریب به ۱۰۰ شعر، ۴ منظومه)، ۲۰۰۲.

«دوباره بلبلان نغمه عشق سر دادند»، ۲۰۰۲.

«راهی به سوی آزادی» (منظومه تاریخی اختصاص یافته به امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران)، ۲۰۰۵.

«هم‌کلام با فرزندگان» (به مناسبت سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، ۲۰۰۹.

مقالات ایشان که به ایران اختصاص یافته و در انتشارات «ناوکا» به چاپ رسیده عبارتند از:

«انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر سینمای ملی»، منتشر شده در مجموعه مقالات مسائل روزمره کشورهای خاور نزدیک و میانه، ۱۹۸۶. بخش «فرهنگ» در مجموعه «انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش»، دلایل و درس-ها، ۱۹۸۹.

بخش‌های «تئاتر»، «سینما»، «موسیقی»، «هنرهای تجسمی»، «رادیو»، «تلویزیون» در کتابچه راهنمای «ایران معاصر»، ۱۹۹۳.

«هنر ایران انقلابی (بعد از انقلاب)» در مجموعه مقالات «بیست و پنج سال انقلاب اسلامی در ایران»، انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه، ۲۰۰۵. «رودکی، هومر شرق» در مجموعه مقالات «میراث رودکی» (کنفرانس بین‌المللی علمی)، تاجیکستان، ۲۰۰۸.

«تأثیرات معنوی امام خمینی و ایده‌آل‌های انقلاب اسلامی بر زندگی فرهنگی ایران امروز»، در مجموعه مقالات «سی‌امین سالگرد انقلاب اسلامی ایران»، ۲۰۰۹.

چالیسوا ناتالیا یوریونا^{۴۹}

ناتالیا یوریونا سال ۱۹۸۱م. دوره دکتری خود را در رشته زبانشناسی به پایان رساند. وی پروفسور و کارشناس ارشد انستیتوی فرهنگ شرق و دوران باستان در دانشگاه دولتی علوم انسانی مسکو می باشد.

علاوه بر این، وی مدیریت مرکز علمی – تحقیقی پژوهش های مقایسه فرهنگ شرق و غرب وابسته به انستیتوی فرهنگ شرق و دوران باستان را نیز بر عهده دارد.

تخصص وی در خصوص تاریخ ادبیات کلاسیک فارسی می باشد. و دایره علاقه مندی های وی فراتر از تاریخ ادبیات رفته، با فرهنگ انسانی دوران قرون وسطی در ایران و تحقیق و ترجمه حوادث رخ داده در تئوری ادبیات ارتباط پیدا می کند.

^{۴۹} Chalisova Natalia Ureevna

وی عضو شورای شرق شناسان روسیه، عضو جامعه ایرانی روسیه و ایران‌شناسان اروپا نیز بوده است.

سال ۱۹۹۴م، چالیسوا در دانشگاه علوم انسانی روسیه به تدریس «تاریخ ادبیات ایران»، «زبان کلاسیک فارسی»، «نظم فارسی و شعرشناسی» و همچنین «صوفی گری در ایران» می پرداخت.

وی بیش از ۴۰ اثر از خود به جای گذاشته است.

اهم تالیفات :

ترجمه پژوهشی از زبان فارسی: رشید الدین وطواط، سعدی و اعجاز در نظم. مسکو، سال ۱۹۸۵م؛

«تذکره الشعرا» دولت شاه - تاریخ و یادبودهای ادبی // آثار تاریخی و ادبیات شرق، مسکو، سال ۱۹۸۶م؛

ذکر ملک دینار از «تذکره الاولیاء» فری الدین عطار // صوفی گری در فرهنگ اسلامی. مسکو، سال ۱۹۸۹م؛

داستان های مردمی شرق. مسکو، سال ۱۹۸۹م؛

کاروان // باغ یک گل، مسکو، سال ۱۹۹۱م؛

تئوری وام گرفتن شعری توسط شمس قیس رازی: مساله ریشه های عربی و ویژگی شعر کلاسیک فارسی - تاجیکی // وام گرفتن فرهنگ شرق و غرب، مسکو، سال ۱۹۹۱م؛

حلاج از نگاه عطار // کیهان فرهنگی. تهران، سال ۱۹۹۵م؛
توصیف زبان شعر در رساله شمس قیس رازی «مجموعه قوانین شعر عجم»، مسکو، سال ۱۹۹۵م؛

من هفت خدای حقیقی»: تصویر حلاج در شعر و نثر عطار // معنانشناسی در ادبیات شرق، مسکو، سال ۱۹۹۸م؛

ترجمه و تفسیر اثر شمس الدین محمد ابن قیس رازی. مجموعه قوانین شعر فارسی، مسکو، سال ۱۹۹۷م؛

ادبیات کلاسیک فارسی // ادبیات جهان: (دایره المعارف برای کودکان)، مسکو، سال ۲۰۰۰م، با همکاری مارینا ریسنر؛

ادبیات جهانی: (دایره المعارف کودکان)، مسکو، سال ۲۰۰۰، بخش رودکی، فردوسی، سعدی؛

«انیس العشاق» شرف الدین رامی // خبرنامه دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه، سال ۲۰۰۰م؛

«انیس العشاق» شرف الدین رامی در خصوص چشم ها و مژگان عاشق // دوران اسارت: (یادبود سرگی سرگیویچ تسلینیکر ۵۰)، مسکو، سال ۲۰۰۰م؛

تقلید شعرسرایان شرق: آشنایی نظم روسی و شعر عربی - فارسی // فلسفه مقایسه ای، مسکو، ادبیات شرق، سال ۲۰۰۰م؛

^{۹۰} Cergei Cergeevich Tselniker

مولفین رساله شعرشناسی در خصوص اولین نسل شاعران ایرانی // میراث فرهنگی ایران در آستانه قرن بیست و یکم، کنفرانس بین‌المللی مشکلات اساسی ایران‌شناسی: (فلسفه، ادبیات، هنر)، مسکو، ۲۰۰۱م؛

The Mystery of the White Hand: Sharaf al-Din Rami on the art of deciphering poetry // Persica-XVII, ۲۰۰۱. P. ۱۱-۲۵.

Hada'eq al-Sehr // Encyclopaedia Iranica (ed. by E. Yarshater). Bibliotheca Persica Press. NY, ۲۰۰۲, Vol. XI, fasc. ۴. P. ۴۳۵; Hosn-e ta'lil //

شعر کلاسیک فارسی: تکوین // یادبود گریگوری آلکساندروویچ تکاچنکو، مسکو، سال ۲۰۰۲م. با همکاری مارینا ریسنر؛

ادبیات کلاسیک فارسی // تحقیقات ادبی شرق، روسیه. قرن بیستم، مسکو، سال ۲۰۰۲م؛

شعر کلاسیک فارسی و توصیف پدیده‌های زیبایی // یادبود اندیشه ادبی شرق، مسکو، سال ۲۰۰۴م؛

«صوفی‌گری روسی» ترجمه و تفسیر غزلیات (با همکاری پریگارینا و روسانوف) // ایران و اسلاویکا، سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹م، شماره ۲۰-۱؛

Persian Rhetoric: 'Elm-e badi' and 'elm-e bayân // General Introduction to Persian literature: A History of Persian Literature, J. T. P. De Bruijn (Editor). Vol. ۱., I.B. Tauris, London and New York, ۲۰۰۸.

نظامی. لیلی و مجنون / مقدمه، ترجمه از فارسی و تفسیر کتاب، با همکاری
روسانوف، مسکو، سال ۲۰۰۸م؛
رومی، جلال الدین محمد. مثنوی معنوی. دفتر چهارم. ترجمه از زبان فارسی و
تفسیر. کار مشترک لاهوتی، پریگارینا، روسانوف و چالیسوف، سال ۲۰۱۰م؛

الکساندر آناتولیوچ ورتینیکوف^{۵۱}



الکساندر ورتینیکوف در هفتم ژانویه ۱۹۴۷ متولد شد. تحصیلات دانشگاهی خود را به خاطر علاقه به زبان های شرقی در انستیتوی زبان های شرقی آغاز کرد. هوش سرشار وی کمک کرد تا بتواند در سال ۱۹۷۱ با نمرات بالا تحصیلاتش را در مقطع کارشناسی ارشد انستیتوی زبان های شرقی دانشگاه دولتی مسکو لمانوسوف به پایان رساند. وی در سال ۱۹۸۶ دوره دکتری را به اتمام رسانده و در سال ۱۹۹۷ به درجه پروفسوری رسیده است.

طی سال های ۱۹۷۰-۱۹۶۹ جهت انجام ماموریت به ایران اعزام شده است. یک سال پس از آن یعنی در سال های ۱۹۷۴-۱۹۷۱ جهت انجام ماموریتی دیگر عازم افغانستان می شود. در فاصله سال های ۱۹۷۵-۱۹۷۴ به کار ویراستاری می پردازد و از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱ کار تدریس را به عنوان حرفه ثابت خود برمیگزیند. هم اکنون وی در دانشکده آسیا و آفریقا، دانشکده علوم انسانی

^{۵۱} Veretnikov Aleksandr Anatolevich

دوستی ملل و دانشگاه دولتی زبان شناسی مسکو به تدریس زبان های فارسی و دری مشغول می باشد. .

الکساندر ورتینیکوف از سال ۲۰۰۱ به درجه پروفسوری رسیده و در گروه زبان های خارجی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه دوستی ملل به فعالیت های علمی و کاری خود ادامه داده است.

شمار تالیفات وی در حدود هفتاد مطلب علمی و علمی - آموزشی می باشد. اهم تحقیقات و تالیفات این استاد برجسته شرقشناس به حوزه اصطلاحات و واژه شناسی زبان فارسی، روش آموزش زبان فارسی و دری اختصاص دارد.

وی دو مرتبه برای گذراندن دوره های تکمیلی در سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴ عازم دانشگاه تربیت مدرس تهران و دانشگاه شیراز شده است.

عبدالله فیروزه عبادلایوا^{۵۲}

استاد گروه زبان‌شناسی ایرانی در دانشکده شرقی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ. وی به تدریس زبان فارسی معاصر و کلاسیک (ترجمه‌های اشعار فارسی معاصر در مجموعه «شاعران جدید ایران در ساحل نوا، سنت پترزبورگ، «آلتییا»، ۱۹۹۹» می‌پردازد. تالیفات فیروزه عبادلایوا از قرار زیر است:

«شاعران غزنه» که بر اساس موضوع آن یک کتاب آموزشی نیز تالیف شده است.

«فرخی سیستانی شاعر ایرانی قرن یازده و قصیده‌های وی «با کاروان حله»؛

تفسیرهای اولیه فارسی: بر اساس این کتاب نیز «تفسیر قران در قرن یازده» بر مبنای نسخه‌های خطی لاهوری آماده چاپ می‌شود؛

ولی علاوه بر این، در زمینه ترجمه و تفسیر نیز تبحر دارد.

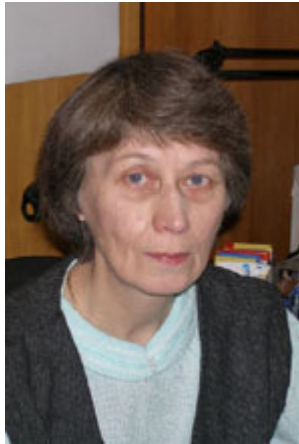
موضوع پایان‌نامه دکتری خود را «شرح معنایی - دستوری تفسیر لاهوری (تفسیر قران) در قرن یازده» برگزید. باگالیووف در دانشگاه سنت پترزبورگ استاد راهنمای وی در این کار بسیار ارزنده بود.

حوزه علایق وی به موارد زیر اختصاص دارد:

شرح بخش فارسی مجموعه نسخه‌های خطی بخش شرقی کتابخانه سنت پترزبورگ و چاپ کاتالوگ؛

تفسیر فارسی: گزیده آثار در خصوص پژوهش‌های نسخ‌های خطی اصلی مربوط به تفسیر فارسی قران از مجموعه سنت پترزبورگ آکادمی علوم روسیه آماده چاپ می‌شود؛

^{۵۲} Abdollayeva Firooza Ibadollaevna

یلنا گلادکوا^{۵۳}

فارغ التحصیل انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقای دانشگاه دولتی مسکو (۱۹۷۹ م-۱۳۵۷ هـ ش) در رشته زبان و ادبیات فارسی. وی دوره دکترای خود را در همین دانشگاه طی سال های ۱۹۷۹ - ۱۹۸۲ به پایان رسانده و از رساله دکتری با موضوع " آواشناسی: وزن کلمات فارسی (تجربه تحقیقات کاربردی) " با موفقیت دفاع کرده است.

از سال ۱۹۸۲ در دانشگاه روابط بین‌المللی مسکو به تدریس زبان فارسی می پردازد . وی همچنین از سال ۱۹۹۷ معاون رییس گروه آموزشی زبان های هندی و ایرانی و آفریقایی می باشد. گلادکوا از سال ۲۰۰۴ ریاست گروه آموزش زبانهای هندی، ایرانی و آفریقایی را بر عهده دارد.

تألیف کتاب: شش کتاب آموزش زبان فارسی (ایران‌شناسی، روابط بین‌الملل، روابط بین‌المللی اقتصادی). (فهرست ضمیمه شده به زبان روسی)

^{۵۳} Gladkova Elena

مقالات: تقریباً ۱۵ مقاله در رشته واژه‌شناسی و واژه‌گزینی (واژه‌های سیاسی و اقتصادی). برنده سیزدهمین جایزه «کتاب سال در ایران» در سال ۱۳۸۴ (ایران‌شناسی، کتاب به زبان خارجی، تالیف مشترک با ولادیمیر ایوانف)، برنده جایزه فردوسی (رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۷). همچنین در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) مفتخر به دریافت جایزه وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه به خاطر ادای سهم چشمگیر در امر تهیه کادر برای سرویس سیاسی فدراسیون روسیه شده است.

تالیفات:

کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی:
 کتاب آموزش زبان فارسی، مسکو، ۱۹۹۹؛
 کتاب آموزش زبان فارسی. کشور شناسی، چاپ دوم، با اصلاحات، مسکو، ۲۰۰۰؛
 کتاب آموزش ترجمه اجتماعی - سیاسی برای دانشجویان سال سوم دانشکده روابط بین‌الملل، مسکو، ۲۰۰۲؛
 کار مشترک با ایوانف «کتاب آموزش زبان فارسی. بخش دوم»، مسکو، ۲۰۰۴؛
 کتاب کمک آموزشی ترجمه اجتماعی - سیاسی (زبان فارسی) برای دوره‌های پیشرفته و دوره کارشناسی ارشد. بخش اول، مسکو، ۲۰۰۵؛
 کتاب کمک آموزشی ترجمه اجتماعی - سیاسی (زبان فارسی) برای دانشجویان رشته روابط بین‌الملل و منطقه‌شناسی. چاپ دوم، مسکو، ۲۰۰۷؛

زبان فارسی برای اقتصاد دانان: کتاب کمک آموزشی برای دوره های پیشرفته و دوره کارشناسی ارشد، مسکو، ۲۰۰۸؛

کار مشترک گلادکوا، سیمیونوا، میلخینا «زبان فارسی. ترجمه اجتماعی - سیاسی»، برای دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه روابط بین الملل، مسکو، ۲۰۱۰؛

مقالات:

برخی از ویژگی های نحوی سبک روزنامه نگارانه - سیاسی و علمی در زبان فارسی // زبانشناسی در دانشگاه روابط بین الملل، شماره ۲، مسکو، ۲۰۰۰؛

زبان فارسی - مالکیت ملی ایران»، انتشارات «رودینا»، شماره ۵، ۲۰۰۱؛
برخی از ویژگی های آهنگین زبان فارسی // علم زبانشناسی در دانشگاه روابط بین الملل، شماره ۱۱ (۲۶)، مسکو، ۲۰۰۲؛

بررسی واژه های اجتماعی - سیاسی در زبان فارسی معاصر، مجموعه مقالات «زبانشناسی شرق»، مسکو، ۲۰۰۳؛

نگاهی به مساله ساخت واژه های اجتماعی - سیاسی در زبان فارسی معاصر // مجموعه «زبانشناسی شرق»، مسکو، آکادمی علوم روسیه، ۲۰۰۳؛

روند واژه سازی در زبان فارسی معاصر // علم زبانشناسی در دانشگاه روابط بین الملل، شماره ۱۸ (۳۳)، مسکو، ۲۰۰۴؛

برخی ابعاد توسعه زبانشناسی در ایران پس از انقلاب اسلامی // مجموعه مقالات: «بیست و پنج سال انقلاب اسلامی»، مسکو: آکادمی علوم روسیه، ۲۰۰۵؛

مساله واژگان جدید زبان فارسی معاصر در ارتباط با درک آنها // علم زبانشناسی، مسکو، ۲۰۰۵؛

«ویژگی های آموزش زبان های نادر (به طور مثال زبان های شرقی) // علم زبانشناسی در دانشگاه روابط بین الملل: مجموعه آثار: شماره ۳ (۴۶)، مسکو، ۲۰۰۸؛

«وند ها به عنوان شیوه ای برای ساخت واژگان جدید در حوزه سیاسی - اجتماعی زبان فارسی معاصر // خبرنامه دانشگاه زبانشناسی مسکو، سری زبانشناسی، شماره ۵۵۱، مسکو، ۲۰۰۸؛

«ویژگی های آموزش زبان های شرقی» // مونوگرافی برای مدل تدریس و سیستم بارم بندی و استراتژی توسعه بخش های مختلف آن، مسکو، ۲۰۰۸؛
«مساله پیشوند افزایی برای ساخت واژگان جدید» // مجموعه «ایران. تاریخ. اقتصاد، فرهنگ، یادبود پروفیسور علی یف، مسکو، ۲۰۰۹؛

«برخی از ویژگی های توسعه واژگان سیاسی زبان فارسی معاصر پس از انقلاب اسلامی» // مجموعه «سی سال انقلاب اسلامی ایران: نتایج و چشم انداز توسعه»، مسکو، ۲۰۱۰؛

زبان سیاست به عنوان زبان دولتی و انعکاس آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسکو، ۲۰۱۰؛

لانا مجیدونا راوندی فدایی

لانا راوندی فدایی متولد ۱۳ می سال ۱۹۷۰م. در باکو است. وی در سال



۱۹۹۱م. دانشکده شرقی را در دانشگاه دولتی باکو به پایان رساند و در سال ۱۹۹۷م. مدرک کارشناسی ارشد خود را با تخصص منطقه شناسی در دانشکده روابط بین الملل دانشگاه دولتی مسکو دریافت کرده و از سال ۱۹۹۸م. به عنوان کارشناس علمی دانشکده شرقشناسی

آکادمی علوم روسیه در بخش ایران مشغول به فعالیت شد.

در سال ۲۰۰۲م. از رساله دکتری خود در رشته علوم تاریخ با موفقیت دفاع کرد.

لانا راوندی تا کنون بیش از ۸۰ مقاله علمی و پژوهشی در خصوص مسایل سیاسی ایران امروز تالیف کرده است.

وی به عنوان کارشناس مسایل ایران از طرف دانشکده خاورشناسی آکادمی علوم روسیه در بسیاری از کنفرانس های بین المللی از جمله در ایران، ایالات متحده امریکا، ایتالیا، هلند و تاتارستان شرکت داشته است. در غالب میزگردهای تخصصی مرکز کارنگی مسکو، خبرگزاری ریانووستی، رادیو «صدای روسیه»، کانال تلویزیونی «Russia Today» شرکت فعال دارد.

سال ۲۰۱۰، یک مونوگرافی با نام «احزاب سیاسی و گروهک های ایران» در مسکو به چاپ رسانده است.

پاول ویکتورویچ بشارین^{۵۴}



دکتر علوم تاریخ در مسکو.

بشارین استاد ارشد گروه تاریخ و تئوری علوم تاریخی در انستیتوی تاریخ دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه می باشد. وی همچنین ریاست اتاق ایران در این دانشگاه را نیز بر عهده دارد. حوزه فعالیت های علمی به فلسفه کلاسیک شرق، اسلام شناسی، تاریخ و فرهنگ ایران مربوط می شود. بشارین در دانشگاه علوم انسانی به تدریس «فلسفه» و «فلسفه شرق» مشغول است. وی بیش از ده اثر برجسته علمی دارد.

اهم آثار :

مساله انعکاس فرضی اصواتی که در حنجره تولید می شوند (در خصوص زبان های ایرانی) / کنفرانس بین المللی ایران: سنت های فرهنگی و پویایی در توسعه، سال ۲۰۰۶م؛

^{۵۴} Basharin Pavel Viktorovich

انعکاس نظریه «انا الحق» الحلاج در سنت صوفیان بعد از وی / ایران: سنت های فرهنگی و تاریخی و پویایی توسعه: کنفرانس بین المللی ایران، سال ۲۰۰۶م؛ شرح وقایع سمینارهای گروه ایرانشناسی دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه طی سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳م، مجله زبانشناسی مسکو، سال ۲۰۰۴م؛ یادى از ماکسیم سرگیویچ کیکتف // خبرنامه دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه، سری «زبانشناسی / مجله زبانشناسی مسکو: شماره ۹، سال ۲۰۰۷م؛

مارینا ساموایلونا کامنوا



وی محقق ارشد بخش ایران مرکز مطالعات کشورهای خاور نزدیک و خاور میانه پژوهشکده شرق شناسی آکادمی علوم روسیه ، استاد زبان های خارجه (زبان فارسی) دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه دوستی ملل روسیه و دارای مدرک دکترای علوم زبان شناسی می باشد

در سال ۱۹۷۱م. با نمرات عالی دانشکده زبان های شرقی دانشگاه دولتی مسکو را در رشته " زبان و ادبیات فارسی " با صلاحیت " زبان شناس - شرق شناس ، مترجم - مرجع " به اتمام رساند. در سال ۱۹۷۶ م. از پایان نامه خود با عنوان " تمایز اجتماعی و سبک زبان فارسی مدرن دفاع کرد.

کامنوا کارشناس در زمینه مشکلات زبان فارسی و ایرانی، مسائل گسترش فرهنگ ایرانی از جمله در زمینه نظریه گفتگوی تمدن ها می باشد. وی بیش از ۶۰ عنوان مقاله ، مجموعه های مونوگرافی و کتاب های مرجع در روسیه و خارج از کشور از جمله در ایران به زبان فارسی دارد و عضو هیات تحریریه تعدادی از مجموعه های مقالات در خصوص مسائل ایران است.

او بارها در کنفرانس ها و گردهمایی ها ، سمینارها و میز گرد ها شرکت کرده ، و عضو انجمن اروپایی ایران شناسان است.

از سال ۲۰۰۵ م. ، عضو دائمی هیات داوران المپید زبان و ادبیات فارسی در کل روسیه است.

از سال ۱۹۹۴ م. تا ۱۹۹۷ م. در محل کار شوهرش در دهلی (هندوستان) به عنوان سخنران در گروه زبان های اسلاو و فنلاندی دانشگاه دهلی کار می کرد.

در حال حاضر مشغول کار بر روی مونوگرافی است که شامل پایان نامه ی دکترا با موضوع " تحولات جامعه ایرانی و انعکاس آن در زبان فارسی " می باشد.

مصاحبه با تنی چند

از ایرانشناسان

خانم مارینا لوونا ریسنر^{۵۵}

لطفا بفرمایید چه سالی و در کدام دانشگاه تحصیل کرده اید؟

متولد سال ۱۹۵۴ در مسکو هستم. در فاصله سال های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ دوره کارشناسی ارشد خود را در انستیتوی آسیا و افریقا وابسته به دانشگاه دولتی مسکو به پایان رساندم. در سال ۱۹۸۰ وارد دوره دکتری، سال ۱۹۹۶ وارد فوق دکتری، سال ۱۹۹۱ دانشیار و سال ۲۰۰۱ دوره پرفسوری را به پایان رساندم.

موضوع رساله دوره دکتری را «مراحل اصلی توسعه غزلیات زبان فارسی در قرون دهم تا چهاردهم» انتخاب کردم و موضوع دوره فوق دکتری «قصیده های زبان فارسی در دوران قبل از حکومت مغول های (قرن یازده تا اوایل قرن سیزده). پیدایش و تحول» بود.

من تحصیلات خود را در رشته ایرانشناسی سال ۱۹۷۶ در دانشگاه آسیا و آفریقا وابسته به دانشگاه دولتی مسکو به پایان رسانده ام.

^{۵۵} Marina Lvovna Reisner

چه چیزی شما را جذب این رشته کرد؟

چند عامل در انتخاب این رشته تاثیر داشتند: اول از همه، در خانواده ای بزرگ شده ام که تقریباً همه شرقشناس بوده اند. پدر و پدر بزرگم در زمینه تاریخ و اقتصاد شرق (هند و افغانستان) فعالیت داشتند. هر دو زبان فارسی می دانستند، اما البته، به این زبان تسلط نداشتند. عامل دوم این بود که من از همان دوران ابتدایی مدارس به ادبیات، و خصوصاً شعر علاقه خاصی داشتم. به همین خاطر، تاریخ ادبیات زبان فارسی را در حوزه علایق خود قرار داده و کاملاً آگاهانه این رشته را در دانشگاه انتخاب کردم.

پس از پایان تحصیلات به چه کاری مشغول شدید؟

ابتدا وارد دوره دکتری شدم، البته، از همان روزهای اول دوره دکتری کار تدریس را نیز آغاز کردم. سی سال است که به کار تدریس می پردازم. این کار را با علاقه انجام می دهم و امیدوار هستم که بتوانم شاگردان خوبی تربیت کنم. شاگردانی که بتوانند راه پر فراز نشیب این رشته را ادامه دهند.

در حال حاضر در گروه زبانشناسی ایران انستیتوی آسیا و آفریقا (ایسآ) وابسته به دانشگاه دولتی مسکو لمانوسوف هستم. در فاصله سال های ۱۹۷۶-۱۹۷۹ دانشجوی دوره دکتری تاریخ ادبیات ایران در ایسآ بودم. سال های ۱۹۸۰-۱۹۸۳ در گروه تاریخ ادبیات ایران در همین انستیتو کار تدریس خود را آغاز کردم. در سال های ۱۹۸۳-۱۹۸۹ استاد گروه زبانشناسی ایران در ایسآ بودم. بین سال

های ۱۹۹۰-۱۹۸۹ استاد ارشد گروه زبانشناسی ایران در ایسآ شدم و سال های ۱۹۹۰-۱۹۹۹ در سمت استاد یاری همین گروه قرار گرفتم. از سال ۱۹۹۹ تا به امروز نیز پروفسور گروه مذکور می باشم.

حوزه علایقم مربوط به ادبیات ایران در قرون وسطی است: ادبیات قرون وسطی به زبان فارسی، ادبیات ایران در سیستم سنت های منطقه ای طی دوران قرن وسطی.

در دانشگاه دوسر تاریخ ادبیات ایران، تاریخ ادبیات خاور میانه و خاور نزدیک در قرون وسطی (دوره عمومی «تاریخ ادبیات جهان»)، شعرسرایی کلاسیک فارسی (دوره «شعر سرایی کلاسیک شرق») را تدریس می کنم.

چه آثار و تالیفاتی دارید؟

مونوگرافی ها:

- تحول غزل های کلاسیک در زبان فارسی (صده های دهم تا هفدهم)، مسکو، ۱۹۸۹؛

- «نظم حماسی فارسی. پیدایش و تکامل قصیده های کلاسیک»، مسکو، نشر «ناتالیس»، ۲۰۰۶؛

- تالیک کتاب درسی: «تاریخ ادبیات ایران در قرن نهم تا هفدهم»، کار مشترک با آ. ن. آرداشنیکوا، مسکو «انتشارات کلوج - س» ۲۰۱۰؛

- بیش از هفتاد مقاله در خصوص مسایل مختلف تاریخ اشعار کلاسیک فارسی؛

- مسایل مطالعه مقایسه ای اشعار عربی و فارسی (بحث تخلص) // خبرنامه دانشگاه مسکو، سری ۱۳، شرقشناسی، شماره ۴، ۱۹۸۳؛
- غزل در سیستم شعر کلاسیک ایرانی صده یازده تا پانزده // خبرنامه دانشگاه مسکو، سری ۱۳، شرقشناسی، شماره ۳، ۱۹۸۶؛
- قصیده در سیستم شعر کلاسیک ایرانی قرن یازده تا پانزده // خبرنامه دانشگاه مسکو، سری ۱۳، شرقشناسی، شماره ۳، ۱۹۹۴؛
- دگرگونی شکل سنتی در آثار منظوم عبدالله انصاری (قرن یازده) // اشعار دوره قرون وسطی شرق. سنت ها و فردگرایی خلاق، مسکو، ۱۹۹۴؛
- پرندگان در قصیده های عرفانی - نمادین سنتایی و خاقانی (قرن دوازده) (در خصوص مشکلات زبان نمادین در قصاید کلاسیک فارسی // تحقیقات زبان شناسی. چاپ اول، مسکو، ۱۹۹۷؛
- شرح اعیاد ایران در دوران قبل از اسلام در اشعار کلاسیک صده ده تا دوازده (به عنوان مثال نوروز) // فولکلور و افسانه های شرق در تحقیق مقایسه ای، مسکو، ۱۹۹۹؛
- «خدمت و تعهد» در شعرسرایی قرن های یازده - دوازده ایران // تحقیقات زبانشناسی فارسی. چاپ دوم، مسکو، ۱۹۹۹؛
- «ترانسپوزیشن» به عنوان بخشی از شعرسرایی: مساله تحول در شعرسرایی کلاسیک فارسی // تحقیقات زبانشناسی فارسی. چاپ سوم، مسکو، ۲۰۰۱؛
- کار مشترک با چالیسوف ن.یو. شعر کلاسیک فارسی: مساله پیدایش، مسکو، ۲۰۰۲؛

کنفرانس های علمی:

نشست ایرانشناسان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز (تهران، ۱۹۹۴)

نشست بین المللی «استپ و انسان» (دیزون، ۱۹۹۷)

۲۰- مین کنگره اتحادیه اروپا مختص عربشناسان و اسلام شناسان (بوداپست، ۲۰۰۰)

۲۱- مین کنگره اتحادیه اروپا مختص عربشناسان و اسلام شناسان (پالرمو، ۲۰۰۲)

مدیریت پروژه همکاری انستیتوی ایسا با دانشکده شرقشناسی داغستان در حوزه «برنامه حمایت از گروه» (انستیتوی «جامعه آزاد» بنیاد ساروس، روسیه)

چه چیز باعث بوجود آمدن ایده نوشتن کتاب «شعر حماسی فارسی» در شما شد؟
پس از دفاع دوره دکتری در سال ۱۹۹۶، کار روی کتاب دوم را آغاز کردم. این موضوع به نحوی با رساله دوره دکتری من نزدیکی داشت. البته، مونوگرافی نیاز به باز کردن مساله و جمع آوری مطالب هم داشت. می توانم به جرات بگویم که ده سال طول کشید تا کار جمع آوری مطالب و نوشتن کتاب را به پایان برسانم.

آیا تا به حال ایران رفته اید؟

بله، چندین بار به ایران رفته ام. بار اول سال ۱۹۷۸، پس از آن نیز در سال های ۱۹۹۴، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۵. خاطره خوشی از حضور در ایران دارم، خصوصا آخرین سفرم که برای شرکت در یک کنفرانس در شهر تبریز بود، بسیار عالی بود. طی این سال ها در چند شهر دیگر هم بوده ام، از جمله تهران، اصفهان، مشهد،

تبریز، مراغه، شیراز، نیشابور و چند شهر دیگر ایران که نمایانگر فرهنگ این مرز و بوم هستند.

چه مشکلاتی در راه آموزش زبان فارسی در روسیه می بینید؟

در سال های اخیر تحصیلات در روسیه همچون سابق نیست: تغییراتی که در آموزش و پرورش ایجاد شده، با هدف بالابردن سطح تحصیلات در کشور بوده است، اما متأسفانه سیستم قدیم مطالب علمی را دچار خدشه کرده و تاثیر منفی خود را بر رشته شرقشناسی هم نشان داده است. امروز شاهد این رخداد ناخوشایند هستیم که زمان مربوط به آموزش زبان های شرقی و ادبیات این کشورها که از جمله آنها زبان و ادبیات فارسی است، رو به کاهش گذاشته است. همین مساله باعث می شود که تعداد متخصصان آتی دانشگاه ها روند منفی داشته باشند.

یکی از اقدامات اخیر ج.ا.ایران در روسیه، راه اندازی بنیاد ایرانشناسی با حضور اساتید برجسته روس و ایرانی است. فکر می کنید، این اقدام تا چه اندازه می تواند در پیشبرد اهداف تدریس زبان فارسی و رشته ایرانشناسی مفید واقع شود؟

این بنیاد قابلیت های بسیاری دارد و می تواند برای دانشجویان و اساتید بسیار مفید واقع شود. به عبارتی بنیاد می تواند نه تنها یک مرکز اطلاعاتی در زمینه رشته های مختلف ایرانشناسی که حتی مرکز ارتباط و تبادل تجربیات محققان و اساتید این رشته باشد. بنیاد می تواند به کارهایی از قبیل ترجمه کتب (علمی و

هنری) از زبان روسی به فارسی و یا فارسی به روسی بپردازد. البته، تا جایی که من اطلاع دارم، این برنامه در فهرست فعالیت های مجموعه مذکور وجود دارد.

شما آینده زبان فارسی را در روسیه چطور می بینید؟ تا چه حد این زبان در روسیه امروز مورد نیاز است و یا به عبارت کلی تر، جایگاه زبان فارسی در روسیه را چطور ارزیابی می کنید؟

طی سال های اخیر تعداد دانشجویان زبان فارسی در روسیه به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. این مساله، البته، به خاطر افزایش مراکز شرقشناسی در سایر مناطق روسیه از قبیل قازان، اواف، آستاراخان، ماخاچ قلعه، کراسنودار و غیره می باشد. ما امیدوار هستیم که ارتباط دایمی میان مراکز قدیمی زبانشناسی از قبیل مسکو و سنت پترزبورگ با مراکز جدید موجبات علاقه مندی و توجه به فرهنگ ایران را در روسیه به طور مناسبی فراهم سازد.

به اعتقاد شما، چه راه هایی برای جذب دانشجویان به زبان فارسی و تشویق و ترغیب آنها وجود دارد؟

من فکر می کنم که بایستی یک سایت اینترنتی مخصوص تهیه شود، به طوریکه در آن اطلاعات کاملی از ایران چه از نظر فرهنگی، چه ادبی و قوم شناسی و خصوصیات مردمی گنجانده شده باشد. می توان در کنار اطلاعات تصاویر و کلیپ های ویدئویی نیز از حوزه های مختلف فرهنگ زندگی مردم ایران در گذشته و حال قرار داد.

علاوه بر این، از آنجایی که علاقه به فرهنگ و تاریخ ایران در روسیه از ریشه های عمیق تاریخی برخوردار است، بایستی به مساله ترجمه آثار قدیمی ایرانی از فارسی به روسی توجه زیادی داشت. می تواند بهترین کتب و یا معروف ترین آثار معاصر را جهت معرفی و ارایه به مردم روسیه، از زبان فارسی به روسی برگرداند. حتی بنیاد ایرانشناسی نیز می تواند بخشی از این کار را بر عهده خود بگیرد.

می توان برنامه هایی برای معرفی بهترین ترجمه آثار کلاسیک یا معاصر ادبیات فارسی به زبان روسی ترتیب داده و با اهدای جایزه، افراد را به این سوی ترغیب کرد. متأسفانه شکاف فقط در آموزش و بررسی ادبیات ده ساله اخیر نیست، بلکه در تحقیقات مربوط به آثار فولکلور نیز می باشد.

چه انتقادی از شرایط حاضر و یا عملکرد مسئولین ایرانی و روس در رشته ایرانشناسی دارید؟ و یا چه توصیه ای در این زمینه می کنید؟

من خیلی دوست دارم که برنامه ای ویژه برای بررسی شرایط امروز ادبیات ایران (پس از سال های ۱۹۷۸) تدوین کرده و کتابخانه ای از نثر نویسندگان معاصر و شاعران در بنیاد ایرانشناسی ج.ا.ایران ایجاد کنم. باید آرشیوی از بهترین فیلم های سینمای ایران امروز برای آشنایی دانشجویان روس با دستاوردهای سینمایی ایران تهیه کرد. علاوه بر این، بنیاد ایرانشناسی می تواند نمایشگاه های مختلف هنری و فستیوال های موسیقی و تئاتر ترتیب دهد.

E-mail: arperphil@aport۲۰۰۰.ru

"نینا میخایلونا مامدوا"

مدیر گروه ایران در دانشکده خاورشناسی آکادمی علوم روسیه



دانشگاه خاورشناسی آکادمی علوم روسیه امسال ۱۹۲ سالگی خود را جشن خواهد گرفت. این دانشگاه در نوامبر سال ۱۸۱۸ وابسته به موزه آسیایی آکادمی علوم امپراطوری تاسیس شد. در سال ۱۹۱۷ وظایف مهمی را پیش روی خود قرار دادند که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد: تحقیقات بنیادین در شاخه های مختلف علوم شرقشناسی بایستی به برقراری ارتباط با کشورهای شرق کمک کرده و با هدف تقویت اعتبار حکومت جوان روسیه و تبلیغات ایده های سوسیالیستی باشد. در حال حاضر این دانشکده تبدیل به مرکز برجسته علمی در سطح جهانی شده است و توانسته مکاتب مختلف تحقیقات شرقشناسی و موضوعات مختلف را تحت پوشش قرار دهد.

مناطق مورد تحقیق این دانشکده از سواحل غربی شمال آفریقا شروع شده تا جزایر اقیانوس آرام پیش می‌روند و وقایع شماری تاریخ، تمام دوره‌های تاریخی شرق از دوران باستان تا عصر کنونی را در بر می‌گیرد. متخصصین دانشکده خاورشناسی نه تنها همه ساله در کنفرانس‌های بین‌المللی مختلف و کنگره‌ها شرکت فعال دارند، بلکه خود نیز در سازماندهی نشست‌هایی در سطح جهانی حضور دارند که از جمله آنها می‌توان به کنفرانس سال ۲۰۰۸، با عنوان «روسیه و دنیای اسلام» با حضور نمایندگان جهان علم و سیاستمداران و مذهب‌یون از کشورهای مختلف اشاره داشت. در میان اتاق‌های مختلف این دانشکده، اتاق ایران که سر در آن با خطی زیبا به زبان فارسی نوشته شده است، توجه همه را به خود جلب می‌کند. مدیریت این اتاق و یا به عبارت بهتر، این گروه فعال را خانم نینا میخایلووا مامدوا بر عهده دارد که در حوزه ایران‌شناسی پیشینه‌ای بس طولانی دارد. در این شماره گپی دوستانه با خانم مامدوا انجام داده ایم که در زیر به خوانندگان عزیز ارائه می‌کنیم.

خانم مامدوا قبل از هر چیز برای ما خیلی جالب است که بدانیم چه چیزی شما را به این رشته، یعنی ایران‌شناسی جذب کرد، چه چیزی عامل اصلی برای انتخاب این رشته بود؟

البته در حال حاضر من در دانشگاه ام‌گی مو بنا به خواست خودم، به تدریس اقتصاد ترکیه و افغانستان و همچنین به بررسی مسایل توسعه اقتصادی آسیا و ماوراء قفقاز هم مشغولم، اما باید بگویم که این موضوع از چندی پیش شروع

شده است. زندگی من در حوزه شرقشناسی، با ایران شروع شد. حتی تز دوره دکتری من هم در رابطه با مساله جنبش همگانی در ایران بود. در همان زمانی که همه معتقد بودند چنین جنبشی در ایران رخ نخواهد داد، من توانستم نظر خودم را در خصوص وقوع و تاثیر آن بر شرایط اقتصادی و همچنین اجتماعی ثابت کنم.

البته تمایلم برای انتخاب این رشته تا حد زیادی به مسایل شخصی زندگیم مربوط می شود. همسر اول من یک ایرانی توده ای بود و اولین کارم را به او تقدیم کردم، از همان زمان هم من همچنان فعالانه به این رشته پرداخته ام. همسر دوم من روس است، و می شود گفت که البته علایق من به ایران شناسی و شرقشناسی به نحوی به همسر و پسر هم سرایت کرده است.

با گذشت زمان طولانی و فعالیت در این رشته می توانم به جرات بگویم در حال حاضر بسیار خرسندم که زندگیم را در این رشته و برای بررسی ابعاد مختلف ایران گذاشتم. ایران به عنوان یک کشور بدون در نظر گرفتن مسایل خاص، مورد علاقه من است. و حوادثی که در این کشور رخ می دهد، چه خوب و چه بد برای من مهم و با ارزش هستند، به عبارتی می شود گفت که من همراه با مردم ایران در مسایل مختلف نگران می شوم، همراه با آنها شادی می کنم و به نحوی در تمام هیجانات آنها خودم را شریک احساس می کنم.

شما در ایران هم زندگی کردید یا سفری به آنجا داشتید؟

نه، من هیچ وقت در ایران زندگی نکردم. اولین باری که به ایران سفر کردم سال ۱۹۹۷ بود، زمانی که دیگر در سمت مدیر گروه ایرانشناسی قرار داشتم. در دوره شوروی، خروج از کشور برای کارمندانی که با غیر روس ازدواج کرده بودند، غیر ممکن بود. البته کسانی هم بودند که از کشور خارج شدند، اما من در هر صورت نتوانستم به ایران سفر کنم. (خانم مامدوا در اینجا حتی با لحن شوخی گفت: حتی من را به سفارت هم هیچ وقت دعوت نکردند).

چه احساسی داشتید وقتی بار اول به ایران سفر کردید؟

خیلی نگران بودم، نگران از اینکه نکده تمام تصوراتم از ایران و آنچه که همیشه برای خودم مجسم می‌کردم، درست نباشد و با چیزی کاملاً متفاوت روبرو بشوم. من همیشه یک تصور کاملاً رمانتیک از ایران داشتم. البته در آن زمان من چهار کتاب درباره ایران نوشته بودم. منظورم اینه که ایران را به خوبی می‌شناختم، با همه چیز اون آشنا بودم، اما بالاخره یه حس غریب و نگرانی هم همراهم بود.

اگر ممکنه عنوان کتابها رو هم معرفی کنید.

اولین کتابم که موضوع پایان نامه دکتری هم بود، همان «جنبش همگانی در ایران»^{۵۶} نام دارد، پس از آن کتاب دیگری نوشتم با عنوانی بسیار پیچیده

^{۵۶} Кооперация в Иране

«تمرکز سرمایه^{۵۷} در ایران»، سپس کتاب «تشکیلات اقتصادی شهری^{۵۸}». بعد از آن «ایران در قرن بیستم. نقش دولت در توسعه اقتصادی^{۵۹}» و مدتی پیش هم من و ناتالیا اولچنینکا^{۶۰}، همکارم یک مونوگرافی تهیه کردیم که او بخش ترکیه را انجام داد و من بخش ایران. این مونوگرافی در خصوص «ویژگی های توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان^{۶۱}» است و به عنوان نمونه ایران و ترکیه را انتخاب کردیم. البته غیر از آن مطالب زیادی هم به صورت مجموعه های مونوگرافی دارم که در حال حاضر در دانشگاه ام گی مو تدریس می کنم. علاوه بر تدریس در ام گی مو، با دانشگاه اقتصاد همکاری دارم که آنجا بیشتر به ابعاد حقوقی می پردازیم. همیشه در آثارم سعی کرده ام و سعی می کنم که نگاه و ذهنیت مثبت خودم را به خوانندگان انتقال بدم.

آیا شما در سمینارهای ایران و روسیه هم شرکت داشتید و آیا جوایزی هم در این سمینارها دریافت کردید؟

البته، همیشه شرکت فعال دارم. من به عنوان مدیر گروه ایرانشناسی حتما باید در تمام این برنامه ها شرکت داشته باشم. ولی در خصوص جایزه یا امثال آن، باید بگویم خیر، نه از ایران و نه از روسیه تا به الان چیزی دریافت نکردم. اصولا در مورد افراد به این صورت است که وقتی شخص از فعالیت دست می کشد، تازه قدردانی ها و جوایز شروع می شوند. البته این را هم بگویم که من

^{۵۷} Концентрация происхождения и капитала в Иране

^{۵۸} Городское предпринимательство

^{۵۹} Иран в XX веке Роль государства в экономическом развитии

^{۶۰} Наталия Олчинка

^{۶۱} Особенности экономических развитий мусульманских стран

اصلا علاقه‌ای به این عناوین و جوایز و امثالهم ندارم، به عبارتی به دنبال کسب چنین چیزهایی نبودم.

از بین دانشجویانی که تا کنون تربیت کرده‌اید، به نظرتون کدام یک می‌تواند راه شما را به نحو شایسته ادامه بدهد؟

در حال حاضر من دو دانشجوی دوره دکتری دارم که در همین دانشگاه تحصیل می‌کنند. اول این نکته رو ذکر کنم که من در حال حاضر در زمینه اقتصاد چندان فعالیتی ندارم، از زمانی که مدیریت گروه ایران شناسی را به عهده گرفتم، به نحوی از فعالیت در زمینه اقتصادی دور شدم و به مسایل مختلف ایران می‌پردازم، مسایل اقتصادی، مسایل سیاسی و آنچه که پیش میاد. یکی از این دانشجویها به مساله ایدئولوژی در ایران می‌پردازد و من خودم استاد راهنمایش هستم. این مساله برای ما درست مثل یک نقطه سیاه در فضاست. اگر واقع بینانه بگویم، ما نمی‌دانیم که چه اتفاقاتی در ایدئولوژی اجتماعی در حال وقوع است. چه نظریات جدیدی وجود دارد، چرا که نظریات قبلی از قبیل نظریات امام خمینی، طالقانی، مطهری و ... برای ما کاملا روشن هستند. اما از آنچه که جدید در ایران رخ می‌دهد و نظریاتی که پس از این افراد مطرح شده اند، همچنان بی‌خبریم. این بعد از مسایل ایران هنوز انعکاس مناسبی در روسیه نداشته. آنیا فداسینکوا^{۶۲}، - دانشجوی کاندیدای دوره دکتری - می‌شود گفت این جرات را به خودش داده که در نظریات عبدالکریم سروش تفحص کند، به

^{۶۲} Аня Федасинкова

این مساله بپردازد که چرا نظریه وی در غرب از شهرت برخوردار شد، چرا اینقدر به نظریه وی اهمیت می دهند و آن را بررسی می کنند، اما در روسیه انعکاس چندان زیادی ندارد؟ البته ما قصدمون این نیست که این نظریه را تجزیه و تحلیل کنیم، چون نظریه برای ما نسبتاً مفهوم است، بلکه می خواهیم آن را با آنچه که در حال حاضر در جامعه ایران رخ می دهد، مقایسه کنیم. شاید بتوانیم آن را با ترکیه مقایسه کنیم، به طور کل این مسیری است که ما درباره اش کم می دانیم و به عبارتی جای کار کردن دارد. من معمولاً از همه دانشجویان و کاندیدهای دوره دکتری می خواهم که به تفاوت میان مکاتب مختلف، مثل مکتب قم، مکتب اصفهان و ... بپردازند. اما متأسفانه هنوز موفق به این کار نشده ایم. کارهایی که در ایران انجام شده اند نیز هنوز در دسترس ما قرار نگرفته اند. این نحوه کار می تواند خیلی جالب باشد، چون به اعتقاد من این تحقیقات در حقیقت می توانند یک پل ارتباطی باشند برای بررسی تفسیرهای مختلف و آنچه که می تواند موجب نزدیکی ادیان و خط مشی های دینی بشود. اگر به طور جدی به این مسایل بپردازیم، همیشه می شود خطوطی را پیدا کرد که ما را با هم اتصال می دهند. البته منظورم از ما فقط مسیحیان ارتدکس نیست، مسلمانان روسیه هم به نحوی با مسلمانان ایران تفاوت دارند، می شود به مذهب شیعه در ایران پرداخت و یا مذهب بودیسم در روسیه.

در دانشگاه ام گی مو هم یک دانشجوی کاندیدای دوره دکتری هست که امیدوارم به بررسی اقتصاد بپردازد. البته در حال حاضر به مسایل نظامی ایران و صنایع نظامی آن مشغوله. این مساله هم برای ما خالی از اهمیت نیست و حتی فکر می کنم که برای خود ایرانیان هم جالب باشد. دانشجوی دیگری هم در ام

گی مو هست که به مساله لیبرالیزه کردن و مدرنیزه کردن اقتصاد - موضوع مورد علاقه من - مشغوله. البته این مساله ای است که خود من هم به آن در حال حاضر می‌پردازم، ولی با کمی تفاوت، چون ما در حال بررسی ایران و ترکیه هستیم. کار این دانشجو به عبارتی بررسی شرایط مدرنیزه سازی است، اما از طریق مقایسه می‌شود به نتایجی غیر منتظره دست پیدا کرد. لازم است که تجربه ایران را در چهارچوب توسعه اسلامی با تجربه ترکیه در چهارچوب خط مشی آن کشور مقایسه کنیم، سپس محاسن و معایب هر کدام را مشخص کنیم و به نتایج مناسبی برسیم. و می‌توانم بگویم که من روی این افراد بیشتر امید دارم.

اولین حضور شما در ایران چه خاطره ای در ذهنتان به جا گذاشته، چه حسی در شما باقی گذاشته است؟

سفر اول ما به ایران با خبرنگارمان از صدای روسیه بود که برنامه‌هایی پشت سر هم از خاطرات من از ایران تهیه کرد. می‌توانم بگویم که بعد از این برنامه تماس‌هایی با او و من انجام گرفت. تعداد زیادی هم از خود ایران با ما تماس گرفتند که جالب بود. فکر می‌کنم نکته جالب برای آنها نظرات واقعی و مثبت من در مورد سفرم به ایران بود. من در ایران این فرصت رو پیدا کردم که با افراد بسیار جالبی ملاقات داشته باشم. البته ما غیر از ایران به اصفهان و شیراز و همچنین قم هم رفتیم. در مورد قم، خب، البته از آنجایی که من مسلمان نیستم، ابتدا من رانپذیرفتمند، اما نمایندگانی که همراه ما بودند، آنها را برای رفتن من متقاعد

کردند. تنها حجابیم را کمی برایم درست کردند و راهم دادند. البته تجربه جالب و مفیدی بود و علاقه داشتم از این شهر هم دیدن کنم. چیزی که بیش از همه بر من تاثیر گذاشت، توجه و مهمان نوازی مردم بود.

ما تابستان ۱۹۹۷ برای اولین بار به ایران رفتیم، درست زمانی که فرهنگ پیک نیکی (گاز پیک نیکی) در شبها خودنمایی می‌کند. من برام خیلی جالب بود مردم همین که می‌دیدند ما خارجی هستیم، می‌خواستند بدونن که از کجا اومدیم و بعد از ما دعوت می‌کردند سر سفره آنها بشینیم و به آنها ملحق شیم. مساله دیگری که توجه من را خیلی به خودش جلب کرد، تمیزی شهر و زیبایی آن بود، چرا که در آن زمان مسکو شرایط مناسبی نداشت و تفاوت این دو شهر کاملاً مشهود بود. تهران با اینکه مملو از جمعیت و ماشین بود، اما حتی تمیزی کوچه‌ها هم به چشم می‌آمد. قسمت های مختلف شهر گل کاری شده و سرسبز بود، حتی وقتی به مقبره امام خمینی می رفتیم، گلهای رزی که در راه و در آن قسمت کاشته بودند، من را تحت تاثیر قرار داد. در آن زمان ما واقعا می-خواستیم کشوری که درباره اش تحقیق می‌کنیم و دوستش داریم را از نزدیک ببینیم.

الان دیگه ما خودمان راحت به ایران سفر می‌کنیم، خودمان هتل می‌گیریم، به شهرهای دیگر می‌ریم. حتی آخرین باری که به اصفهان رفتیم، در اتوبوس با خانمی آشنا شدیم و در طول راه گفتگو کردیم و وقتی به اصفهان رسیدیم، او گفت تا ما را به سفارت یا هتل محل اقامتمان نرساند، رهامون نمی‌کند. این

برخورد خوب مردم ایران واقعا برای من جالبه، این مساله‌ای است که می‌تونم بگم تو هیچ کشور دنیا دیده نمی‌شه.

با چه افرادی در ایران ارتباط دارید و یا ملاقات داشتید؟

در ایران بیش از همه با دکتر سنایی در موسسه «ایراس»، دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل و همچنین افرادی در دانشگاه تهران ارتباط دارم، در کل می‌شود گفت که تعدادشون محدود است.

چه توصیه ای به نسل جدید ایران شناسان دارید، چطور می‌توانند فعالیت بهتری در این رشته داشته باشند؟

من فکر می‌کنم که این کشور را باید خیلی جدی مورد بررسی قرار داد، باید تحقیق و بررسی ایران را حتی از همین شرایط اقتصاد فعلی یا شرایط فعلی حاکم بر جامعه ایران آغاز کرد. باید مسایل رو حس کرده و نتیجه گیری درستی انجام داد اگر تاریخ این کشور و طرز تفکر آن را ندانی، باید از همین دوره معاصر شروع کنی. من فکر می‌کنم که باید این کشور را دوست داشت، باید سعی کرد مردم آن را فهمید و درک کرد. حتما لازم نیست که در میان مردم زندگی کنی، باید تمام قضاوت‌ها و تحلیل‌ها عینی و بدون در نظر گرفتن مسایل خاص باشه، یعنی بتوانی از کنار به آن نگاه کنی و قضاوتش کنی. اما از طرفی هم نباید از بالا به آنها نگاه کرد، باید این را درک کرد که هیچ دو کشوری شبیه هم نیستند، مثل اینکه هیچ دو نفر آدمی شبیه هم نیستند، تفاوت‌هایی همیشه وجود دارد که بایستی در نظر گرفته بشود. تنها در چنین شرایطی است که می‌شود تحقیقی پربارتر انجام داد. با آرزوی توفیق برای ایران و ایرانیان.

برخی از کتابهای خانم نینا میخایلوونا در ادامه معرفی می‌شوند.

جمهوری اسلامی ایران در سالهای ۹۰ (اقتصاد، سیاست و فرهنگ)

ایران: تحولات خط مشی اسلامی

"کنوپراسیون در ایران" (۱۹۷۳)

"تمرکز تولید و سرمایه در ایران" (۱۹۸۲)

"تشکیلات اقتصادی شهری در ایران" (۱۹۸۸)

"ایران در قرن ۲۰، نقش دولت در توسعه اقتصادی" (۱۹۹۷)

"ویژگی‌های توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان معاصر (ایران و ترکیه)" (۲۰۰۶، کار مشترک)

سیویل طالبیوا، ایرانشناس برجسته روس



اولین بار نام سیویل طالبیوا را از زبان یکی از شاگردان زبان فارسی‌ام شنیدم وقتی که صحبت از روش تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های روسیه بود. صحبت از این بود که وی در کار خود بسیار جدی و پرنرژی است و روش تدریس جالبی دارد. این‌که شاگردان چنان دلبسته ایشان می‌شوند که تعویض استاد در سال‌های بعدی برایشان سخت است. خانم سیویل طالبیوا از جمله ایرانشناسانی است

که بیشترین و بهترین سال‌های عمر خود را صرف زبان فارسی کرده‌است. وی آثار و مقالات متعددی به چاپ رسانیده و یا در دست چاپ دارد و زبان فارسی را مطبوع و دلنشین صحبت می‌کند. در ادامه با ایشان بیشتر آشنا می‌شویم.

خانم طالبیوا لطفاً ابتدا شرح مختصری در خصوص زندگی خود بفرمایید.

پیر نیستم، اما مسن هستم. بیش از ۶۵ سال سن دارم. اهل باکو هستم و تحصیلاتم را در همان شهر به پایان رساندم. سال ۱۹۷۰ ازدواج کردم و به مسکو آمدم. وقتی از من می‌پرسند کدام شهر را بیشتر دوست داری، نمی‌توانم جواب

بدهم، چون کودکی‌ام را در باکو گذرانده‌ام و همه اقوام، خویشان، پدر و خواهرانم در آنجا هستند. بیش از ده سال است که مادرم را به خاک سپرده‌ایم، اما پدرم خوشبختانه هنوز در قید حیات است. حدود ۴۰ سال است که ساکن مسکو هستم. هر دو پسر را در اینجا بزرگ کردم، یکی معاون وزیر در وزارتخانه توسعه‌ی اقتصاد و دیگری در سفارت روسیه واقع در لائوس مشغول به کار است.

در خانواده کسی هم غیر از شما به شرق و شرقشناسی علاقه دارد؟

بله، پسرانم هر دو علاوه بر زبان انگلیسی و فرانسه یک زبان شرقی هم بلد هستند. پسر بزرگم به زبان تایلندی و پسر کوچکم به زبان ویتنامی مسلط است. می‌توانم بگویم اگر خانواده ما اقدام به تاسیس یک مدرسه شرقی کند، حتما موفق می‌شود، چون ما در خانواده‌ی خود هر زبانی را داریم (به شوخی). پسر کوچکم وقتی در دانشگاه ام‌گی مو مشغول به تحصیل بود و تصمیم داشت زبانی شرقی را انتخاب کند، به من گفت: "در دانشگاه ما زبان‌های فارسی و ترکی تدریس نمی‌شود. اما چه فرقی می‌کند، من که می‌خواهم شرقشناس باشم، پس می‌توانم از میان زبان‌های موجود زبان ویتنامی را انتخاب کنم." و چون چند سالی هم در ویتنام زندگی کرده بود، قاعدتا فراگیری این زبان برایش راحت‌تر بود. پسر بزرگم هم زبان تایلندی را در همان لائوس که محل کارش نیز بود، انتخاب کرد.

کار علمی خود را به عنوان یک شرقشناس از چه زمانی آغاز کردید؟

من و همسر من همیشه از کشوری به کشور دیگر در حال عزیمت بودیم. من تا سال ۱۹۸۰ دانشیار دانشگاه بودم و از سال ۱۹۹۵ به کار علمی پرداختم. در حقیقت ما از سال ۸۰ تا ۹۵ در سفر بودیم.

به چه موضوعاتی بیشتر علاقه مند بودید؟

در دوره‌ی تدریس موضوع انتخابی من ترکیبات زبان فارسی بود. دلیل این انتخاب این بود که زمان تدریس می‌دیدم مشکل اصلی کلاس‌های ما بر سر ترکیبات است. مثلاً وقتی می‌گوییم این ترکیب، یک ترکیب اضافی است فهم آن برای دانشجویان دشوار می‌شود. اما وقتی ترکیبی به همراه حرف ربط می‌آید به خاطر تشابه ساختاری آن با زبان روسی همه چیز مفهوم و واضح می‌شود. به همین دلیل ترکیبات اضافی جای کار داشتند. علاوه بر آن، ترکیباتی با دو مترادف، مترادف-متضاد مثل نزدیک و دور، کوچک و بزرگ و ترکیباتی مشابه نیز، چون در زبان روسی چندان بکار گرفته نمی‌شوند، مشکل‌سازند. به همین دلیل این موضوع را انتخاب کردم و بسیار هم راضی هستم.

در این زمینه چه تالیفات یا تحقیقاتی انجام داده‌اید؟

از آن زمان توانستم یک کتاب تالیف کنم به نام «ترکیبات با حرف ربط واو» مثل، مادر و پدر، بزرگ و کوچک و سال ۲۰۰۲، کار علمی ام را به دفاع رساندم که استاد راهنمایم آقای یوری رویینچیک بود. تقریباً از سال ۹۸ در همه

کنفرانس ها و همایش های علمی شرکت داشته‌ام. تمام مطالب ارایه شده‌ام را به صورت مقاله در مجموعه‌های همایش یا گروه زبان فارسی دانشگاه و حتی در مجله شرقشناسی در خصوص مسایل زبان شناسی به چاپ رسانده‌ام. این روزها هم مشغول کار بر روی یک مجموعه بزرگ هستم که امیدوارم به زودی به پایان برسد. این مجموعه در خصوص ترکیبات زبان فارسی است و بطور کلی در آن درباره تمام ترکیباتی که در زبان فارسی استفاده می‌شود، توضیح داده‌ام. شاید این موضوع را هم به عنوان پایان نامه فوق دکتری بتوانم به پایان برسانم.

برای انجام تحقیقات خود با ایران و یا اساتید ایرانی هم در ارتباط هستید؟

اتفاقا قصد دارم برای تکمیل این مجموعه، سفری به ایران داشته باشم و از کتابخانه ملی ایران استفاده کنم. دو سال پیش وقتی برای بازدید از نمایشگاه کتاب به ایران رفته بودم، به کتابخانه ملی رفتم، در حال حاضر سعی دارم از منابع ایرانی نیز استفاده کنم و به هدف نهایی‌ام برسم.

چرا این رشته را انتخاب کردید؟

جالب است که من از کودکی علاقه زیادی به ریاضیات داشتم. به اندازه‌ای در این درس قوی بودم که اگر معلم کلاس هشتم بیمار بود و به کلاس نمی‌آمد، مرا برای تدریس در کلاس پایین‌تر می‌بردند. تا کلاس نهم و دهم همیشه در المپیادهای ریاضی شرکت داشتم. همه در باکو می‌دانستند که یک نابغه‌ی ریاضی به نام سویل در حال رشد است، اما با دختری دوست بودم که از خانواده شرقشناسان بود. پدرش "محمد مبارز علیزاده" شرقشناسی معروف و در عین

حال نظامی شناس و فردوسی شناس برجسته‌ای نیز بود. من رفت‌وآمد زیادی با این خانواده داشتم. وقتی آقای علیزاده که مانند پدرم بود درباره شرق صحبت می‌کرد، من در انتخاب بین ریاضی و زبان فارسی مردد می‌شدم. شرق آنقدر برایم جذابیت داشت که مرا دچار تردید می‌کرد. طوری شد که بعد از فارغ التحصیلی آقای علیزاده گفت: "چطور می‌شود که تو می‌خواهی ریاضی دان شوی و دختر من نوشابه هم به خاطر تو می‌خواهد ریاضیات را انتخاب کند." من پاسخ دادم: "نه، نوشابه به انستیتوی خاورشناسی خواهد رفت و من به ریاضیات مکانیک." او گفت: "نه، نوشابه می‌خواهد جایی باشد که تو هستی." من او را نصیحت کردم و گفتم: "تو خوب می‌دانی که من در ریاضی بسیار قوی هستم، پس قاعدتا همین رشته را ادامه خواهم داد." نوشابه گفت: "نه، ثابت کن که تو در دروس دیگر قوی نیستی. تو در ادبیات و زبان هم مثل ریاضی پنج گرفته‌ای." گفتم: "خب، ولی من فکر می‌کنم که تو باید شرقشناس شوی و من ریاضی‌دان." اما او حاضر به پذیرفتن این مساله نبود و حتما می‌خواست که با هم در یک رشته باشیم، حتی می‌خواست با من وارد رشته‌ی ریاضی شود! اما وقتی من به چهره پدرش نگاه می‌کردم که چطور با نگرانی به او نگاه می‌کند و مایل نیست که دخترش ریاضی را انتخاب کند، برایم سخت بود. فکر اینکه او رنجیده خاطر شود برایم قابل تصور نبود. اما امروز خدای من شاهد است که هر روز برای محمد مبارز طلب رحمت می‌کنم. الان فکر می‌کنم که اگر من امروز ریاضی‌دان بودم، شاید فقط در مدرسه تدریس می‌کردم، اما حالا که شرقشناسم، همزمان در دانشگاه به تدریس مشغولم، کتابهای درسی می‌نویسم، به کار علمی می‌پردازم و

هم اینکه خودم هم از شادی و خوشبختی بابت رشته‌ام سر از پا نمی‌شناسم. گاهی اوقات وقتی از من می‌پرسند زبان مادری‌ت کدام است، با خود فکر می‌کنم که ۲۵ سال تمام تحصیل و زندگی‌ام به زبان آذری بوده، بعد به مسکو آمدم و زندگی‌ام با زبان روسی همراه شد و اکنون هم که ۴۰ سال است به تدریس زبان فارسی می‌پردازم. پس زبان مادری من کدام است؟ خودم هم نمی‌دانم. حداقل هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۲ بعد از ظهر فارسی صحبت می‌کنم. وقتی هم که به خانه برمی‌گردم، صحبت‌هایمان با اعضای خانواده در حد تعارف به سر میز غذا، چند کلمه صحبت مختصر و پس از آن رفتن به اتاق کار و کار بر روی زبان فارسی یا روسی است. حال شما قضاوت کنید زبان مادری من کدام است.

سرنوشت دوستان چه شد؟

نوشابه هم در دانشگاه دولتی آذربایجان به عنوان یک ایرانشناس و ادبیات‌شناس فعالیت دارد. این اواخر هم مقاله‌ای بسیار جالب در خصوص غزلیات امام خمینی (ره) نوشته است که بسیار خواندنی است. بسیار راضی هستم و این زبان را خیلی دوست دارم. به نظرم قشنگ تر از این زبان، زبانی نیست. با اینکه زبان مادری من آذری است، اما به جرات می‌گویم زبان فارسی بسیار زیباتر است، هر چند که اختیار مقایسه ندارم. زبان فارسی همانطور که ایرانی‌ها هم می‌گویند، زبانی شیرین است.

جمله بندی زیبا و کاملاً صحیح شما حاکی از تسلط و توانمندیتان در این زبان است.
استادان شما نیز از شرقشناسان روس بوده‌اند یا ایرانی؟

استادانم همه ایرانی بودند، خانم حاتمی، آقایان علی آذری، حسن علیزاده، حسن شفاعی در سال ۱۹۴۹ مهاجرین سیاسی به باکو بوده‌اند. پایان نامه‌ام را هم با خانم حاتمی نیز زمان انجام داده‌ام. من همیشه گفته‌ام که زبان فارسی را ایرانی‌ها دارم.

وقتی خانم حاتمی سر کلاس آمد نه روسی می‌دانست و نه آذری، فقط فارسی. تصور کنید روز دهم سپتامبر ایشان سر کلاس آمد و به زبان فارسی گفت: «سلام». خب می‌دانید که سلام در آذری هم همین کلمه است، در نتیجه ما به خوبی متوجه شدیم. کمی بعد ایشان به ما خیره شد و با لبخندی که حاکی از نفهمیدن متقابل بود جملاتی گفت. ما می‌فهمیدیم که صحبت‌های این خانم باید جالب باشد، ولی از فهم آن عاجز بودیم. این چنین روز اول کلاس ما شروع شد. وقتی می‌خواست یک کلمه جدید را به ما آموزش دهد، مثل «میز»، با دست به میز می‌زد، شکل آن را با انگشت در هوا ترسیم می‌کرد و بعد به فارسی می‌گفت: «میز» ما هم می‌فهمیدیم. به این ترتیب تا آخر ترم توانستیم یک حکایت به زبان فارسی تعریف کنیم. کار آموزش حروف الفبا با آقای آذری بود. به این صورت، ما زبان فارسی را یاد گرفتیم. آقای آذری ضرب‌المثل را خیلی دوست داشت و خط بسیار زیبایی داشت. او به خوبی رسم‌الخط را به ما یاد می‌داد.

چقدر از شیوه‌ای که با آن زبان را خودتان آموختید، عجین شده‌اید؟ آیا شما هم از همان روش استفاده می‌کنید یا معتقدید که به مرور زمان شیوه‌ی آموزش بایستی تغییر کند؟

خود من هم از شیوه‌ی آن روز استفاده می‌کنم، اما تغییراتی جزئی در آن داده‌ام. یک مساله را در آموزش همیشه باید در نظر گرفت، اگر دانشجو در رشته روابط بین‌الملل تحصیل می‌کند، باید زبان را به خوبی بداند و آنچه لازمه رشته‌اش هست را نیز فراگیرد. روز اول سپتامبر که من نمی‌توانم از کلماتی مانند «وزارت امور خارجه، قرارداد، لوایح و امثال آن» استفاده کنم دانشجو باید گام به گام پیش برود. برای آنکه زبان را بیاموزد من از اشعار کودکان شروع می‌کنم. مثل شعر «من یار مهربانم، دانا و خوش بیانم». من شعر را می‌خوانم و آنها همانطور که می‌شنوند با حروف روسی خود می‌نویسند. بعد کلمه به کلمه را برایشان معنا می‌کنم و مفهوم شعر را می‌گویم. توضیح می‌دهم که این شعر درباره دوستی با کتاب است. بعد از آنها می‌خواهم که برای فردا روخوانی آن را یاد بگیرند. درس آینده‌ی آنها تمرین روخوانی شعر است. جلسه بعد می‌گویم دو بیت را از حفظ کنید، سپس دو بیت بعد و نهایتاً تا آخر ترم چند شعر کوتاه و تقریباً ده ضرب‌المثل به همراه ترجمه می‌آموزند. متون را طوری انتخاب می‌کنم که کلمات در متون بعدی تکرار شود. مثلاً بعد از شعر «یار مهربان» از شعر «می - توانم با تو باشم ای کتاب خوب و دانا» تدریس می‌کنم. همین تکرار باعث یادگیری بهتر کلمات می‌شود. دو سه حکایت کوتاه کودکانه دارم به نام‌های «پنج مداد» و «مدادهای نازنین». کلمات و افعالی که در حکایت اول استفاده شده در حکایت دوم تکرار می‌شود. در حکایت اول تمام کلمات را معنی می‌کنم،

اما در حکایت دوم، نهایتاً ۵-۶ کلمه جدید خواهد بود. به این ترتیب من شیوه خانم حاتمی را با کمی تغییر، امروز هم استفاده می‌کنم و خیلی هم راضی هستم. دانشجویان هم با انگیزه کافی تحصیل می‌کنند. من توانستن را مانند دانستن به آنها القا می‌کنم. به آنها می‌فهمانم که شما می‌دانید و می‌توانید بکار ببرید. در دوره دوم سال اول دانشجویان باید خودشان شخصا معنی کلمات را در فرهنگ پیدا کنند. بعد از دو سه درس، از سختی کار کاسته می‌شود و راه می‌افتند. بعد از چند حکایت مشکل، کار را کمی ساده می‌کنم تا انگیزه شان بالا برود. چون مشکلات را پشت سر گذاشته‌اند، کار برایشان ساده‌تر و شیرین‌تر می‌شود. برای هر حکایت فقط دو هفته وقت می‌گذارم و پس از پایان دو هفته باید انشا بنویسند.

کتاب آموزشی در دست چاپ دارید؟

بله، کتاب «دوره عملی ترجمه از زبان فارسی» که مراحل نهایی خود را پشت سر می‌گذارد. در این کتاب هم این چنین توضیح می‌دهم: اول خواندن متن را پیشنهاد می‌کنم. بعد کلمات و ترکیباتی برای ترجمه کردن در آن مشخص می‌شود. در این کتاب بعضی کلمات با ترجمه می‌آید و برخی با مترادف‌هایش. مثلاً کلمه «конфет» در زبان روسی، به فارسی شیرینی گفته می‌شود، در حالیکه کلمه "شیرینی" در زبان فارسی معنای گسترده‌تری دارد. از طرف دیگر، قند با اینکه شیرین است را همان قند می‌گویید. یعنی دارای یک معنای مجزا برای خود است. عباراتی از این قبیل بسیار هستند، پس در جاهایی ترجمه می‌آید و

در معانی مترادفش. در بعضی متون مانند متون سیاسی و مذهبی، کلمات عربی زیاد است، همه متن‌ها مربوط به سال ۲۰۰۹ است که از ایران جمع آوری می‌شود. در این متون کلمات عربی زیاد به چشم می‌خورد، بنابراین این کلمات هم باید تدریس شوند. مثلا کلمه «طرح» را انتخاب می‌کنیم و از دانشجو می‌خواهیم که با آن ترکیبات مختلفی بسازد. یا اصطلاح "پرسان پرسان تا مکه می‌توان رسید" که در روسی معادل язык до Киева доведет (زبان تو را تا شهر کیف می‌برد). یا مثلا، "دندان اسب پیشکش را نمی‌شمارند" که در روسی دقیقا همین طور ترجمه می‌شود. پس این ترکیب یک ترکیب ترجمه است، اما ترکیب قبلی ترکیب معنایی متقابلی دارد. بعضی اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها هم هستند که معادلی در زبان مقصد ندارند، فقط باید آنها را فهمید و درک کرد. آن دسته از اصطلاحات که معادل دارند را می‌نویسیم، و بعد معادل را از دانشجویان می‌خواهیم. من چون دایما با ایرانی‌ها گفتگو دارم، می‌بینم که شما در گفتار خود از اصطلاحات و ترکیبات بسیار استفاده می‌کنید، خصوصا آقای ابراهیمی ترکمان. پس می‌فهمم که برای خوب ترجمه کردن و برای اینکه مترجمان آینده ما بتوانند با احترام به زبان فارسی، ایرانیان را فهمیده و به‌خوبی صحبت کنند، باید فرهنگ زبان فارسی را به کمک این ترکیبات و اصطلاحات بشناسند.

در این کتاب درسی ترکیباتی نیز آورده‌ام، مثلا وقتی یک فرد ایرانی شروع به صحبت می‌کند چرا می‌گوید: «بسم الله الرحمن الرحيم» این جمله چه معنایی دارد، هدف این جمله چیست. علاوه بر آن به اطلاعات خاصی نیز می‌پردازم، مثل اسامی وزارت خانه‌ها، تاریخ تاسیس آنها، تاریخ کلمه وزیر و وزارت خانه و می‌دانید که کلمه وزیر از دوره هخامنشی رواج یافته است و سایر کشورهای دنیا

تمام سیستم حکومتی را از هخامنشیان یادگرفته اند. کلمه وزیر و وزارت خانه را عرب‌ها از فارس‌ها گرفتند و به شیوه خود آن را به وزرا تغییر دادند و ایرانی‌ها مجدد آن را از عرب‌ها وام گرفتند. این کار در روسی وام گرفتن دست دوم نام دارد، یعنی کلمه خودشان را دوباره قرض گرفتند.

تا جایی که من متوجه شده‌ام، نقش فرهنگ شناسی و کشورشناسی در شیوه آموزشی شما بسیار پررنگ است.

بله درست است. چند سال پیش که به ایران رفته بودم، در نزدیکی محل سکونت، چند مغازه کوچک بود. به یکی از آنها سر زدم، خیلی مایل بودم با ایرانی‌ها صحبت کنم، خصوصاً با افراد مسن. آنها بدون ترکیبات نمی‌توانند صحبت کنند. در صحبت‌های آنها همیشه اندرز است. و اگر یک جوان روس بیاید و نتواند بفهمد که این شخص درباره چه چیزی صحبت می‌کند، دیگر زبان حالت ارتباطی خود را از دست خواهد داد. اما خوشحالم که شاگردان ما وقتی برای دوره‌های کوتاه‌مدت به ایران می‌روند، از این نظر هیچ مشکلی ندارند. همه می‌گویند که تمام مطالبی که یاد گرفته بودیم، برایمان مفید بود. به همین دلیل می‌توانم مطمئن باشم که روش تدریسم درست است. وقتی آنها می‌گویند که من دانشجوی سویل طالبوا بوده‌ام، برایم کافی است. من امروز با افتخار می‌گویم که شاگرد خانم حاتمی بوده‌ام.

چند مرتبه به ایران سفر کرده‌اید؟

دو مرتبه. سال ۹۸ و ۲۰۰۸. برای یک نمایشنامه با یکی از نمایندگان به عنوان مترجم بودم. در المپιάد نوجوانان هم وقتی ایرانیان به مسکو آمده بودند با معاون وزیر آموزش و پرورش در رشته ورزش کار می‌کردم.

اصفهان، تهران و قم بوده‌ام. یک آرزوی بزرگم رفتن به مشهد، شیراز، همدان - غار علیصدر است. وقتی به قم رفتم با تاکسی رفته بودم. راننده پرسید شما قم بوده‌اید. چون من متن‌هایی درباره قم خوانده بودم. دایما به راننده می‌گفتم که مسجد باید این طرف باشد، فلان ساختمان باید در آن قسمت باشد. راننده تعجب کرد و پرسید که شما قم بوده‌اید. گفتم خیر. از او پرسیدم که جمکران از اینجا دور است؟ با تعجب پرسید، شما از کجا می‌دانید؟ گفتم من استاد زبان فارسی هستم، اینها را در متن‌ها یاد گرفته‌ام. او باز تعجب کرد و گفت چطور می‌شود فقط با خواندن متن اینها را دانست؟ گفتم اگر شما هم هر سال چندین مرتبه این متن‌ها را می‌خواندید، الان همه را حفظ بودید. درباره غار علیصدر هم خیلی می‌دانم، به خاطر متن‌ها البته. آرزو دارم به آنجا بروم.

دفعه اولی که رفتید چه حسی داشتید؟

اولین باری که رفتم، موقع گذشتن از گمرک فارسی صحبت کردم، حس کردم در ایرانم، اینجا باید فارسی صحبت کرد. سلام کردم و پرسیدم چکار باید بکنم، و همین‌طور شروع به صحبت کردم. مامور پرسید شما چرا نوشته اید که روس هستید؟ باید بنویسید که ایرانی هستم. گفتم نه آقا من روس هستم. اگر ملیتم را می‌خواهید بدانید که اصلاً آذربایجانی هستم از باکو. اما الان شهروند روسیه هستم. گفت نه، تا ننویسید که ایرانی هستم اجازه ورود نمی‌دهم. او گفت، نه

احتمالا شما ایرانی هستید اما دوست ندارید بگویید. گفتم نه، اگر ایرانی بودم که بسیار احساس خوشبختی می‌کردم. او فکر کرده بود که من یک مهاجر ایرانی هستم و نمی‌خواهم بگویم.

مشکلات زیادی در سفرم نداشتم. بیشتر کسانی که ایران می‌روند، می‌گویند که در کوچه بازار و معاشرت با مردم مشکل داشته‌اند، اما من نه. البته فقط وقتی خیلی تند صحبت می‌کنند مشکل هست. در اصفهان با یک ایرانی صحبت می‌کردم که خانمی به طرف من آمد و گفت مثل اینکه شما ایرانی نیستید؟ گفتم درسته. گفت اما فارسی خوب صحبت می‌کنید. ولی می‌خواهم بدانم چقدر خوب می‌دانید. او شروع کرد به لهجه اصفهانی صحبت کردن. گفتم خانم جان من فقط لهجه تهرانی را می‌دانم. نمی‌دانم شما از کجای تهرانی، می‌فهمم که این فارسی است، اما چه می‌گویید، نمی‌فهمم. او برایم توضیح داد که لهجه اصفهانی است و وقتی آرام تر صحبت کرد، تازه بعضی کلمات را فهمیدم. مفهوم صحبتش را برایش گفتم اما برخی کلمات برایم کاملا غریب بودند. رویهمرفته تهران شهر قشنگی است. آنجا به موزه ملی رفتم، موزه گلستان، پارک لاله، و پارک ساعی، به دریند رفتیم.

در ایران با چه کسانی آشنا هستید یا همکاری دارید؟

فقط افرادی که در اینجا بوده اند را می‌شناسم. متأسفانه ما امکان زیادی برای آشنا شدن با اساتید را نداریم. استادانی که اینجا می‌آیند، این اواخر فقط همایش

حافظ و گوته و پوشکین بود که در آن استادان فارسی شرکت داشتند. این همایش تنها دو روز بود و موقعی که آنها می‌آیند ما فرصت صحبت در خصوص مشکلات تدریس و زبان شناسی با آنها نداریم. نمی‌توانیم با آنها کتاب درسی تهیه کنیم. من به یکی از اساتید زبان فارسی در مسکو پیشنهاد دادم که با هم کار کنیم. چون از نظر متن شناسی ایرانی های قوی ترند و ما از نظر تئوری زبانشناسی. باید متن هایی در خصوص شهرهایی تاریخی ایران جهت آموزش تهیه شود. بعد من تمرینات را برای کار با متن آماده کنم. اینطور می‌توانیم یک کتاب درسی بسیار مفید تهیه کنیم.

تا چه حد از برنامه‌هایی که ایران برای دانشجویان زبان فارسی اجرا می‌کند راضی هستید؟

البته برنامه ها خوب و مفید هستند که جای تشکر دارد. تنها مشکلی که ما داریم این است که وقتی دانشجویان ما برای دوره تحصیلی به ایران می‌روند، دانشجویان از کشورهای مختلف در یک کلاس می‌نشینند، اینجا مشکلاتی پیش می‌آید. مثلاً در زبان روسی ماضی بعید وجود ندارد، که همین تفاوت در ساختار دستوری که در تمام زبان ها یکسان نیست، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. کسی که به زبان انگلیسی تکلم می‌کند این زمان فعلی را دارد، بنابراین استاد یک برنامه کلی را جهت آموزش در ایران پیش می‌گیرد که برای همه دانشجویان از کشورهای مختلف مفید باشد. به اعتقاد من باید برنامه آموزشی آنها از هم جدا شود. مثلاً روسها، با چک ها، اسلاوها، بلغاری، لهستان و کشورهایی که زبانشان

از ریشه اسلاو است در یک کلاس قرار بگیرند تا بتوانند استفاده بهینه از کلاس کنند.

چه پیشنهادی برای تداوم و گسترش همکاری‌های ایران و روسیه در جهت بهبود شرایط آموزش زبان فارسی دارید؟

اگر در ایران استاتیدی باشند که حاضر به تهیه کتاب برای روس زبانان باشد، من حاضرم با کمال میل در این مسیر همکاری کنم. چون من مشکلات دانشجویان روسی را کاملاً می‌فهمم. متن‌هایی که من انتخاب می‌کنم از صفحات اجتماعی روزنامه‌های ایران هستند. این متن‌ها تاریخ مصرف ندارند و در سالهای آینده هم همچنان مفید هستند. اما متن‌های سیاسی را نمی‌توان طولانی مدت استفاده کرد.

من از کتابهای درسی تاج زین‌الدین استفاده می‌کردم که بسیار مفید بود اما فقط از نظر متن. تمرینات آن بسیار مشکل بودند. چون در متن مثلاً ۵ کلمه جدید دارد، اما در تمرینات ۱۵ کلمه جدید. اینطوری من باید سر کلاس درس ۲۰ واژه تازه آموزش دهم که برای یک دانشجوی مبتدی آموختن ۲۰ کلمه جدید در یک جلسه بسیار مشکل است.

آموختن زبان به خودی خود کاری دشوار است و اگر مطالب سنگین و سخت باشند، در همان ابتدای راه انگیزه آموختن در دانشجو از میان می‌رود. از این نظر من می‌گویم که متن‌ها برای تدریس ساده‌تر بوده و برای کار خانه مشکل‌تر

باشد. چون مثلاً من سر کلاس ۱۰ واژه جدید به دانشجو می‌دهم، برای خانه هم بین ۳ تا ۵ نه بیشتر. حداکثر ۵ مرتبه دانشجو باید فرهنگ لغت را باز کند. اگر بیشتر از این باشد خسته می‌شود و نگاه نمی‌کند. البته باید انگیزه آموختن را در دانشجو زنده نگاه داشت. من خیلی می‌خواهم که یکی از استادان ایرانی کمک کند تا یک کتاب مناسب تدریس و با شیوه درست تهیه کنیم.

من خودم بعد از حضور در المپیادهای ورزشی، یک کتاب مخصوص ورزش تهیه کرده‌ام و حالا دانشجویانم در زمان کار با ورزشکاران، به عنوان مترجم استفاده می‌کنند. همه جوانان ورزش را دوست دارند، و این کار هم برایشان جذابیت دارد. واژه‌هایی که در این کتاب آمده به آنان بسیار کمک می‌کند. در این کتاب کوچک که اسپرت هم نام دارد حتی در خصوص تاریخ المپیاد و روسیه نوشته شده‌است که البته خالی از اشکال هم نیست.

اگر چه تخصص خود را با کمک محمد مبارز انتخاب کرده‌ام، البته بگویم که نوشتار هم در دانشگاه دولتی آذربایجان به عنوان یک ایرانشناس و ادبیات‌شناسی فعالیت دارد. این اواخر هم یک مقاله بسیار جالب در خصوص غزلیات امام خمینی نوشته‌است که بسیار خواندنی‌است. بسیار راضی هستم و این زبان را خیلی دوست دارم. به نظرم قشنگ تر از این زبان، زبانی نیست. با اینکه زبان مادری‌ام آذری است، اما به جرات می‌گویم که زبان فارسی بسیار زیباتر است، هر چند که اختیار مقایسه ندارم. زبان فارسی همانطور که ایرانی‌ها هم می‌گویند، زبانی شیرین است. البته این قضیه به علاقه مندی شخص هم بستگی دارد. من

خودم وقتی زبان روسی را شروع کردم، آنقدر به آن علاقه مند شدم که همه جا در حال مطالعه بودم.

بله، البته، زبان پوشکین، زبان تولستوی، واقعا دلنشین است. قصه های چخوف خواندنی هستند، قصه های تورگنیف علاوه بر جالبی ساده هستند. در اوایل دوره آموزشی همیشه باید از آثار ساده شروع کرد. من چرا از ادبیات کودکان استفاده می‌کنم، چون ساده است. وقتی به جوان می‌گویم که قصه پنج مداد را یاد بگیر، او فکر می‌کند که من دیوانه هستم. اما کم کم که به قصه های حسن خادم و قصه مرد طلسم شده که بسیار فلسفی و مشکل هستند می‌رسیم، تازه می‌فهمند که مهارتشان چطور بالا رفته. حکایت کودک باران، کودک به آفتاب می‌گوید که امروز تو خیلی زمین را گرم کردی، تو برو تا ابرها بیایند و سرزمین پدرم را مرطوب کنند. اما وقتی آنها می‌آیند، کودک گریه می‌کند که نه، چرا علاوه بر زمین‌های پدرم زمین‌های دیگر را هم آبیاری کردید. بروید با شما قهر هستم. ابرها می‌روند. کودک گرسنه می‌شود، پیش مادر می‌رود و می‌گوید چیزی بده بخورم. مادر می‌گوید، تو که با همه قهر کردی، زمین تشنه‌است، ما مواد غذایی نداریم. این یک واژه تخصصی است. سبد مواد غذایی در مناسبات بین‌المللی و رشته اقتصاد بکار می‌رود. داستان با اینکه کودکانه است، واژه تخصصی دارد. آنها وقتی به داستان حسن خادم رسیدند، خودشان کلمات تکرار شده از حکایات کودکانه را یافتند و برایشان جالب بود. آنها فکر می‌کردند چرا من با این سن و

سال و تجربه از داستان های کوچک استفاده می‌کنم؟ آنها بعدها می‌فهمند که این کار مفید بوده‌است.

شما هم که روسی می‌آموزید، حتما باید از داستان‌های کوتاه باید استفاده کنید. من فقط در تدریس خود از معماها و عبارات هم قافیه استفاده نمی‌کنم، چون غالبا خودم هم جوابشان را نمی‌دانم.

من در کار خودم از ضرب‌المثل های عامی و اصطلاحات ادبای بزرگ مثل سعدی، نظامی و ... استفاده می‌کنم. مانند «می‌ترسم از خدا و نمی‌ترسم از کسی، می‌ترسم از کسی که نمی‌ترسد از خدا» یا «توانا بود هر که دانا بود، ز دانش دل پیر برنا بود» خیلی ها هستند که نمی‌دانند این جملات قصار از کیست. این را من به عنوان یک فصل در پایان نامه‌ام گذارده‌ام. اصطلاحات یک کشور، تاریخ آن کشور، روح آن و فرهنگ آن کشور است.

من در کلاس گاهی اوقات یک شعر می‌دهم و از آنها می‌خواهم که به روسی برگردانند. پس از نگاه کردن به ترجمه اشان، می‌گویم نه بیایید مفهوم را به روسی برگردانیم. بعد آن را طوری می‌سازم که انگار یک شاعر تازه به دنیا آمده است.

خانم یلنا کنستانتینوا مالچانوا



لطفاً اول بفرمایید چطور شد که به زبان فارسی علاقه‌مند شدید و چه سالی وارد دانشگاه شدید؟

من در انستیتوی زبانشناسی دانشگاه مسکو در بخش شرقی وارد شدم. در این بخش دو گروه وجود داشت: بخش ایران و بخش ترکیه. گروه ما در بخش ایران فقط پنج نفر بودند. متأسفانه همه آنها در قید حیات نیستند. یفیموف رییس بخش ما که خود به زبان‌های کوچک افغانی می‌پرداخت، چند سال پیش فوت کرد. سایر همکلاسیان هم تخصص خود را تغییر داده‌اند و زیاد با هم در ارتباط نیستیم. انستیتوی کشورهای آسیا آفریقا چند سال پس از آن تشکیل شد و ابتدا انستیتوی زبان‌های شرقی نام داشت. من از اولین فارغ‌التحصیلان این انستیتو بودم. در آن دوره من بسیار فعال بودم و در یک کمیته اجرایی شروع به فعالیت کردم. پس از اتمام انستیتو وارد دوره دکتری شدم و «زبان پهلوی» را به عنوان موضوع پایان‌نامه خود انتخاب کردم. موضوع بسیار گسترده‌ای بود و نیاز به تلاش زیاد داشت.

احتمالا نام واسیلی ایوانوویچ آبایف را شنیده باشید. او اهل آستیا بود و دارای فرهنگی به نام فرهنگ آسی است. او جوانترین استاد ما بود. غیر او خانم راستارگوی بود که متاسفانه او هم از میان ما رفته است. پس از آن وارد انستیتوی زبان شناسی فرهنگستان علوم روسیه شدم. استاد راهنمای من خانم راستارگوی بود. پس از اتمام تحصیلات در همین فرهنگستان مشغول به کار شدم. با خانم راستارگوی چندین کار انجام دادیم. از جمله کارهای مشترک ما یک فرهنگ دوجلدی است به نام «کوشش تحلیل تاریخی و تیپولوژی زبان های ایرانی». کار بسیار بزرگی بود و با مشکلات بسیار همراه بود. علاوه بر این، کارهای مشترک دیگری هم با هم داشتیم. در آن دوره ما تماس زیادی با ایران داشتیم، یا بهتر بگوییم که اصلا ارتباط نداشتیم. ما بیشتر به زبان تاجیکی می پرداختیم. انستیتوی شرقشناسی بیشتر با ایران در ارتباط بود.

هنوز هم در همین فرهنگستان مشغول به کار بوده و رییس شعبه زبان های ایرانی هستیم. قبلا این شعبه بزرگتر بود، اما الان متاسفانه فرهنگستان علوم روسیه هر سال از لحاظ همکاران کمتر می شود، الان ما فقط پنج نفر هستیم.

ما مشغول کار عمومی بودیم، مثلا کتاب هشت جلدی «مبانی زبانشناسی ایرانی» در اینجا هم زبان های ادبی و هم گویش ها مطرح شده اند. سال های اخیر عموما در زبان شناسی مساله زبان های منوریتار - زبان هایی که گویش وران کمی دارد - البته ممکن است که گویش وران آنها کم نباشد، اما در محلی که اسکان دارند، سعی می کنند بیشتر با زبان رسمی در ارتباط باشند. این در نتیجه مساله جهانی شدن پیش آمده است. ما الان به این مساله می پردازیم و باید هر چه بیشتر زبان -

های کم گویش‌ور را ثبت کرد و آنها را مورد تحقیق قرار داد. به طور مثال، آقای عبدالنبی سلامی اهل دهستان دوان در فارس می‌باشد. وی غیر از اینکه فرهنگ گویش دوانی را نوشته، باز مشغول کار گویش شناسی ایران است. وی تا به حال بیش از پنجاه گویش را معرفی و توصیف کرده‌است. تاکنون پنج دفتر از مطالعات ایشان به چاپ رسیده‌است. او میل دارد که تمام گویش‌های ایران را توصیف کند. البته، ما امکانات زیادی نداریم، اما تا جایی که بتوانیم کار می‌کنیم. غیر از ایران، تاجیکستان هم کشوری است که برای ما بسیار جالب است. خانم ستارگویا مشغول زبان تاجیکی بود. کتاب‌های وی بسیار معروف است. در تاجیکستان منطقه ای است به نام پامیر، در آنجا زبان‌های بسیار جالبی وجود دارد، اما در گفتگو با آنها، شما هیچ چیز متوجه نمی‌شوید. چون گروه زبانی آنها کاملاً متفاوت است.

در فرهنگستان ما دو نفر به بررسی زبان پامیری می‌پردازند. من کتابی دارم درباره زبان ایرانی از گروه شمال غربی است. این گویش فقط در یک روستا به کار می‌رود. این روستا در شمال شهر شیراز به نام سیوند است. اما ظاهراً الان قصد دارند آنجا تاسیسات بسازند که من بسیار افسوس می‌خورم. می‌گویند که در نزدیکی این روستا هم مکانی وجود دارد که ساکنین اش شبیه به آنها صحبت می‌کنند.

الان به چه کاری مشغول هستید؟

الان من مشغول تحقیق در خصوص زبان های زرتشتی شهر یزد هستم. در آنجا زبان های بسیار جالبی وجود دارد. اگر آنها به زبان خود صحبت کنند، برای شما اصلا قابل فهم نخواهد بود. علاوه بر این، مشغول اصطلاحات و لغات یزدی هستم. من در دانشگاه مسکو تاریخ زبان فارسی را تدریس می کنم.

ارگان های ایرانی چه کمکی می توانند در گسترش علم زبان شناسی در روسیه داشته باشند؟

یک کتاب دوجلدی در خصوص «تغییر زبان های ایرانی از لحاظ تیپولوژی» می باشد. یک کتاب سه جلدی داریم به نام «زبان های جهان» و سه جلد «زبان های ایرانی» هستند. در این کتاب ها مطالب به طور مختصر بیان شده اند. به طور مثال

فکر می کنم بد نباشد اگر از ایران در خصوص ادبیات زبان شناسی منابع و مطالبی برای ما بفرستند. ما نیاز به کتاب داریم. در ایران مجلات بسیار خوبی مثل مجله «زبان شناسی» یا مجله «فرهنگ» وجود دارند که می توانند برای ما بسیار مفید باشند. اما متأسفانه به آنها دسترسی نداریم.

E_molchanova@mail.ru

منابع :

<http://www.famous-scientists.ru/catalog/۴/>

<http://www.rsuh.ru/article.html?id=۶۷۱>

<http://www.vkimo.com/node/۱۴۹>

<http://www.spbu.ru/faces/professors/vostok/bogolyubov/>

http://orientalstudies.ru/rus/index.php?option=com_personalities&Itemid=۷۴&person=۷۱۱

<http://www.ivran.ru/institute-structure/scientific-centers/۲۷۳>